

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: محمدرضا حشمتی
شورای برنامه ریزی و کارشناسی:
علی اصغر جعفریان، فرحناز حدادی،
لیلی محمدحسین، منصور ملک عباسی و
حبیب یوسفزاده
مدیر داخلی: فاطمه محمودیان
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: مجید کاظمی
تصویرگر: میثم موسوی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۳۲
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام نگار: moallem@roshdmag.ir
تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۵
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۵-۶
شمارگان: ۲۹۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- یادداشت سردبیر / هنر معلمی / محمدرضا حشمتی ۲
- همگام با تحول / فرهنگ، اکسپژن مدرسه / دکتر فرخ لقا رئیس دانا ۳
- سواد مالی / بودجه بندی مالی / دکتر امید مهرابی ۶
- همگاه با تحول / تکالیف، مکمل های یادگیری / دکتر لیلا سلیقه دار ۹
- سواد رسانه ای / پاتوق مجازی / حسین غفاری ۱۲
- سواد رسانه ای / دورهم، دورازهم / کتایون رجبی راد ۱۷
- پژوهش / رشد در ترازوی معلمان / سیدکمال شهابلو - دکتر مهشید ایزدی ۱۸
- گونگون / آقای سردبیر! مشکل اینجاست / هوشنگ شرقی ۲۰
- سواد حقوقی / حریم مدیر در حرم مدرسه / احمد مختاریان ۲۲
- تجربه ها / پندهای آبی / سعیده باقری ۲۴
- راهنمایی و مشاوره / عایق کاری شغلی / حدیثه اوتادی ۲۶
- تجربه ها / دنیای فاصله ها / سامی خانی تمبی ۲۹
- معلمان بزرگ ایران / ریاضی دان ادیب / جعفر ربانی ۳۲
- دنیای نوجوان / اشتباهات امتحانی / ریحانه ایزدی ۳۴
- معلمان قرن ۲۱ / کلید موفقیت در آموزش و پرورش اندونزی / دکتر نیره شاه محمدی ۳۷
- تجربه ها / جوشش مهربانی / فرشته سراج ۴۰
- داستان / خلیج فارس مال ماست / لیلا حسین پور ۴۲
- موزه / لحظه هایی در خانه پروفسور محمود حسابی / شیوا پروین ۴۴
- جدول / غلامحسین باغبان ۴۵
- باهمراهان ۴۶
- تیمز / تیمز، بایدها و شایدها / غلامرضا لشکر بلوکی ۴۷

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

● مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلا در جای دیگری چاپ نشده باشند. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بریک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی سی دی یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نماییه (کلیدواژه ها) از متن استخراج شوند. ● مقاله باید دارای تیتیر اصلی، تیتیرهای فرعی در متن و سوتیتیر باشد. ● معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● شماره تماس نویسنده حتما نوشته شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شوند. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتا مبین رای و نظر مسئولان مجله نیست.



هنرمعلمی

فرارسیدن ماهی که سالروز مبعث پیامبر اسلام(ص)، میلاد امام علی(ع) و روز معلم در آن واقع شده است، بر شما پیروان واقعی رسالت انبیا مبارک. اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْكَرِيمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (علق، ۵-۱): بخوان به نام پروردگارت که آفرید. انسان را از خون بسته سرشت. بخوان و پروردگارت کریم‌ترین است؛ همان‌که با قلم آنچه را که انسان نمی‌دانست به او آموخت.

در این آیات، خداوند خود را «معلم» می‌خواند و جالب اینکه معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده‌ترین و بهترین شاهکار خود، یعنی انسان، آورده است. بدین معنا، مقام معلمی خدا، بعد از مقام آفرینندگی او قرار دارد. اینکه خدا انسانی را که هیچ نمی‌دانست، به وسیله قلم آموزش داد، از اوج خلاقیت و هنر شگفت او در امر آفرینش حکایت دارد.

از این‌رو، می‌توان گفت که هنر شگفت معلمی از آن خداوند عالم است و پس از او، از آن پیامبران و آنگاه از آن ما -معلمان- که در این هنر مشغول فعالیت هستیم.

قرآن کریم پیامبر اسلام را، که بزرگ معلم تاریخ بشریت است، چنین معرفی می‌کند: «همانا رسولی از خود شما به سویتان آمده است که رنج بردنتان بر او گران می‌آید و سخت دلبسته شماس» (توبه، ۱۲۸). عشق به هدایت و ارشاد انسان‌ها برای معلم کمال مطلوبی است که هیچ معلمی بدون این سوز و عشق نمی‌تواند در کار خود موفق باشد.

درواقع این روحیه موتور محرک معلم است برای تعلیم و تربیت. عشق و سوز معلم محیط آموزشی را پر شور و نشاط می‌کند. در این محیط، معلم و شاگرد امیدوارانه به آینده نگاه می‌کنند و برای روزهای بهتر و روشن می‌کوشند. لازمه معلم بودن تنها داشتن معلومات دقیق و گسترده نیست؛ چه، معلم علاوه بر این‌ها باید به هنر معلمی نیز آراسته باشد؛ هنری بسیار دقیق و حساس که اگر از آن بی‌بهره یا کم‌بهره باشد، هیچ‌گاه در امر مهم و سرنوشت‌ساز تعلیم و تربیت موفق نخواهد شد.

امام علی(ع)، اولین دانش‌آموز مکتب پیامبر اسلام(ص)، با تشبیه پیامبر اسلام(ص) به طبیب یا پزشکی که با طب خود سخت به دنبال بیمار می‌گردد (طبیب دَوَّار بَطْبَه)، رسالت آن حضرت را معالجه روح و جان انسان‌ها بیان می‌کند. می‌گوید: «رسول خدا پزشک بیماری جهل و طبیب اخلاق نکوهدیده و پست است و با طب خویش در سیر و گردش است.» این بیان کنایه از این دارد که وی خود را برای درمان جاهلان و گمراهان عرضه می‌کند و خویشتن را بر این امر منصوب و موظف داشته است.

امید است با تأسی به رفتارهای معلمی ائمه معصومین(ع) بتوانیم با هنر خود معلم باشیم نه با ابلاغ و حکمی که از اداره کارگزینی می‌گیریم. چرا که معلمی یعنی داشتن درد راهنمایی و هدایت مردم، با وجود ناملایمات روزگار.

سید رضا حسینی



دکتر فرخ لقارئیس دانا
متخصص تعلیم و تربیت

فرهنگ مدرسه چیست؟

فرهنگ مدرسه متشکل از باورها، گرایش‌ها، نگرش‌ها و طرز تلقی رهبران آموزشی و تربیتی یعنی مدیر و معلمان نسبت به چرایی، چیستی و چگونگی تربیت و دلایل وجودی دانش‌آموز در مدرسه به‌عنوان یادگیرنده است. علاوه بر این، نگرش‌های دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها نسبت به مدیر و معلمان و مسئولان اجرایی و تلقی آن‌ها از میزان حمایت‌های مدرسه، در جهات گوناگون، نیز بخش دیگری از فرهنگ مدرسه را شکل می‌دهد. فرهنگ مدرسه تعیین‌کننده چگونگی احساس و ادراک همه اعضا نسبت به نقش مدرسه و چگونگی عملکرد آن‌ها در ایفای نقش‌های خود است. فرهنگ مدرسه مجموعه‌ای است از فرضیات اعضای مدرسه در چگونگی روبه‌رو شدن با مسائل، احساس، ادراک و تحلیل قضایا و تصمیم‌گیری

برای دستیابی به هدف‌هایی مشخص. به عبارت دیگر، فرهنگ مدرسه القاکننده شیوه‌های احساس، ادراک، تفکر، طرز برخورد، رفتار و عمل همه افرادی است که اعضای آن فرهنگ به حساب می‌آیند. جو فرهنگ غالب مدرسه بر نوع رفتار و کردار اعضای آن، اعم از معلم و دانش‌آموز، اثر می‌گذارد و جهت‌دهنده افکار و اعمال آن‌هاست.

هر مدرسه دارای فرهنگ خاص خود است که تحت تأثیر افکار و اعمال مدیران، معلمان و دانش‌آموزان پیشین شکل گرفته و اعضای جدید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرهنگ مدرسه قانونی نانوشته است، اما به واقع، نشانگر شخصیت و هویت مدرسه است و همین ویژگی است که مدرسه‌ای را از مدرسه دیگر متمایز می‌کند. فرهنگ مدرسه بر چگونگی یاددهی و چگونگی یادگیری دانش‌آموزان و چگونگی حمایت اولیا از برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدرسه اثرگذار است.

**فرهنگ مدرسه
متشکل از
باورها، گرایش‌ها،
نگرش‌ها و طرز
تلقی رهبران
آموزشی و تربیتی
یعنی مدیر و
معلمان نسبت به
چرایی، چیستی
و چگونگی تربیت
و دلایل وجودی
دانش‌آموز در
مدرسه به‌عنوان
یادگیرنده است**

بافت فرهنگ مدرسه

درباره آن گفت‌وگو و عمل می‌کنند، اثر می‌گذارد و زمینه‌ساز تغییر و طرز تلقی آن‌ها از یاددهی-یادگیری و اشتیاق آن‌ها به اصلاح رفتارهای خود، هم‌سو با ارزش‌های مورد نظر، می‌شود. مدارس دارای فرهنگ مثبت از نوعی احساس همبستگی و همکاری برخوردارند و برای رشد و توسعه حرفه‌ای کارکنان فرصت‌های بسیاری فراهم می‌کنند. موفقیت‌های معلمان و دانش‌آموزان را ارج می‌نهند و همه اعضا را در حل مشکلات مدرسه‌ای دخالت می‌دهند.

تغییر فرهنگ مدرسه

فرهنگ مدرسه تغییر نمی‌یابد، مگر آنکه اعضای وابسته به آن فرهنگ استنباط عمیق و همه‌جانبه‌ای از ماهیت فرهنگ مدرسه و نقشی که آن فرهنگ در به انجام رساندن مأموریت‌ها و رسالت مدرسه برای به ثمر رساندن آرمان‌های نظام تعلیم و تربیت دارد، به‌درستی بشناسند.

تغییر در ساختار مدرسه کاری آسان است، اما تغییر در فرهنگ مدرسه کاری پیچیده و مشکل است. نقش اساسی کار تغییر از آن مدیر مدرسه است که باید با ظرافت و دقت برای آن برنامه‌ریزی کند. این نقش هنگامی سنگین‌تر می‌نماید که مسئولیت رهبری تغییر و تحول در نظام تعلیم و تربیت نیز بر تعهدات پیشین او اضافه شده باشد. ایجاد هرگونه تغییر و برپایی هرگونه تحول، در زمینه مساعد، مثبت و تشکلی‌گرای فرهنگی امکان‌پذیر است و عامل زمینه‌ساز کسی نیست جز مدیر مدرسه که رهبری آموزش و تربیت نونهالان آن نهاد را برعهده دارد. اگرچه مدیریت و رهبری در این کار برعهده یک فرد است، اما برای تغییر فرهنگ مدرسه و زمینه‌سازی برای ایجاد تحول، تلاش همه اعضای وابسته به آن فرهنگ ضروری است؛ تلاش در:

➤ بررسی دقیق و عمیق در جهت شناخت فرهنگ موجود مدرسه و جو حاکم بر آن از نظر باورها، نگرش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌ها؛

➤ شناخت ارزش‌های بنیادی نظام مطلوب تعلیم و تربیت، چپستی، چرایی و چگونگی به‌ثمر رساندن آن؛

➤ تحلیل شناخت‌ها، تعیین فاصله‌های فرهنگ‌های موجود و مطلوب و جست‌وجوی راهکارهای اثربخش و کارآمد برای کم کردن فاصله‌ها؛

➤ پشتیبانی از ارزش‌های معیار نظام تحولی

اگرچه ساختاربندی، راهبردگزینی و برقراری نظام‌های انضباطی مدرسه‌ای، در پیشبرد مقاصد مدرسه‌ای مؤلفه‌هایی مهم به‌شمار می‌آیند، اما طرز فکرها، سبک‌ها، ارزش‌ها و الگوهای حاکم، بر جو مدرسه اثرگذارترند و همین‌ها هستند که بافت فرهنگی مدرسه‌ای را به‌وجود می‌آورند و فرهنگ خاص مدرسه‌ای را شکل می‌دهند. بافت فرهنگی مدرسه می‌تواند پویا یا ایستا باشد. بافت فرهنگی ایستا به آنچه دارد بسنده می‌کند و همان افکار، ایده‌ها، روش‌ها و ارزش‌های شکل‌گرفته پیشین را تکرار و تکرار می‌کند، اما بافت فرهنگ پویا، هر سال، هر ماه، هر هفته و حتی هر روز تغییری را می‌پذیرد و فکری نو، شیوه‌ای جدید و ابتکاری سودمند را به داشته‌های خود می‌افزاید، در پی شناخت کاستی‌ها برمی‌آید و برای تغییر و اصلاح و پیشرفت انعطاف نشان می‌دهد. مجموعه تلاش‌ها در بافتی از فرهنگ پویا به تدریج به شکل‌گیری فرهنگی نو می‌انجامد؛ فرهنگی که اگرچه به جمع وابسته است، اما بر تک‌تک افراد آن فرهنگ اثر می‌گذارد.

فرهنگ‌های مدرسه‌ای قوی و ضعیف

در مدارس که مدیر، معلمان و دانش‌آموزان و والدین باورها، نگرش‌ها و گرایش‌های همسانی نسبت به امور بایسته و شایسته تعلیم و تربیت دارند و از افکار، ایده‌ها، راهبردها و رویکردهای یکدیگر، برای رسیدن به کمال مطلوب نظام تعلیم و تربیت، حمایت می‌کنند فرهنگ سازمان مدرسه‌ای قوی حاکم است و جو مشارکت و یکپارچه بودن در آن محیط حکمفرماست. سوزا^۱ (۲۰۰۱)، چنین فرهنگی را مثبت یاد می‌کند و معتقد است مدرسه‌ای با چنین فرهنگ تشکلی‌گرا، حامی و تقویت‌کننده یاددهی و یادگیری است. چنانچه مدرسه‌ای از حمایت این‌چنینی برخوردار نباشد و هر گروه، یا هر فرد، بنابر هدف و ایده و نظر و روش و سلیقه خاص خود عمل کند، به‌طور حتم، دارای چنان فرهنگ ضعیفی است که حتی نمی‌تواند تلاش‌های فردی را در جهت تحقق هدف‌های مورد نظر نظام تربیت سامان‌بخشی کند. این فرهنگ حتی می‌تواند مانع یادگیری شود.

فرهنگ قوی یا مثبت مدرسه‌ای نیروی توانمندی است که بر آنچه دانش‌آموزان، معلمان و والدین





۳. ارزش‌گزینی: فرهنگ‌سازی

به درک و شناخت درست ارزش‌ها و معیارهای نظام مطلوب مورد نظر وابسته است. لازمه گزینش ارزش‌های مورد نظر نظام، در درجه اول، شناخت دقیق و عمیق آن‌هاست و انجام این مهم تلاش داوطلبانه و مُجدانه همه اعضای درگیر کار تعلیم و تربیت در جهت توانمندسازی دانشی، بینشی، نگرشی و ارزشی را می‌طلبد. کسب اطلاعات دانشی و نگرشی و کسب آمادگی برای ایفای درست نقش اثربخش، خود به خود به گزینش درست ارزشی می‌انجامد. نکته قابل توجه این است که چنین آمادگی باید با بهره‌گیری از چهار عنصر کلیدی نظام ارزشی تعلیم و تربیت نوین یعنی **تفکر، باور، علم، عمل و اخلاق** در چهار عرصه ارتباطی با **خداوند قادر متعال، خود، طبیعت و دیگران** حاصل آید.

مورد نظر، بیان و تبلیغ برای اعمال آن‌ها؛

❖ تعیین موارد قابل تغییر و برنامه‌ریزی و مسئولیت‌پذیری برای پرکردن شکاف میان وضع موجود و مطلوب؛

❖ تعیین عوامل اثرگذار و هادی تغییرات، ایجاد تیم رهبری مرکب از افراد فکور، منطقی، منظم، عاطفی، بانشاط، پرانرژی، مبتکر و خلاق، اجتماعی و مشارکت‌جو؛

❖ تهیه مقدمات کار تغییر، تعیین اولویت‌ها، امکانات و زمینه‌ها، برانگیختن حس شوق و اشتیاق به تغییر، مسئولیت‌پذیری برای ایفای نقش فردی برای رسیدن به منویات گروهی؛

❖ اتخاذ راهکارهایی برای رفع موانع تغییر، منابع مقاومت و افزایش علاقه به همکاری و تشریک مساعی در سازندگی فرهنگی؛

❖ خودنظارتی، خودکنترلی و خودارزشیابی، بازخورددهی و بازخوردپذیری؛

❖ ارزیابی مستمر از فرایند تغییر و نتایج آن و اصلاح رفتار.

ابعاد فرهنگ‌سازی

فرهنگ‌سازی، هویت‌بخشی و شخصیت‌دهی به سازمان مدرسه به‌عنوان یک نهاد آموزشی و مظهر شکل‌گیری منویات نظام نو، به رعایت و توجه به ابعادی کلیدی وابسته است:

۱. **انعطاف‌پذیری:** این خصیصه از درجه فاصله‌گیری آن از مقاومت در برابر تغییر و حفظ ثبات قبلی می‌کاهد و گرایش به اتخاذ تدابیری در جهت‌های مورد نظر نظام نوین را افزایش می‌دهد. اتخاذ روش انعطاف‌پذیر با پویایی همراه است و همه افکار و اعمال را به سوی تغییر، اصلاح و پیشرفت سوق می‌دهد. انعطاف‌پذیری فرهنگی را به‌وجود می‌آورد که در آن کارآفرینی، خلاقیت، تولید و کارآمدی ارزش تلقی می‌شوند و تلاش‌ها هدفمند، سودمند، مسئولانه و متعهدانه قابل پی‌گیری‌اند.

۲. **پیوند سازمانی:** کار تیمی، مشارکتی، هم‌فکری و تشریک مساعی لازمه تغییر فرهنگی است. پیوند اعضای مدرسه اعم از کارکنان، معلمان، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها، ضمانتی بی‌چون و چرا در به ثمر رساندن و تحقق هدف‌های مورد نظر است. بدون هم‌فکری، همدلی، همکاری، تعامل و برقراری ارتباط‌های سازنده و حمایت‌های تمام اعضای درگیر، در یک کلام، بدون پیوند سازمانی، تغییری حاصل نخواهد شد.

سخن آخر

**فرهنگ مدرسه
قانونی نانوشته
است، اما به واقع،
نشانه‌گر شخصیت
و هویت مدرسه
است و همین
ویژگی است که
مدرسه‌ای را از
مدرسه دیگر
تمایز می‌کند**

بنیان‌گذاران فرهنگ مدرسه در درجه اول مدیر و معلمان آن‌اند. جهت‌دهندگان و تغییردهندگان آن فرهنگ هم خود آنان هستند. آنان الگوها و اسطوره‌های مجسم فرهنگ سازمانی مدرسه‌اند. ایده‌های آن‌هاست که در مدرسه شکل می‌گیرد و راهبردهای آن‌هاست که به تلاش‌های یادگیری دانش‌آموزان جهت می‌دهد. در این راستا، نکته قابل توجه این است که نوع ارتباط و روابط متقابل مدیر و معلمان با دانش‌آموزان و نوع تعامل آن‌ها با یکدیگر، مهم‌ترین و اثرگذارترین مؤلفه فرهنگ سازمان مدرسه‌ای است.

اثرات فرهنگ مدرسه اگرچه غیرملموس اما عمیق است. عوامل غیرملموس، ارزش‌ها و باورهای کارکنان مدرسه است. هنگامی که نوآوری و تغییر در نظام تعلیم و تربیت مطرح است، پیشگامی و ابتکارات دست‌اندرکاران مدرسه است که موجبات موفقیت در تغییر را فراهم می‌کند. ایجاد فضای بانشاط و توانمندسازی کارکنان برای ایفای درست نقش خویش در ایجاد تغییر زمینه‌ساز اساسی تغییر است. تغییر فرهنگ مدرسه متناسب با ایده‌آل‌ها، هدف‌ها و رویکردهای جدید، به حمایت و تعهد مسئولانه و اشتراک مساعی همه اعضای تعلیم‌دهنده نیاز دارد.

* پی‌نوشت

1. Sousa
2. collegial cultures

بودجه بندی مالی

دکتر امید مهرابی



۲ روش های فعال

آنچه تاکنون از سواد مالی می‌دانیم، به خوبی نشان می‌دهد که اثربخشی روش‌های فعال در آموزش این سواد بیشتر است. لذا توصیه می‌شود، تا جای ممکن، از این روش‌ها استفاده شود. تجربه نگارنده نشان می‌دهد که روش کارگاه یا حل مسئله^۱ و بازی^۲، در مقایسه با دیگر روش‌های فعال، اثربخش‌تر است. خوشبختانه در ایران تعدادی بازی آموزشی مختص آموزش سواد مالی طراحی شده در دسترس است و معلمان یا اولیای محترمی که فرصت طراحی بازی یا محتوای آموزشی را ندارند، می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند.

۳ آموزش در همه سنین

سواد مالی مختص گروه سنی خاصی نیست و همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، از دوره پیش‌دستانی موضوعیت می‌یابد. بنابراین، آموزش آن در همه پایه‌های تحصیلی معنادار است. علاوه بر آموزش‌های رسمی و مدرسه‌ای، سواد مالی را می‌توان در قالب برنامه‌های فرهنگ‌سراها، سازمان‌های مردم‌نهاد و دیگر برنامه‌های اجتماعی نیز ارائه کرد.

۴ آموزش و توجیه معلمان

همان‌طور که ذکر شد، آموزش سواد مالی در قالب درس‌های دیگر اثربخش‌تر است. تحقیقات نشان می‌دهد، معلمانی که خود نسبت به ضرورت آموزش سواد مالی توجیه شده و آن را قلباً پذیرفته‌اند، نسبت به دیگران کلاس‌های موفق‌تری دارند. به همین دلیل، باید پیش از شروع آموزش دانش‌آموزان، معلمان را در دوره‌های تربیت مربی سواد مالی، و سه سرفصل اصلی «ماهیت، اهمیت و روش آموزش» شرکت داد. بهتر است در اینجا کمی تعارفات معمول را کنار بگذاریم. معلمی که خودش تصور می‌کند پول چرک کف دست است و همه سرمایه‌داران در حال مکیدن خون طبقه متوسط و ضعیف جامعه هستند، نمی‌تواند الگوی خوبی برای ثروت‌آفرینی دانش‌آموز باشد. همین‌طور، معلمی که خود رفتار اقتصادی نادرستی داشته باشد، نمی‌تواند سواد مالی را به دانش‌آموزانش آموزش دهد.

۵ فعال کردن خانواده

با توجه به نقش کلیدی خانواده و به‌ویژه مادران، مشارکت آن‌ها در فرایند طراحی محتوا و آموزش سواد مالی، اکیدا توصیه می‌شود. طرح مسئله و تعیین تکالیف و پروژه‌های درسی براساس شرایط روز اقتصاد خانواده، تنها با فعال کردن خانواده ممکن است. در این صورت، انتظار می‌رود آموزشی کاربردی و مبتنی بر واقعیت به دانش‌آموزان ارائه شود. مزیت

در هفت نوشتار پیشین، سواد جدیدی معرفی شد که با وجود تأثیر بسزایی که در فراهم‌سازی رفاه آحاد مردم و در نتیجه کشورها دارد، در اغلب کشورهای جهان مغفول مانده است. ایجاد این سواد به‌گونه‌ای است که باید در تدوین طرح درس و آموزش آن نکاتی را مدنظر قرار داد. در این نوشتار، علاوه بر تعدادی از این نکات، نمونه‌هایی از فعالیت‌های آموزشی که می‌توان در آموزش سواد مالی از آن‌ها استفاده کرد، ذکر می‌شوند.

رویکردهای آموزشی



در محدوده آموزش سواد مالی، برخی رویکردهای آموزشی می‌توانند تا حد قابل توجهی کیفیت و اثربخشی این آموزش را افزایش دهند. این رویکردها عمومی‌اند و با محتوا یا مخاطب آموزش ارتباطی ندارند.

۱ آموزش پنهان

تحقیقات نشان داده که اثربخشی آموزش سواد مالی، هنگامی که دانش‌آموزان آن را به‌صورت یک درس مجزا و مستقل آموزش دیده‌اند، کمتر از هنگامی است که محتوای سواد مالی در قالب دیگر درس‌ها ارائه شده است. به همین دلیل توصیه می‌شود، آن را به‌صورت ضمنی و از طریق درس‌های دیگر آموزش دهید.

دیگر این روش، قابلیت بومی سازی محتوای درسی با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مناطق مختلف کشور است.

نمونه‌هایی از فعالیت‌های آموزش سواد مالی در قالب درس‌های دیگر، از جمله:
انشاء، تفکر، مطالعات اجتماعی، علوم طبیعی (زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، فیزیک و جغرافی)

این درس‌ها، با وجود رابطه کمشان با عدد و رقم، در آموزش سواد مالی، به‌ویژه در جنبه‌های نگرشی، درس‌های پر ظرفیتی محسوب می‌شوند. دانش‌آموزان به‌واسطه این درس‌ها می‌توانند مفاهیم و موضوعات مؤثر و متأثر از پول را طبقه‌بندی و درک کنند. ظرفیت این درس‌ها به‌گونه‌ای است که می‌توان موضوعات سواد مالی را در تمام پایه‌های تحصیلی ارائه کرد. البته معلمان محترم باید محتوا و موضوعات را متناسب با سال تحصیلی، میزان آمادگی دانش‌آموزان و شرایط منطقه محل تدریس تغییر دهند. حتماً موافقید که همه آنچه در کلان‌شهرها رخ می‌دهد، در روستاهای کوچک تجربه نمی‌شود. نمونه‌هایی از موضوعات قابل بحث، نگارش و حتی فعالیت و پژوهش کلاسی درباره سواد مالی، در زیر آمده است:

★ اگر خیلی پول داشتیم،...
★ با توجه به سطح تحصیلات ثروت‌آفرینان بزرگ ایران و جهان، علم بهتر است یا ثروت؟
★ شغل مورد علاقه‌ام...
★ کارمندان بانک پولدارترند یا صاحبان حساب بانکی؟
★ اقتصاد (گردش پولی و مالی) مناسب‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنید؛ برای مثال روزهای مادر، پدر، معلم، چهارشنبه‌سوری و شب یلدا.
★ **بیل گیتس** موفق‌تر است یا **وارن بافت**؟ چرا؟
این دو از ثروت‌آفرینان بنام جهان هستند. اولی در یک کسب و کار متمرکز است و دیگری در چندین کسب و کار فعالیت دارد.

★ شغل آزاد بهتر است یا کارمندی؟ چرا؟
★ نمونه‌هایی از افراد موفق در هر یک از چهار روش کسب درآمد را بیابید و آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کنید.
ویژگی مشترک افراد موفق در هر گروه چیست؟
★ راز موفقیت در کارمندی چیست؟ در خویش‌فرمایی چگونه؟ در کارفرمایی چگونه؟ در سرمایه‌گذاری چگونه؟
★ برای تبدیل شدن یک فرد معمولی به یک کارآفرین موفق چه مقدماتی لازم است؟
★ سفرهای شخصی یا خانوادگی چه مزایا و

محدودیت‌هایی در مقایسه با تورهای دسته‌جمعی دارند؟
★ بهترین شغل آزاد برای شهرهای کویری چه شغل‌هایی می‌تواند باشد؟ برای شهرهای کوهستانی چگونه؟ در مناطق ساحلی شمال یا جنوب کشور چگونه؟

★ استخراج کدام ماده معدنی اقتصادی‌تر است؛ طلا، آهن یا اورانیوم؟ چرا؟

★ با توجه به تغییرات پرشتاب در حوزه فناوری، آیا سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی مانند بایو، نانو و رایانه مقرون به‌صرفه است؟

★ میزان سودآوری کدام یک بیشتر است؟ کشاورزی صنعتی یا کشاورزی سنتی؟ اگر کشاورزی صنعتی باصرفه‌تر است، چرا اغلب کشاورزان از روش‌های سنتی استفاده می‌کنند؟

★ مهم‌ترین برتری یا نقطه قابل بهبود خانواده شما در هر یک از بخش‌های سواد مالی نسبت به همسایه‌ها یا خویشان‌اندان چیست؟ چگونه به این برتری دست یافته‌اید؟

★ نقش کسبه و بازار در ایجاد و گرم کردن مناسبت‌های ملی و مذهبی چیست؟

★ آیا انواع مد (لباس، وسایل زندگی، آرایش و...) برای اقتصاد یک کشور مفید است یا زیانبار؟

★ دوست دارم وقتی پولدار شدم، سهام شرکت... را بخرم، زیرا...

★ اگر یک دانش‌آموز ساکن در استان مازندران بخواهد در تابستان درآمد کسب کند، چه شغلی را به او پیشنهاد می‌کنید؟ چرا؟ پیشنهادتان برای یک دانش‌آموز دختر بوشهری چیست؟

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، می‌توان موضوعات متنوع و متعددی را یافت که دانش‌آموزان مستقیم یا غیرمستقیم با آن‌ها در ارتباط‌اند. به‌منظور اطمینان از طی درست مسیر آموزش و پرهیز از اظهار نظر صرف، برای دانش‌آموزان خطوط راهنمایی را ترسیم کنید و از آن‌ها بخواهید نظر یا تکلیف یا پژوهش خود را با رعایت خطوط راهنمای اعلام‌شده انجام دهند. برای مثال، در مقایسه اقتصاد روزهای مادر و پدر، می‌توانید از آن‌ها بخواهید همه ابعاد هوش مالی را در مقایسه خود بررسی کنند: در هر دو روز، فرزندان از چه زمانی نیازمند پس‌انداز هستند؟ آیا همه بازارها از روز مادر یا پدر اثر می‌گیرند یا فقط برخی از آن‌ها؟ راز یک خرید موفق در روزهای مادر یا پدر چیست؟ در همه این موارد، از دانش‌آموزان بخواهید ادعای خود را همراه با مستندات قابل قبول ارائه کنند. در مثال مقایسه شب‌های یلدا و چهارشنبه آخر سال، انتظار می‌رود دانش‌آموز قیمت آجیل شب چهارشنبه‌سوری را با قیمت آجیل شب یلدا مقایسه کند. جمع خریدهایی مرسوم دو مناسبت را با هم مقایسه کند و...



درس‌های ریاضی، اقتصاد، رایانه (برنامه‌نویسی، صفحه گسترده)

این درس‌ها ضمن دارا بودن ظرفیت توجه به نگرش‌ها، امکان ورود به موضوعات فنی‌تر و تخصصی‌تر را فراهم می‌آورند و به ابعاد مالی در مثلث سواد مالی بیشتر مربوطاند. در اینجا هم می‌توان به کمک خلاقیت و شرایط محیطی دانش‌آموز، موضوعات متنوع و جذابی ارائه کرد. موارد زیر تنها نمونه‌های کوچکی محسوب می‌شوند:

★ با وجود اینکه بانک‌ها بابت کارکنان خود، اجاره ملک، آب و برق و کاغذ و... هزینه می‌پردازند، چرا بابت ارائه خدمات مربوط به برداشت و واریز وجه از حساب‌های پس‌انداز، کارمزدی دریافت نمی‌کنند؟
★ میزان گردش پولی را که از طریق کارت‌خوان‌های مغازه‌ای در محل سکونت شما انجام می‌شود تخمین بزنید.

★ کدام کارت‌خوان برای بانک‌ها سودمندتر است؟ کارت‌خوان صنف مکانیک خودروهای سنگین یا کارت‌خوان صنف خواربارفروش؟ چرا؟

★ منافع بانکداری الکترونیکی یا مجازی بیشتر نصیب چه کسی می‌شود؟

★ در کدام مشاغل، پیش از آنکه حقوق داده شود، مالیات آن کسر می‌شود؟ در کدام مشاغل، این رابطه معکوس است؟

★ چقدر از درآمدهای فرزندی که والدینش او را به مدرسه غیرانتفاعی فرستاده‌اند، صرف بازپرداخت اصل و سود این سرمایه‌گذاری می‌شود؟ (این سؤال ظرفیت بسیاری در آموزش مفاهیم پایه مانند توان، نرخ بهره مرکب و همچنین کار با نرم‌افزارهای صفحه گسترده‌ای مانند Excel دارد).

★ سود روزانه ۱٪ و روزشمار را ترجیح می‌دهید یا سود ماه‌شمار ۳۰٪ را؟ چرا؟

★ یک نرم‌افزار مدیریت هزینه و درآمد هفتگی بسازید و در آن امکان گزارش‌گیری براساس سرفصل‌های هزینه‌ای هفته و بیشترین و کمترین آن‌ها را ایجاد کنید.

فعالیت‌های فوق برنامه و آزاد

فعالیت‌های فوق برنامه علاوه بر امکان تقویت دانش و نگرش، در مهارت‌آموزی سواد مالی ظرفیت بالایی دارند. شاه‌کلید موفقیت در این بخش، اعتماد به دانش‌آموزان، و آزاد اما تحت کنترل گذاشتن آن‌ها در تجربه‌های واقعی است. فوق برنامه‌ها را می‌توان منحصر در مدرسه یا به کمک والدین انجام داد. مانند:

★ کار در بازار بورس را به این ترتیب به یک



معلمی
که خودش
تصور می‌کند
پول چرک
کف دست
است و همه
سرمایه‌داران
در حال مکیدن
خون طبقه
متوسط و ضعیف
جامعه هستند،
نمی‌تواند الگوی
خوبی برای
ثروت‌آفرینی
دانش‌آموز باشد

★ بی‌نوشت

1. Problem-based training
2. Serious games

فوق برنامه تبدیل کنید: از یک مشاور بخواهید در تحلیل بازار به دانش‌آموزان کمک کند، اما نهایتاً خود دانش‌آموزان در مورد تعداد، نوع و تاریخ خرید یا فروش تصمیم بگیرند. سود حاصل از این فعالیت تابستانی یا در طول تحصیل را به سه قسمت مساوی مدرسه، دانش‌آموز و مشاور تقسیم کنید. برای کاهش خسارت، می‌توان این طرح را نزد یکی از شرکت‌های بیمه، بیمه کرد.

★ برای خرید مایحتاج خانه، مقداری بودجه مشخص کنید و از دانش‌آموز بخواهید ضمن رعایت الزامات خرید (مانند برند یا کیفیت) به بهترین نحوی که می‌تواند برای منزل خرید کند. (در تدوین الزامات، سخت‌گیرید. آموزش کار با پول در این سنین به زیان ناشی از خرید بد می‌ارزد!)

★ بودجه‌آردوی مدرسه را به چند دانش‌آموز بدهید و از آن‌ها بخواهید اردو را با آن پول برنامه‌ریزی و اجرا کنند.

★ در برنامه‌های بازدید، بازدید از بازارهایی مانند تلفن همراه و رایانه، بورس، وسایل الکترونیکی، عمده‌فروشی، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، لباس و مانند آن را بگنجانید و در پایان هر بازدید از دانش‌آموزان بخواهید گزارش آن را ارائه کنند.

★ اردوی پول یکی از منحصربه‌فردترین و جذاب‌ترین تجربه‌های شخصی نگارنده در آموزش سواد مالی بوده است: دانش‌آموزان به همراه اولیا و معلمان خود در یک برنامه تقریبی، شاد و آموزشی شرکت می‌کنند. مدت برنامه می‌تواند از نیم‌روز تا سه روز تعیین گردد. همه محتوای این برنامه حول موضوع پول تدوین شده و شرکت‌کنندگان از طریق بازی‌های آموزشی و حل مسائل واقعی با دنیای پول و کارکردهای آن آشنا می‌شوند.

سخن آخر



اگر بخواهم همه آنچه را که در آموزش سواد مالی آموخته‌ام در یک عبارت خلاصه کنم، می‌گویم:

«کشور ثروتمند، کشوری است با مردمانی ثروتمند و پرشمار، نه با دولتی ثروتمند؛ و نه با مردمانی ثروتمند اما کم‌شمار»

در اهمیت ثروت‌آفرینی، هیچ استدلالی را محکم‌تر از این سخن خواجه شیراز نیافته‌ام:

چه گویم که به میخانه دوش مست و خراب
سروش عالم غیبم چه مژده‌ها داده است
که ای بلندنظر شاه باز سدره نشین
نشیم تو نه این کنج محنت آباد است
تو را ز کنگره عرش می‌زنند صفر
ندانم که در این دامگه چه افتادست



تکالیف

مکمل‌های یادگیری

دکتر لیلا سلیمه‌دار



از تدریس تا تکلیف

از میان انواع شیوه‌های تدریس، شیوه‌های اکتشافی جذابیت و کاربردهای فراوانی دارند. در این روش‌ها، غالباً دانش‌آموز براساس اطلاعات و توانایی‌هایی که دارد با محتوا و مفاهیم تازه‌ای آشنا می‌شود و به تبع آن به کشف تازه‌هایی در ذهن خود نیز نائل می‌شود. نمونه ساده آن هنگامی است که دانش‌آموز می‌تواند با کنار هم قرار دادن حروف انگلیسی، کلمه تازه‌ای بنویسد یا از طریق شنیدن یا خواندن دعا‌هایی متوجه انواع صفات خداوند شود. برای این منظور، گاهی لازم است دانش‌آموز پیش از ورود به کلاس درس، در مورد دانسته‌های خود تفکر کند یا با مطالعه یا انجام فعالیت‌هایی، بر اطلاعات و محفوظاتش بیفزاید تا با ورود به کلاس، توانایی مواجهه و کشف مطالب جدید را داشته باشد. در نقطه مقابل نیز گاهی ممکن است پس از خروج از کلاس و با آموخته شدن مفاهیم جدید، او به تجربه کردن دنیای تازه‌ای از فعالیت‌ها ترغیب شود تا به واسطه آن بتواند یادگیری آغاز

یکی از دغدغه‌های دانش‌آموزان، و گاه نیز معلمان و خانواده‌ها، در فرایند یاددهی یادگیری، تکالیف هستند. هرچند هدف و مقصود نهایی از دادن تکلیف تعمیق یادگیری دانش‌آموزان و ایجاد رغبت بیشتر در آن‌ها، در کسب آموخته‌ها و توانمندی‌های جدید است، اما گاه ماهیت تکلیف و نیز در برخی موارد شیوه ارائه یا نظارت آن توسط معلم به گونه‌ای است که شرایطی خارج از مقاصد تعیین شده ایجاد می‌کند. هنگامی که دانش‌آموز نمی‌داند چگونه می‌تواند تکالیفش را به درستی انجام دهد یا انجام آن را از توان خود خارج می‌بیند، یا وقتی معلم برای نظارت و بررسی تکالیف انجام شده دانش‌آموزان از شیوه‌های تحقیرآمیز و ترساننده استفاده می‌کند یا با بی‌تفاوتی از آن می‌گذرد و در برخی موارد هم به شکلی نادرست و حساب نشده، کار بررسی تکالیف را به دانش‌آموزانی نامقبول می‌سپارد، این عوامل در کنار دیگر عواملی که به ضعف ماهیت یک تکلیف مربوط می‌شوند، ممکن است در نهایت به سردی و گریزان شدن دانش‌آموز از انجام تکلیف بینجامد و یک فرصت مهم و اثرگذار آموزشی از بین برود. بر این اساس، تبحر و توانایی معلم در تعیین تکالیف مناسب، نحوه ارائه آن و نیز نحوه بررسی و نظارت بر آن، بسیار تخصصی و مهم است. در شماره‌های گذشته، به نکاتی در خصوص انواع تکالیف و ظرافت‌هایی درباره آن اشاره شد. این نوشته ادامه همان مطالب است.

شده را دنبال و گاه کامل تر کند. در هر حالت، به فعالیت‌هایی که دانش‌آموز باید آن‌ها را در خارج از کلاس انجام دهد، تکلیف گفته می‌شود. تکلیف دسته اول، تکلیف آماده‌سازی نام دارند، زیرا دانش‌آموز را برای دریافت مفهومی جدید یا مهارتی ویژه آماده می‌کنند. دسته دوم از تکلیف، که با تنوع و ظرافت خاص تعیین و طراحی می‌شوند، تکلیف خلاقیتی نامیده می‌شوند.

نکته مهم درباره این دو نوع تکلیف این است که به شیوه اکتشافی وابسته نیستند و ممکن است در سایر روش‌های تدریس هم، استفاده از تکلیف آماده‌سازی و نیز خلاقیتی، یادگیری دانش‌آموزان را تقویت و تعمیق کند.

آمادگی برای یادگیری تازه

هنگامی که لازم است دانش‌آموزان برای دریافت درس جدید آمادگی‌های قبلی کسب کنند، از تکلیف آمادگی استفاده می‌شود. برای این منظور، راه‌ها و شیوه‌های متفاوتی وجود دارد. ساده‌ترین راه آن این است که معلم از دانش‌آموزان بخواهد برای جلسه بعد، پیش از ورود به کلاس، یک بار از روی درس جدید در کتاب خود بخوانند. در این حالت ساده، آشنایی کلی دانش‌آموز با محتوای درس جدید مورد نظر است. البته در چنین حالتی، امکان استفاده از روش تدریس اکتشافی وجود ندارد، زیرا دانش‌آموز با مطالعه متن درس، کاملاً با مفهوم جدید روبه‌رو شده است. در شکل‌های خلاقانه و متنوع‌تر آن، نمونه‌هایی در ادامه می‌آید:

در کلاس تاریخ

دوره دوم متوسطه

در درس تاریخ دوره دوم متوسطه، معلم تصمیم دارد ظهور اسلام در عربستان را به شیوه پیش‌سازمان‌دهنده تدریس کند. به همین دلیل، به عنوان تکلیف از دانش‌آموزان می‌خواهد برای جلسه آینده، درس را مطالعه کنند. او برای این منظور، نمونه یک چارت را آماده کرده که در آن به مفاهیم مهم و اساسی اشاره شده است. معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد هر یک از عبارات اشاره شده در چارت را در متن درس پیدا کنند و سپس مفاهیم مهم دیگری را که در درس آمده است، به آن اضافه کنند.

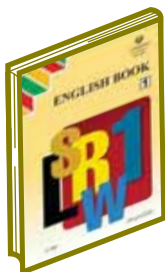
★ ظهور اسلام در عربستان

- موقعیت جغرافیایی شبه جزیره عربستان
- وضعیت سیاسی شبه جزیره عربستان
- ویژگی‌های اجتماعی مردم عربستان در زمان ظهور اسلام
- و...

در کلاس زبان انگلیسی

دوره دوم متوسطه، پایه دهم

قرار است دانش‌آموزان با زمان فعل گذشته کامل^۱ (ماضی بعید) آشنا شوند. به همین منظور، معلم چند صفحه از یک کتاب داستان به زبان انگلیسی را که در کتابخانه مدرسه موجود است و در آن‌ها انواع فعل‌های ماضی را که در میان آن‌ها ماضی بعید هم دیده می‌شود کپی می‌گیرد و به بچه‌ها می‌دهد.



سپس از آن‌ها می‌خواهد با مطالعه این صفحات، افعال را به صورت جداگانه بنویسند و تلاش کنند با توجه به جمله، معنای زمانی آن‌ها را حدس بزنند. در این فعالیت، دانش‌آموزان ضمن مرور دوباره افعال گذشته، متوجه تفاوت بین فعل گذشته ساده^۲ و گذشته کامل (ماضی بعید) می‌شوند و آماده دریافت بهتر این تفاوت در کلاس درس می‌شوند.

گاهی نیز با ترغیب دانش‌آموز به مطالعه درس، پیش از حضور در کلاس، می‌توان زمینه به کارگیری روش‌های تدریسی چون اعضای تیم یا برگزاری طرح همیار معلم را مهیا کرد. در کنفرانس‌های دانش‌آموزی نیز، آماده‌سازی دانش‌آموزان قبل از ارائه کنفرانس، از نوع تکلیف آماده‌سازی است. برای تأثیرگذاری و موفقیت بیشتر، بهتر است همه دانش‌آموزان برای کنفرانس دادن به خواندن درس تشویق شوند و در کلاس، تعدادی از آن‌ها مطابق برنامه مورد نظر معلم یا به صورت تصادفی، برای این کار انتخاب شوند. در این صورت، امکان افزایش یادگیری همه دانش‌آموزان بیشتر خواهد بود.

نکته حائز اهمیت این است که زمانی تکلیف آماده‌سازی سودمند و کارا خواهد بود که رهنمودها، راهنمایی‌ها و دستورالعمل‌های لازم در مورد چگونگی و چرایی انجام تکلیف کاملاً برای دانش‌آموز تبیین شود و در ضمن ابتکار عمل، قدرت تخیل و روش شخصی وی نیز حفظ گردد.





★ **آینه و عدسی در آینده:** ضمن بررسی کاربردهای امروزی آینه و عدسی، به کاربردهای دیگر آن‌ها فکر کنید و با تخیل یا پرواز دادن اندیشه خود به آینده شرح دهید چه کاربردهای دیگری ممکن است از آینه و عدسی در آینده امکان پذیر شود.

★ **آینه و عدسی در ایمنی:** با مطالعه و بررسی استفاده‌های آینه و عدسی، مواردی را که موجب ایمنی بیشتر به واسطه استفاده از آینه و عدسی می‌شوند، با نمایش عکس یا تصویر، شرح دهید.

★ **آینه و عدسی در درمان:** با مطالعه و بررسی کاربردهای آینه و عدسی در درمان و پزشکی، مواردی از این دست را، با ترسیم شکل یا الصاق عکس، شرح دهید.

در حل مسائل

هنگامی که از مسئله صحبت می‌شود، بیشتر تکالیفی مربوط به ریاضی، فیزیک، علوم تجربی و درس‌هایی از این دست یادمان می‌آیند. نکته مشترک بین آن‌ها این است که برای حل مسئله، به یادگیری و به کارگیری آموخته‌هایی وابسته‌ایم که به محتوا و مفاهیم درس مرتبطاند. اما معمولاً برای حل هر مسئله‌ای راه‌های دیگری نیز وجود دارد که ممکن است معلم بدان اشراف داشته باشد یا با دیدن نمونه کارهای دانش‌آموزان، به آن پی ببرد. از این رو، ترغیب دانش‌آموزان (در برخی مسائل خاص که موجب انهدام و تخریب یادگرفته‌های قبلی نمی‌شود) به حل مسئله از راه‌های دیگر، می‌تواند به انجام تکلیفی خلاقانه منتهی شود.

در پایان باید توجه داشت، همه انواع تکلیف ممکن است همواره به صورت مجزا به دانش‌آموزان ارائه نشوند. گاهی ممکن است دانش‌آموز برای یادگیری بهتر و بسط و خلق ایده خود، از هر چهار نوع تکلیف استفاده کند.

نکته طلایی

با تنوع بخشیدن به تکالیف می‌توان زمینه تثبیت، آماده‌سازی، تداوم و خلق مفاهیم و مهارت‌ها را در فرایند تعلیم و تربیت فراهم کرد.

تکالیف خلاقیتی

منظور ما از خلاقیت این است که در یک کار یا یک مسئله به تعداد دانش‌آموزان یا افراد حاضر انواع و روش‌های گوناگونی وجود دارد. همین تنوع موجب جذب بیشتر یادگیرنده به یادگیری و تعمیق آن می‌شود. در مجموع، زمانی که دانش‌آموز بتواند مفاهیم و مهارت‌های کسب شده در کلاس درس را با هم ترکیب کند و در راهی متفاوت به کار بندد، به تجربه تکلیف خلاقیتی دست زده است.

تکالیف خلاقیتی ممکن است به صورت کتبی یا شفاهی یا به صورت انجام کار صورت پذیرند.

در کلاس روان‌شناسی

دوره دوم متوسطه

دانش‌آموزان پس از آشنایی با «انواع توجه» در درس روان‌شناسی، به انجام این تکلیف دعوت می‌شوند: «تصور کنید تعدادی دانش‌آموز به شما سپرده شده‌اند تا توجه آن‌ها را به آموزش خود جلب کنید.



در این صورت از چه شیوه‌هایی، و چرا، استفاده می‌کنید؟ شما می‌توانید برای تعیین فعالیت‌های خود، در خصوص ایجاد توجه دانش‌آموزان به درس، از شیوه‌های مختلفی مانند تهیه فایل صوتی، تهیه فیلم، نوشتن ماجرای یک نمایش و تصویر استفاده کنید.»

برای پاسخ به این پرسش، دانش‌آموزان ابتدا باید به انواع توجه و نیز عوامل مؤثر بر آن اشراف داشته باشند. سپس نمونه‌هایی را برای هر یک تصور و تجسم کنند. این تکلیف خروجی‌های متفاوتی خواهد داشت.

در کلاس فیزیک

دوره دوم متوسطه

بحث «نور» در پایه اول دوره دوم متوسطه به پایان رسیده است. معلم از دانش‌آموزانش می‌خواهد به یکی از این شیوه‌ها تکلیف خود را انجام دهند:

★ **آینه و عدسی در حال حاضر:** نمونه کاربردهای آینه و عدسی را در محیط اطراف



خود جست‌وجو کنید، از هر کدام تصویری تهیه کنید و در کنار آن موارد استفاده هر یک را شرح دهید.

★ **بی‌نوشت**

1. past perfect tense
2. past tense



پاتوق مجازی

درنگی در کیفیت حضور معلم و دانش‌آموزان در رسانه‌های اجتماعی

حسین غفاری

معلم و پژوهشگر فرهنگ و رسانه

در شماره‌های اول و دوم دوره ۳۳ (مهر و آبان ۹۳) ماه‌نامه رشد معلم مقالاتی به قلم خانم **کتایون رجبی‌راد** منتشر شده بود^۱ که پیش از هر چیز، از دل‌مشغولی‌های یک معلم علوم اجتماعی دبیرستان در مورد بچه‌ها و حضورشان در رسانه‌های اجتماعی خبر می‌داد؛ معلمی که با دلسوزی به پاتوق مجازی دانش‌آموزانش وارد شده و از قابلیت‌های رسانه‌های اجتماعی برای پیشبرد اهداف کلاس درسش بهره برده بود. مشت نمونه خروار است. کم نیستند معلمان و مربیانی که در دهه گذشته، به جای منع ورود بچه‌ها به فضای مجازی، با آن‌ها همراهی کرده‌اند و تجربه‌های بسیاری از این حضور اندوخته‌اند.

من به‌خاطر می‌آورم که در دوره دانش‌آموزی، بهترین معلمانم آن‌هایی بودند که گاهی لباس و کفش ورزشی می‌پوشیدند و در زمین بازی همپای ما می‌دویدند. صمیمی‌ترین مربیان من آن‌هایی بودند که در سفر با ما هم‌سفره می‌شدند و در کوه و دشت با ما می‌دویدند و دستمان را می‌گرفتند. چرا بچه‌های امروز باید از چنین معلمانی محروم باشند؟ چرا باید زمین جدید بازی آن‌ها به رسمیت شناخته نشود؟

اما مهم این است که آیا ما با ظرافت‌های بازی در این زمین جدید آشنا هستیم؟! آیا آسیب‌های فعالیت در رسانه‌های اجتماعی را می‌شناسیم؟ آیا توصیه‌هایی عمومی برای کاربری رسانه‌های اجتماعی وجود دارد؟ آیا می‌توان دستورالعملی برای رفتار معلمان در رسانه‌های اجتماعی نوشت تا مسیر رشد نسل آینده در فضای مجازی را هموار کنند؟ در ادامه سعی می‌کنم مسیر پاسخ دادن به این پرسش‌ها را کمی هموار کنم.

اجتماعی در کشاندن ما به این دنیای رسانه‌ای و غرق کردنمان در آن است. از آنجا که تأثیرگذاری این رسانه‌ها بر کاربران در سه سطح بینش، گرایش و کنش به اثبات رسیده، لازم است کاربران پیش از استغراق در آن، از گزاره‌های بنیادین این دنیا که طبعاً ریشه در تمدن غرب دارد آگاهی کافی داشته باشند. البته تفصیل آن در این مجال نمی‌گنجد.

شاید پیش از هر دستورالعملی لازم است باورهای خود را نسبت به کلیت رسانه‌ها تصحیح کنیم. مطالب زیادی در این باره وجود دارد که برای نمونه می‌توان به «هفت اصل سواد رسانه‌ای» و نیز «توصیه‌های هفت‌گانه نیل یستمن» برای پرورش انسانی که اسیر ماشین نمی‌شود اشاره کرد. این هفت اصل و هفت توصیه را در پایان همین نوشتار خواهید خواند.

آنچه لازم می‌دانم به مطالب یاد شده اضافه کنم، نقش رسانه‌های

بچه‌ها چه نیازی به «پاتوق» دارند؟

آن چنان که در «دانش‌نامهٔ جهان اسلام» ذیل مدخل «توغ» آمده است، «پاتوق» (پاتوق / پاتوق) در فارسی امروز به معنای قرارگاه و میعادگاه و محلی است که کسی در اوقات معینی به آنجا می‌رود و معمولاً بخشی از وقت بیکاری خود را در آنجا می‌گذراند. «پاتوقدار» هم کسی است که در پاتوق سمت پیشوایی دارد.

همان‌طور که «مدرسه» فضایی امن برای اجتماعی شدن بچه‌ها فراهم می‌آورد، با افزایش سن، افراد بزرگ‌تر هم به فضاهایی نیاز دارند که به انتخاب خودشان و با همراهی دوستانشان در آن حضور یابند و رهاتر از چارچوب‌های مدرسه و خانواده، به تمرین مقررات زندگی بزرگ‌سالی بپردازند. پاتوق‌هایی مثل مساجد، هیئت‌های مذهبی، باشگاه‌های ورزشی، بوستان‌ها، تفرجگاه‌های شهری و مهمانی‌های دوستانه همگی از مصادیق این فضاها هستند. اولیا و مربیان کمابیش می‌دانند که در مورد پاتوق‌ها باید چه آموزش‌هایی به بچه‌ها بدهند و چطور آن‌ها را در انتخاب درست «پاتوق» و «هم‌پاتوقی» راهنمایی کنند. در این زمینه کتاب‌ها و مقالات آموزشی فراوانی هم وجود دارند.

چرا پاتوق سایبری؟

اگر ما اصل پاتوق داشتن را برای یک نوجوان مشروع بدانیم و به او این حق را بدهیم که به توجه به سن و سلیقه و امکانات، از میان انواع گزینه‌های ممکن یکی را انتخاب کند، چرا «فضای سایبر» نتواند یکی از پاتوق‌ها باشد؟ (صدیق‌بنای، ۱۳۸۵)

«فضای سایبر» به مجموعه‌ای از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق رایانه یا سایر وسایل مخابراتی، در فضای غیرمادی، و به اصطلاح مجازی گفته می‌شود. با این تعریف «پاتوق سایبری» میعادگاه عده‌ای از افراد است که بدون نیاز به تحمل محدودیت‌های جغرافیایی می‌توانند بخشی از وقت بیکاری خود را در آنجا بگذرانند.

در دههٔ گذشته، تلاش‌های پراکنده‌ای برای شناسایی ابعاد تأثیرگذاری، قابلیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای فضای سایبر در موضوع تربیت صورت می‌گرفت. اما متأسفانه اکنون هیچ تلاشی برای ایجاد یک طرح نظام‌مند برای راهنمایی بچه‌ها در پاتوق‌های سایبری انجام نمی‌شود. به نظر من، در گام اول لازم است همهٔ دلسوزان امر تربیت به این سؤالات پنج‌گانه بیندیشند و برای آن‌ها پاسخی درخور بیابند. من برخی گزاره‌های ذهنی خودم را مبتنی بر پژوهش‌ها و تجربیاتم، ذیل هر پرسش آورده‌ام. شما هم ببینید.

سؤال ۱ آیا لازم است پاتوق سایبری داشته باشیم؟

۱. نه! به این سؤال دو گونه می‌توان پاسخ داد. تا وقتی فلاسفه، آینده‌پژوهان، مهندسان و غول‌های تجاری صنعت سایبر تکلیف خود را با سمت و سو و حد و حصر پیشرفت‌های سایبری روشن نکرده‌اند (که احتمالاً هرگز نمی‌کنند) نمی‌توان تربیت انسان

الهی را با خوش‌باوری یا مسامحه به این فضا گره زد. نباید برنامهٔ تربیتی ما به گونه‌ای با اقتضائات این فضا عجین شود که تغییرات سریع و پیش‌بینی‌ناپذیر آن، به ما فرصت تأمل و انتخاب حکیمانهٔ گام‌های تربیتی را ندهد و خواه‌ناخواه به همان سمتی کشیده بشویم که توسعهٔ فناوری‌های سایبری به آن سو می‌رود. چراکه به قول سعدی:

**شد غلامی که آب جو آرد
آب جوی آمد و غلام بیرد**

۲. آری. اگر کمی آرمان‌گرایی را متوقف کنیم و واقع‌نگر باشیم، می‌بینیم چاره‌ای نداریم جز اینکه فرزندان خود را برای مواجهه با دنیای رسانه‌زدهٔ اطراف آماده کنیم. چطور می‌توان، خارج از آب، شناگری را آموخت و چطور می‌توان با اکتفا به نظر از عمل دست شست؟

پس شاید اجتناب‌ناپذیر باشد که اولیا و مربیان در کنار تمام وظایف عادی و معمول خود در زندگی روزمره، پاتوق‌شناسی و پاتوق‌داری در فضای مجازی را نیز بشناسند و -خوشبینانه- فرزندان را در انتخاب و استفاده از پاتوق سایبری راهنمایی کنند یا -بدبینانه- به دنبال بچه‌ها بروند و سر از کار آن‌ها دربیابند.

هر دو پاسخ درست است. پاسخ اول می‌گوید: ما همچنان باید اصل تربیت را در فضای واقعی دنبال کنیم و پاتوق‌های واقعی را برای بچه‌ها زنده نگه داریم. اما پاسخ دوم می‌گوید: اگر می‌خواهیم به موازات فضای واقعی، پاتوق سایبری راه بیندازیم و دانش‌آموزانمان را به حضور در آن تشویق کنیم، باید به این پرسش‌ها پاسخ دقیق بدهیم (این سؤال‌ها را نگارنده فرض می‌کند):

- در پاتوق سایبری کدامیک از ابعاد وجودی انسان قابلیت حضور و تأثیرپذیری دارد؟ آیا می‌توانیم تمام امر تربیت را در این ابعاد وجودی به پاتوق سایبری واگذار کنیم؟

- آیا حق داریم از همهٔ بچه‌ها بخواهیم در این پاتوق سایبری حضور یابند؟ آیا در مورد پاتوق‌های واقعی نیز برخورد ما چنین است (یعنی همه موظف‌اند در یک جلسه یا مهمانی یا... شرکت کنند؟)

- چه طرح تربیتی جایگزینی برای بچه‌هایی که به هر دلیل یا علتی (نگرش فلسفی، بی‌انگیزگی، فقر مادی، کم‌اطلاعی و...) امکان حضور در پاتوق سایبری ندارند، در نظر گرفته‌ایم؟ (مثلاً نتایج یک نظرخواهی در پاتوق سایبری چطور قرار است به همهٔ بچه‌های یک گروه واقعی تعمیم پیدا کند؟ چرا باید نظر اعضای فعال پاتوق سایبری بر دانش‌آموزان توانمندی که در پاتوق سایبری فعال نیستند، ترجیح داده شود؟)

- توجه مربی به فعالان پاتوق سایبری و صرف زمان برای آنان، در مقایسه با سایر دانش‌آموزان، چه تناسبی با عدالت آموزشی دارد؟ برای جلوگیری از اتلاف حق غایبان پاتوق سایبری چه برنامه‌ای داریم؟

سؤال ۲ پاتوق سایبری ما در کدام ساحت از انواع رسانه‌های اجتماعی بنا خواهد شد؟

خبرگان فضای مجازی انواع رسانه‌های اجتماعی موجود در فضای سایبر را، که امکان استفاده عموماً رایگان‌شان برای همگان میسر است، به چهار ساحت تقسیم می‌کنند:

۱ ساحت انتشارمحور

در این ساحت، رسانه‌ها، مبتنی بر نیاز کاربران به انتشار محتوای پیوسته یا موضوعی ایجاد شده‌اند. محتوای منتشرشده انواع گوناگون چندرسانه‌ای را دربرمی‌گیرد. هر چند پایه اصلی این گونه از رسانه‌های اجتماعی «متن» است. نمونه شاخص: وبلاگ‌ها و ویکی‌ها (دانش‌نامه‌های آزاد)

۲ ساحت گفت‌وگومحور

در این ساحت، رسانه‌ها، مبتنی بر نیاز کاربر به گفت‌وگو و تعامل رودررو با دیگر کاربران طراحی می‌شوند. این گفت‌وگو می‌تواند «یک به یک» و یا «یک به چند» باشد. همچنین، محتوای گفت‌وگو می‌تواند شامل متن، صوت، تصویر یا فیلم باشد.

نمونه شاخص: چت روم‌ها (یاهو چت و جی تاک)، تالارهای گفت‌وگو، برنامک‌های ارتباطی تلفن‌های همراه (واتس‌آپ، وایبر، ویچت، تانگو و تلگرام)

۳ ساحت اشتراک‌محور

در این ساحت، رسانه‌ها، مبتنی بر قابلیت به اشتراک‌گذاری انواع محتوای چندرسانه‌ای در فضای مجازی ایجاد شده‌اند و معمولاً با توجه به تفکیک قالب‌های رسانه‌ای در دسترس هستند. مثلاً شبکه به اشتراک‌گذاری عکس، فیلم یا صوت. نمونه شاخص جهانی: ویدیو یوتیوب، اینستاگرام. نمونه شاخص ایرانی: سرویس اشتراک ویدیو آپارات، سرویس اشتراک عکس لنزور

۴ ساحت شبکه‌محور

در این ساحت، رسانه‌ها، مبتنی بر نیاز کاربران به تشکیل گروه‌های ارتباطی مجازی (خانوادگی، دوستی، کاری و...) ایجاد شده‌اند و معمولاً با عنوان «شبکه‌های اجتماعی» شناخته می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی بر پایه ارتباطات واقعی و مجازی افراد شکل می‌گیرند و در آن‌ها همه چیز تحت تأثیر فرد و روابط فردی اوست.

نمونه شاخص جهانی: فیس‌بوک، گوگل پلاس. نمونه شاخص ایرانی: شبکه اجتماعی کلوب، فیس‌نما، تبیان، افسران. هر مری اندیشمند، حتماً قبل از ایجاد یا رسمیت بخشیدن به یک پاتوق سایبری، باید ساحت مورد نیاز خود را شناسایی و بر پایه آن اقدام به فعالیت کند. منطقی نیست که به صرف «تمایل» بچه‌ها به

استفاده از یک ساحت سایبری، «نیاز واقعی» آن‌ها یا قابلیت‌های سایر ساحت‌ها ندیده گرفته شود. از سوی دیگر، انتخاب شتاب‌زده یا ورود حریصانه به این ساحت‌ها می‌تواند مشکل‌ساز باشد:

- آیا لازم است بیش از یک ساحت برای ایجاد پاتوق سایبری انتخاب کرد؟ یعنی امکان دارد صرفاً با حضور در یک ساحت، نیاز ما و بچه‌ها به پاتوق سایبری برطرف شود؟

- آیا رده سنی بچه‌ها و موضوع پاتوق سایبری در انتخاب ساحت آن بی‌تأثیر است؟

- آیا انتخاب بیش از یک ساحت برای ایجاد پاتوق سایبری فرصت است یا تهدید؟ یعنی درگیر شدن هم‌زمان بچه‌ها در چند ساحت، عمق پاتوق را بیشتر می‌کند یا سطح آن را یا هیچ‌کدام؟ - بر فرض وجود فایده‌هایی در به‌کارگیری هم‌زمان چند ساحت، اثرات جانبی حضور در چند ساحت سایبری چیست؟ آیا اتلاف زمان، کاهش تمرکز و افزودن اطلاعات، موجب خستگی و انفعال مخاطب در مقابل پیام نمی‌شود؟

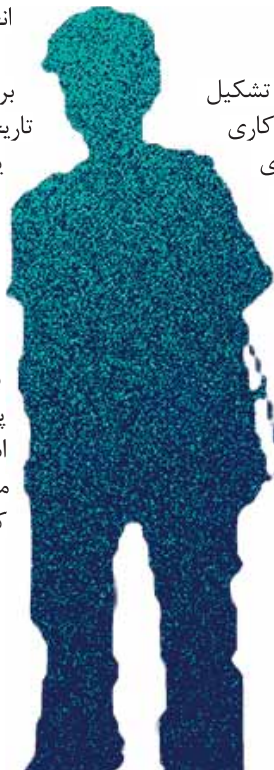
سؤال ۳ از کدام ابزارهای خدماتی (شرکت‌های خدماتی) برای ایجاد پاتوق سایبری استفاده کنیم؟

بعد از انتخاب یکی از ساحت‌های چهارگانه رسانه‌های اجتماعی برای حضور و فعالیت تربیتی، نوبت به ایجاد پاتوق سایبری در یکی از فضاهای موجود در آن ساحت می‌رسد. در جهان ارتباطات و اطلاعات، شرکت‌های بزرگ غربی عمده‌ترین خدمات‌دهندگان عمومی در زمینه رسانه‌های اجتماعی هستند. در نگاه اول نام‌هایی مثل گوگل، فیس‌بوک، ویکی‌پدیا، توییتر و وردپرس در کنار تازه‌واردانی همچون وایبر، واتس‌آپ و ویچت مورد توجه قرار می‌گیرند. اما معمولاً شناخت درستی از مزایا و معایب این ابزارها و رقبای ایرانی‌شان وجود ندارد. در این مرحله نیز حرکت با جریان مدپسند بازار، استقبال کورکورانه از برندهای مشهور جهانی، بی‌توجهی به واقعیت‌های فنی دنیای سایبر و هیجان نوجویی و نوجوانی می‌تواند زمینه‌های انحراف از اهداف اصلی امر تربیت را ایجاد کند:

- آیا مشهورترین و فراگیرترین ابزارها (برندها) برای استفاده ما مناسب‌ترین‌اند؟ آیا با اطلاع از تاریخچه رشد و محبوبیت یا پیش‌بینی آینده تحولات یک ابزار رسانه‌ای به سراغ آن می‌رویم؟ پایداری خدمات و اطمینان از حفظ سرمایه‌های سایبری ما توسط یک شرکت، چقدر در انتخاب آن مؤثر است؟

- آیا صرفه رایگان بودن استفاده از خدمات یک شرکت می‌تواند ملاک خوبی برای انتخاب باشد؟ و آیا برعکس، هزینه‌کردن برای راه‌اندازی پاتوق سایبری، نشان‌دهنده اهمیت و پرستیژ کار است؟ آیا استفاده از خدمات‌دهندگان رایگان و مجهول‌الهویه رسانه‌های اجتماعی نشانه زنگی و کاردانی است؟

- آیا همواره خدمات‌دهندگان غربی بهتر از



از ویژگی‌های انواع رسانه‌های اجتماعی دست به انتخاب زد و پاتوق سایبری ایجاد کرد، باید به‌طور شفاف و دقیق قوانینی را برای حضور در این مکان ملاقات مجازی تدوین کند. این قوانین باید با تعریف پاتوق سایبری و هدف و حیطه فعالیت آن شروع شود و در ادامه مواردی از این قبیل را شامل شود:

- ملاک‌های عضویت و حضور افراد (فقط بچه‌های یک کلاس، یک پایه، یک مدرسه یا...)

- تعیین رتبه و نوع دسترسی افراد (نویسنده، ناظر، مدیر و...)

- ساعت‌های مجاز برای حضور افراد (روز، شب، تعطیل، غیر تعطیل و...)

- حداقل و حداکثر میزان حضور (چند دقیقه یا ساعت در روز یا هفته)

- حداقل و حداکثر میزان مشارکت در محتوا (چند مطلب یا نظر یا مشارکت در بحث به‌ازای هر نفر یا در هر روز یا...)

همچنین، مربی لازم است راهنمای مختصری درباره نحوه عضویت و فعالیت در پاتوق سایبری بنویسد و علاوه بر فضای مجازی، نسخه‌ای از آن را در فضای واقعی هم به دانش‌آموزان ارائه کند. بسیار ضروری است که همگان بدانند، این پاتوق سایبری در فضای واقعی رسمیت دارد و شناخته شده است. هر چند ممکن است همگان به آن دسترسی نداشته باشند. رعایت این نکته، علاوه بر گسترش عدالت آموزشی، به آموزش سواد رسانه‌ای در مدرسه نیز منجر خواهد شد.

به این پرسش‌ها نیز بپردازیم:

- آیا علاوه بر مربی و مربیان، حضور برخی از والدین در پاتوق سایبری مطلوب است؟

- حضور افراد غریبه (خارج از محیط تعلیم و تربیت) مثل اقوام و دوستان دانش‌آموزان و مربیان در پاتوق سایبری، که با اهداف تربیتی تشکیل شده است، چه مزایا و معایبی دارد؟

- آیا مانند فضای واقعی و کلاس‌های درس باید برای پاتوق سایبری شرط سنی گذاشت؟ حضور ناهم‌سالان در یک پاتوق سایبری تربیتی چه مزایا و معایبی دارد؟

- آیا واقعا می‌توان برای تعامل سازنده اولیا و مربیان پاتوقی سایبری، بدون حضور بچه‌ها، تشکیل داد؟

سؤال ۵ محتوای پاتوق سایبری را چگونه پایش و پالایش کنیم؟

طبیعی است معلمی می‌تواند به پاتوق‌داری سایبری بپردازد که از نظر «سواد رسانه‌ای» و «مهارت‌های فنی» لااقل اندکی از دانش‌آموزانش پیش باشد. هر چند بسیاری از امور فنی پاتوق سایبری را می‌توان به خود دانش‌آموزان سپرد، اما مربی هوشمند هرگز نظارت بر محتوای پاتوق سایبری را رها نمی‌کند.

شاید خوب باشد در کنار قوانین و مقررات اجرایی پاتوق سایبری، مربی با کمک بچه‌ها اقدام به نوشتن یک مرام‌نامه خودمانی کند؛ متنی ساده و صمیمی که خط و مرزهای محتوایی پاتوق سایبری را توضیح بدهد و تلویحا سازوکاری برای پایش و پالایش محتوا توسط خود اعضا مطرح کند.

نمونه‌های مشابه ایرانی هستند؟ آیا هیچ شبکه اجتماعی، شبکه خدمات وبلاگ‌نویسی، ابزارهای گفت‌وگو یا سرویس‌های اشتراک محتوای چندرسانه‌ای ایرانی وجود ندارد که بتواند نیازهای پاتوق سایبری ما را برطرف کند؟

- آیا فقط در صورت برتری همه‌جانبه یک ابزار ایرانی بر ابزار غربی باید به سراغ آن برویم؟ آیا ترجیح دادن ابزارهای غربی بر نمونه‌های ایرانی، هیچ هزینه آشکار یا نهانی بر اقتصاد کشور تحمیل نمی‌کند؟ چطور می‌توانیم از کار و سرمایه ایرانی در فضای مجازی حمایت کنیم؟

- چگونه از اطلاعات و حریم خصوصی پاتوق سایبری ما محافظت می‌شود؟ طبق کدام قرارداد و تعهدنامه معتبر و دارای ارزش در محاکم قانونی، اطلاعات شخصی، محتوای گفت‌وگوها، تصاویر و... پاتوق سایبری ما محفوظ می‌ماند و در اختیار دیگران قرار نمی‌گیرد؟

- آیا اطلاع از مشخصات فردی، گروه‌های دوستی، سطح دانش، علاقه‌ها و سلیقه‌ها، عمق بینش و نوع نگرش دانش‌آموزان ما می‌تواند مورد سوءاستفاده بیگانگان قرار بگیرد؟ آیا برای شناسایی، برنامه‌ریزی، هدایت، جذب یا حذف نخبگان یک جامعه به اطلاعات بیشتری نیاز است؟

- آیا ترجیح دادن منفعت شخصی بر منفعت جمعی در انتخاب رسانه‌های اجتماعی درست است؟ آیا یک مربی می‌تواند اطلاعات شخصی خود و دانش‌آموزانش را - بدون توجه به عواقب درازمدت آن - در اختیار یک شرکت بیگانه بگذارد و منافع بلندمدت ملی را در این زمینه نادیده بگیرد؟

- نفع اصلی شرکت‌های بزرگ در ارائه خدمات رایگان رسانه‌ای به کشورهایی که هیچ دفتر یا نماینده رسمی در آن ندارند چیست؟ این شرکت‌ها چگونه می‌توانند با جذب تبلیغات و آگهی، هزینه‌های خدمات رایگانی را که به ما می‌دهند جبران کنند؟ کدام تبلیغات؟ مگر در اکثر رسانه‌های اجتماعی تبلیغات وجود دارد؟

- آیا عادی‌سازی، ترویج و توجیه کردن استفاده از راه‌های غیرقانونی عبور از فیلترینگ، برای دسترسی به رسانه‌های اجتماعی که طبق مقررات کشور دسترسی به آن‌ها مجاز نیست، یک فعالیت تربیتی و پسندیده است؟ اثرات مخرب جانبی عبور از فیلترینگ برای بچه‌ها بیشتر است یا نفع تربیتی ایجاد پاتوق سایبری در یک محیط غیرقانونی؟

- آیا شرکت‌های غربی ارائه‌دهنده خدمات رسانه‌های اجتماعی به یک اندازه غیرقابل اعتماد هستند؟ ملاک‌های اصلی اعتماد به این شرکت‌ها چیست؟ آیا می‌توان از بین بدها، «بدترین» را انتخاب نکرد؟

- آیا هرگز به انتخاب نرم‌افزارهای «متن باز» رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یک جایگزین ایمن و خصوصی به‌جای رسانه‌های اجتماعی بزرگ فکر کرده‌ایم؟

سؤال ۴ چه قوانین اجرایی برای حضور در پاتوق سایبری بگذاریم؟

وقتی یک مربی با توجه به نیاز دانش‌آموزانش و با اطلاع کامل



واقعی از محتوای رسانه‌ها را نمی‌توان از زمینه اقتصادی و ضرورت‌های مالی محرک صنعت رسانه‌ها جدا دانست.

۵ رسانه‌ها دربردارنده پیام‌های ایدئولوژیکی و ارزشی هستند؛ پیام‌های رسانه‌ای تا اندازه زیادی تبلیغاتی‌اند و ارزش‌ها و باورهای اساسی معینی را به صورت مداوم می‌سازند یا منتقل می‌کنند. روند کلی رسانه‌ها، تصریح یا تلویحاً پیام‌های ایدئولوژیکی مثل روح مصرف‌گرایی، نقش زنان و وطن‌پرستی بی‌چون و چرا را منتقل می‌کند.

۶ رسانه‌ها بار سیاسی و اجتماعی دارند، رسانه‌ها بر مسائل سیاسی و تغییرات اجتماعی تأثیر زیادی دارند و در پس نقاب آزادی‌گرایی منافع سیاسی اجتماعی دولت‌های صاحب سلطه را تأمین می‌کنند.

۷ هر رسانه شکل زیباشناختی خاصی دارد. اصل سواد رسانه‌ای ما را قادر به درک ویژگی‌ها و مشخصات منحصر به فرد هر رسانه می‌کند. به این ترتیب، می‌توانیم نحوه ارتباط شکل و محتوا را جست‌وجو و درک کنیم و علاوه بر درک مفهومی پیام رسانه، نحوه گفتن و بیان رسانه را نیز دریابیم (کانسیداین، ۱۳۷۹: ۱۰ تا ۱۳).

× توصیه‌های هفتگانه نیل پستمن

برای پرورش انسان جهش‌یافته، یعنی انسانی که اسیر ماشین نمی‌شود، هفت نکته را مطرح کرده است:

- ۱** هر فرهنگی برای هر تکنیکی بهایی می‌پردازد.
- ۲** فواید و زیان‌های یک تکنولوژی یا یک پدیده صنعتی یکسان نیستند. در جامعه نیز یکسان تقسیم نمی‌شوند.
- ۳** هر پدیده صنعتی جهان‌بینی خاص خود را داراست.
- ۴** پدیده‌های صنعتی بر سر تثبیت حاکمیت خود با یکدیگر در رقابت هستند.

۵ وقتی یک پدیده صنعتی وارد جامعه‌ای می‌شود، خود را در کنار سایر عناصر آن جامعه قرار نمی‌دهد، بلکه مجموعه عناصر را از درون تغییر می‌دهد.

۶ تمایل ذاتی هر فناوری آن است که حالت و خصلت اساطیری و خداگونه‌گی بیابد و جزئی جدانشدنی از اجزای طبیعی عالم قلمداد شود.

۷ آگاهی و وقوف بر تفاوت بین فناوری و رسانه‌های ارتباط جمعی ما را یاری می‌رساند تا بر محتوا و پیام‌های رسانه‌ها کنترل داشته باشیم و تحولات اجتماعی ناشی از آن‌ها را در اختیار خود نگه داریم.

* پی‌نوشت

۱. شکله‌ها احساسم را نشان می‌دهند (تو خودت اوستای این شبکه‌ها هستی). کتابیون رجیبی‌راد. رشد معلم. مهر ۹۳. ص ۳۹ تا ۴۱؛ و جامعه درگوشی (تأملاتی در آموزش جامعه‌شناسی در مدرسه). کتابیون رجیبی‌راد. رشد معلم. آبان ۹۳. ص ۳۸ و ۳۹.

* منبع

۱. صدیق‌بنای، هلن. فضای سایبر چیست؟. همشهری آنلاین. ۲۸ شهریور ۱۳۸۵. کد مطلب: ۴۴۱۱. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای روزنامه همشهری. <http://hamshahronline.ir/details/4411>
۲. کانسیداین، دیوید. درآمدی بر سواد رسانه‌ای. ترجمه ناصر بلیغ. تهران: اداره کل تحقیق و توسعه صدا. ۱۳۷۹.

هیچ مربی و معلمی نباید به راحتی تن به حضور در پاتوقی سایبری بدهد که امکان پایش و پالایش محتوای آن برای او وجود ندارد. خطای بزرگ مربیان تازه‌کار در فضای مجازی، رسمیت دادن به پاتوق‌های ناسالم بچه‌ها با هدف ظاهری اصلاح و ارشاد آن‌هاست. هیچ درخت کجی را از شاخه‌اش راست نمی‌کنند. باید به ریشه‌ها توجه کرد و مراحل ایجاد پاتوق سایبری را به ترتیب پیمود. در پایان امیدوارم همهٔ معلمان و مربیان ما با فراگیری سواد رسانه‌ای، ضمن بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در عرصه رسانه‌های اجتماعی، الگو و راهنمای خوبی برای نسل آینده در فضای سایبر باشند. ان‌شاء‌الله.

× هفت اصل سواد رسانه‌ای

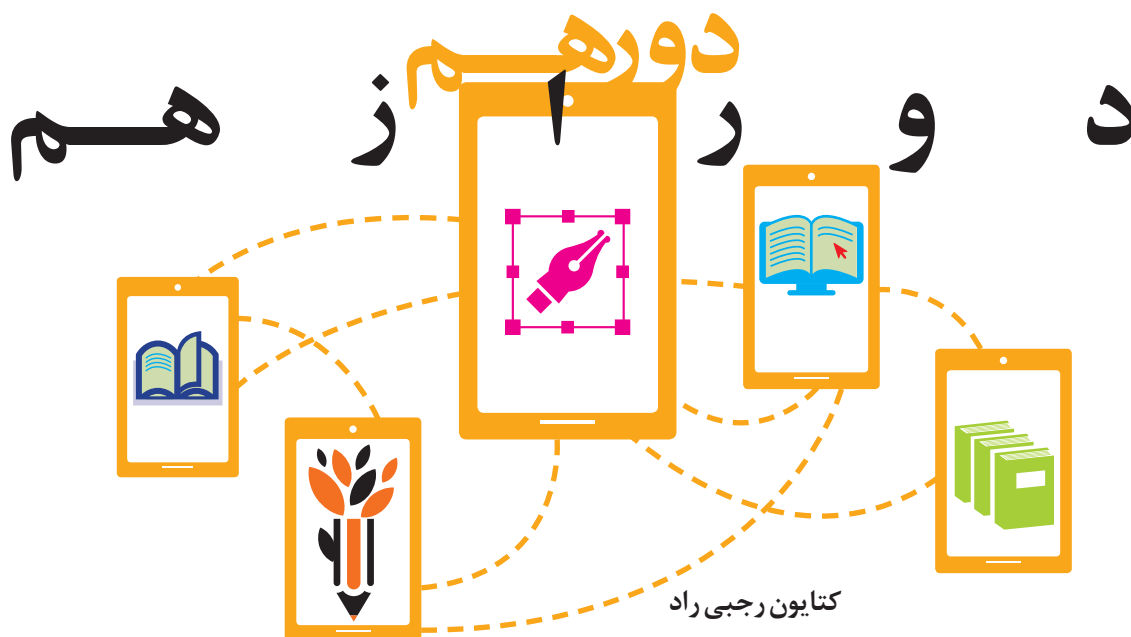
سواد رسانه‌ای بر پایهٔ اصولی استوار است که این اصول مورد التفات راهبردها و سیاست‌گذاران هر کشوری قرار می‌گیرد. برخی از مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از:

۱ رسانه‌ها ساختگی و سازهای هستند. رسانه‌ها دنیایی را به نمایش می‌گذارند که اگرچه حقیقی به نظر می‌رسد، اما از یک نگاه گزینش‌شده که معمولاً مابه‌ازای خارجی ندارد، آن را در معرض دید قرار می‌دهند. از این‌رو، مرز میان واقعیت و مجاز در نمایش رسانه‌ای دشوار است.

۲ رسانه‌ها واقعیت را بازسازی می‌کنند. میان شیوهٔ ارائهٔ وقایع عالم به‌وسیلهٔ رسانه‌ها و شیوهٔ درک این عالم از سوی مصرف‌کنندگان رسانه رابطه‌ای قطعی و معنادار وجود دارد. مثلاً در آمریکا میزان جنایت (نمایش) در تلویزیون چندین برابر دنیای واقعی است و (در نتیجه) مصرف‌کنندگان آمریکایی دنیای خود را به اندازهٔ دنیای ساختهٔ رسانه‌ها خشن و آکنده از تهدید می‌پندارند. این امر، یعنی واسطه‌شدن رسانه‌ها برای درک واقعیت، همان چیزی است که (ژان) بودریار معتقد است جامعه از رهگذر آن به مرحلهٔ نمادین و وانمودگی می‌رسد و بر آن یک نظم نوین رسانه‌ای، که ساخته و پرداختهٔ نموده‌های رسانه‌ای است، حاکم می‌شود.

۳ مخاطبان مفهوم مورد نظر خود را از رسانه‌ها می‌گیرند. مخاطب انتخابی را که از میان رسانه‌ها و پیام‌های مختلف به عمل می‌آورد، براساس انگیزه انجام می‌دهد و محتوا و پیام‌های رسانه‌ای را از طریق یک شبکهٔ پیچیده متشکل از ماهیت و نیازهای خودش پالایش می‌کند. در واقع، مطابق فاکتورهای فردی، با رسانه تعامل دارد و دریافت‌کنندهٔ منفعل پیام‌های رسانه‌ای نیست.

۴ محصولات رسانه‌ای اهداف تجاری دارند. هر نوع درک



برادر ارجمند جناب آقای حسین غفاری
از اینکه چنین نوشته‌ای، شما را چنین جدی درگیر کرده است، خوشحالم و خوشحالی‌ام بیشتر از این
است که نقد شما بر روایت داستان‌وار بنده که ناشی از دغدغه‌های معلمی من است، تحلیل دقیق شما را
به دنبال داشته است.

پاتوق سایبری هم مانند سایر پاتوق‌ها جذابیت خاص خود را دارد؛ با یک آقای بسیار قوی‌تر که هنوز
جایگزینی برایش نیامده و آن اینکه: با یک خط تلفن همراه به کاربر این امکان و اعتماد را می‌دهد که هم
حریم خصوصی و هم هویت گروهی خود را احساس کند و از این طریق هویت جدید خود را در آن محک
بزند و مخاطبان خود را بسنجد!

این پاتوق، خواهی نخواهی، به پاتوق‌های پیشین افزوده شده و ما هنوز برای کارکرد آن نتوانسته‌ایم
جایگزین مناسبی بیابیم. من یک سؤال جدی دارم و آن اینکه: زمانی که همه دانش‌آموزانمان را، با
سلیقه‌های فردی هر یک، مجبور می‌کنیم بهترین سال‌های یادگیری خود را به خواندن مطالبی بگذرانند
که ممکن است اصلاً به کارشان نیاید؛ و وقتی برای تخصص آفریدن از میان استعدادهای دانش‌آموزانمان،
هنوز هیچ پاتوقی تعبیه نکرده‌ایم و اصلاً دوست نداریم به جدی شدن گعده‌های تخصص‌محور بچه‌هایمان
پروبال بدهیم، چه اشکال دارد، آن‌ها را به پاتوق‌های سایبری وارد کنیم؟ شاید عدو سبب خیر شد و از این
راه ما کمی به فکر ضدحمله فرهنگی افتادیم!

معلمی داشتیم که خدا او را حفظ کند، سرکار خانم **حدادیان**، یک سال تمام برای ما کلوپ تخصصی
علمی هنری ورزشی در مدرسه گذاشت و از هر کسی و با هر علاقه‌ای، خواست هر فعالیتی را که دوست
دارد اعلام کند تا در صورت به حدنصاب رسیدن افراد، آن فعالیت نیز در مدرسه تشکیل شود. تمام عشق
آن سال مدرسه رفتنمان این بود که این گعده‌ها را داشتیم و احساس هویت اجتماعی جدیدی می‌کردیم.
اما این امکان در بسیاری از جاها وجود ندارد یا به‌وجود نمی‌آید. برای نسل امروز دور هم بودن جدی،
دوست‌داشتنی و راحت‌تر از این پاتوق‌های سایبری پیدا نمی‌شود. من، البته، با پایش صحیح و پیدا کردن
قوانین پاتوقی، با شما هم‌عقیده‌ام.

خوشحالم که نوشته‌ام باعث شد تحلیل دقیق و زیبا و همچنین پیشنهادهای شما را ببینم.

* پی‌نوشت
۱. نشستن، دوره‌گرفتن و
دور هم نشستن.

رشد

در ترازوی معلمان

سید کمال شهابلو

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

دکتر مهندس ایزدی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

مقدمه

انتقال کل محتوای آموزش به مخاطبان را دارد (فردانش، ۱۳۸۲).

رسانه‌های آموزشی از مناظر و دیدگاه‌های متفاوت تقسیم‌بندی شده‌اند: رسانه‌های خوانداری، رسانه‌های دیداری، رسانه‌های شنیداری، رسانه‌های دیداری-شنیداری، و رسانه‌های چندحسی. در این میان، کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات، اسناد و مواد تکثیرشده که از رسانه‌های دیداری محسوب می‌شوند، بیشترین فراوانی استفاده را بین مخاطبان دارند. در کشور ما، از متداول‌ترین این رسانه‌های خوانداری، مجلات کمک‌آموزشی هستند که مخاطبان اصلی آن‌ها معلمان و دانش‌آموزانند. این مجلات به‌خاطر داشتن محتوای آموزشی غنی، تنوع در قالب‌های ارائه محتوا و به‌روز بودن، همواره مورد اقبال مخاطبان خود قرار گرفته‌اند. یکی از اهداف اساسی این مجلات (از جمله مجله رشد معلم)، از همان ابتدای نشر، گسترش سواد خواندن و توسعه فرهنگ مطالعه بین معلمان و دانش‌آموزان بوده است (شریفان، ۱۳۸۷).

علاقه به مطالعه

واقعیت این است که گرچه وزارت آموزش و پرورش در تدوین کتاب‌ها و نشریات تخصصی، با هدف آگاهی معلمان از یافته‌های جدید پژوهشی و علمی و افزایش سطح دانش و به‌روز کردن اطلاعات آنان در زمینه شغلی خود، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی انجام داده است و معلمان به‌عنوان یکی از اقشار مؤثر در آموزش و یادگیری، خودنیزمند آموختن و به‌تبع آن خواندن و مطالعه هستند، اما متأسفانه تحقیقات نشان می‌دهند که حدود ۷۴ درصد از معلمان به

جهان امروز با سرعت غیرقابل وصفی در تغییر و تحول است. این تغییرات در بسیاری از ابعاد زندگی انسان اثر گذاشته و معادلات او را تحت‌الشعاع خود قرار داده‌اند. پیشرفت‌هایی که در حوزه‌های علوم و فنون پدید آمده‌اند، زمینه‌ساز ایجاد دانش جدید در عرصه‌های گوناگون شده‌اند و نیازهای متفاوت و نوینی را برای زندگی کنونی بشر به‌وجود آورده‌اند. رویارویی با این نیازها و فراهم ساختن شرایط لازم برای رفع آن‌ها، مستلزم تسلط بر دانش نوین است. در این رهگذر، مسیر آموزش نیز تغییرات بسیاری را تجربه کرده است یا می‌کند. بشر اکنون در دورانی قرار دارد که رسانه‌های آموزشی نقش بسیار مهم و مؤثری در تحقق اهداف آموزشی ایفا می‌کنند. بهره‌گیری از رسانه‌ها و وسایل آموزشی باعث سهولت، سرعت و دقت در امر آموزش و یادگیری می‌شود. رسانه‌ها و ابزارهای آموزشی امکاناتی هستند که اگر در فرایند یاددهی-یادگیری به‌نحو شایسته از آن‌ها استفاده شود، در مفهوم‌سازی و ساخت دانش، کمک فراوانی به مخاطب می‌کنند. رسانه‌های آموزشی را می‌توان برای ایجاد اطلاعات یا درک جدید از یک موضوع، یادگیری مهارت‌های جدید، تغییر در باور و نگرش مخاطبان، یا تغییر در شیوه زندگی آنان به‌کار برد. به‌عبارت دیگر، رسانه آموزشی قابلیت



مطالعه علاقه‌مند نیستند (شریفان، ۱۳۸۷).

این در حالی است که براساس بند ۱۳ از فصل ششم «راهبردهای کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، مبنی بر توسعه مستمر شایستگی‌ها و توانمندی‌های اعتقادی، تربیتی، علمی و حرفه‌ای معلمان، این گروه به‌عنوان یکی از اقبال مؤثر در آموزش و یادگیری، خود نیازمند آموختن و به‌تبع آن خواندن و مطالعه هستند.

توسعه فرهنگ مطالعه توسط رسانه‌های مانند مجلات رشد، که مجله رشد معلم نیز یکی از آنهاست و برای معلمان و با هدف به‌روزر کردن اطلاعات و دانش آنان منتشر می‌شود، موضوعی است که باید به‌طور مستمر ارزیابی و بررسی شود. زیرا با تعیین میزان تأثیر مثبت یا منفی این مجلات بر گسترش فرهنگ مطالعه می‌توان تصمیمات لازم را برای تدوین محتوای مناسب آن‌ها اتخاذ کرد. چرا که یکی از اهداف مهم مجله رشد معلم و اصولاً گروه مجلات رشد، توسعه و گسترش فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی معلمان و دانش‌آموزان است.

یافته‌های تحقیق

نتایج تحقیق «بررسی میزان تأثیر مجله رشد معلم در توسعه فرهنگ مطالعه بین معلمان دوره متوسطه آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱» نشان می‌دهد که در زمینه «میزان زمان صرف‌شده برای مطالعه این مجله توسط معلمان»، ۸۳/۸ درصد از معلمان اعتقاد دارند از زمانی که مجله رشد معلم را برای نخستین بار دریافت کرده‌اند تاکنون، رفته‌رفته میزان مطالعه آن‌ها بیشتر شده است. ۱۲/۶ درصد معتقدند که تغییری نکرده و ۳/۶ درصد هم اذعان کرده‌اند که کمتر شده است. به عبارت دیگر، برای اکثریت قریب به اتفاق معلمان، مطالب مجله به تدریج مقبولیت یافته است.

در خصوص تأثیر مجله رشد معلم بر میزان تفکر و تدبیر معلمان درباره مطالب آن، ۵۶/۲ درصد از معلمان معتقدند مطالب مجله رشد معلم تا حدودی بر میزان تفکر و تدبیر آن‌ها تأثیر داشته است. ۳۶/۸ درصد از آنان نیز عنوان داشته‌اند که این تأثیر کم و خیلی کم بوده است. در مقابل ۷ درصد هم بر این باور بوده‌اند که مطالب مجله سبب می‌شوند، به میزان زیاد و خیلی زیاد درباره آن‌ها تفکر و تدبیر کنند.

بعد دیگری که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفت، «میزان به کارگیری مطالب مطالعه‌شده از مجله در جهت رشد و توسعه فردی و حرفه‌ای توسط معلمان» بود. طبق نتایج به دست آمده ۶۱/۳ درصد از معلمان اظهار داشتند که از مطالب مجله رشد

معلم تا حدودی در جهت رشد و توسعه فردی و حرفه‌ای خود بهره می‌گیرند. ۳۱/۷ درصد آنان نیز عنوان داشته‌اند که تأثیر مطالب مطالعه‌شده بر رشد و توسعه فردی و حرفه‌ای آنان کم و خیلی کم بوده است. در مقابل ۷ درصد عنوان داشته‌اند که تأثیر مطالب رشد معلم در این زمینه زیاد و خیلی زیاد بوده است.

درخصوص تأثیر این مجله بر میزان مباحثه و تبادل نظر در مورد مطالب مطالعه‌شده با همکاران، ۵۵/۶ درصد از معلمان اظهار داشتند، مطالب مجله رشد معلم تا حدودی سبب مباحثه و تبادل نظر با همکاران در مورد آن مطالب می‌شود. ۳۸/۷ درصد از آنان نیز عنوان داشته‌اند که مطالب مجله تأثیر کم و خیلی کمی بر میزان تبادل نظر و مباحثه با همکاران درخصوص این مطالب دارند. در مقابل ۵/۷ درصد گفته‌اند که تأثیر مطالب مجله در این زمینه زیاد و خیلی زیاد بوده است.

پیشنهادهای

۱. از آنجا که با توجه به نظر معلمان، محتوای مجلات رشد تا حدودی پاسخگوی هدف «توجه به گسترش سواد خواندن و توسعه فرهنگ مطالعه بین معلمان» بوده است، لذا باید برای ایجاد رغبت و عادت مطالعه در معلمان، مطالب جدی، علمی، فنی و شغلی تهیه شود.

۲. با توجه به اینکه آگاهی معلم از فنون و مهارت‌های آموزشی از ضرورت‌های حرفه معلمی است و معلم باید از وجود و تحولات وسایل آموزشی، امکانات و تجهیزات محیط کار اطلاع یابد، محتوای این مجلات باید در این جهت تقویت شود.

۳. شرایط محیطی (زمان و مکان) مناسب به منظور مطالعه در محیط مدرسه برای معلمان فراهم شود.

۴. از آنجا که رسانه مناسب رسانه‌ای است که با هدف‌های آموزشی، محتوا و فعالیت‌های آموزشی انتخاب‌شده برای آن انطباق و سازگاری دارد و با توجه به نظرات معلمان در تحقیق حاضر، مجله رشد معلم باید درصدد تقویت ابعاد ژورنالیستی خود بر آید.

۵. مسئولان مربوطه باید در تولید پیام با محتوای آموزشی، ویژگی‌های هنری و فنی را مورد توجه قرار دهند و این مجلات را به گونه‌ای طراحی کنند که فرایند ارتباط را از حالت یکطرفه خارج و به جریانی دوسویه (تعاملی) تبدیل کند.

۶. مجله رشد معلم برای حرکت به سمت تحقق کامل اهداف خود باید در نوع مطالب و محتوا، حجم مطالب، جلب مشارکت معلمان در تولید محتوا، شکل، فرم و گرافیک، و نیز توزیع به موقع، اصلاحات لازم را انجام دهد.

* منابع

۱. شریفان، احمد (۱۳۸۷). نظرخواهی از معلمان دوره ابتدایی استان فارس در مورد مجله رشد آموزش ابتدایی (گزارش پژوهشی). دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی. تهران.
۲. فردانش، هاشم (۱۳۸۲). مبانی نظری تکنولوژی آموزشی. انتشارات سمت. تهران.



آقای سردبیر! مشکل اینجاست

نقدی بر یادداشت سردبیر آبان ماه ۹۳

هوشنگ شرقی

دبیر ریاضی و مدیر داخلی مجله ریاضی برهان متوسطه ۲



باز هم از او یاد خواهم کرد) رفتار کنند که در کمال قناعت در تمام عمر شریفش، حتی یک مرتبه هم به تدریس خصوصی دست نزد و همواره انجام آن را توهین به شخصیت معلم می دانست! معلم خصوصی با پای گذاشتن روی شئون حرفه‌ای‌اش، به خدمت دانش آموز ناز پرورده‌ای درمی آید که به اتکای ثروت خانواده‌اش، او را به خدمت گرفته است.

چنین معلمی، وقتی شبانگاه خسته از تدریس اضافه یا کارهای دوم و سوم به خانه برمی گردد، دیگر مجال و توانی برای مطالعه عمومی نمی یابد.

چرا نوجوانان و جوانان

دانش آموز و حتی

دانشجویان ما کمتر به مطالعه تن

می دهند و با کتاب و کتاب خوانی

بیگانه اند؟

علل و عوامل پرشماری را می توان برای این مشکل ذکر کرد؛ از جمله:

الف. کنکور سراسری - یا به قول مرحوم شهریار «این کنکور لعنتی!» - نخستین و اصلی ترین عامل این مشکل «ویرانگر و مخرب» است. آن استاد فرزانه، در دو دهه آخر عمر گرانیهایش، درباره این موضوع آن قدر گفت و نوشت و هشدار داد که گمان می کنم کمتر کسی از اصحاب فرهنگ و رسانه زندهای خردمندانه اش را نشنیده باشد. اما افسوس و صدفاسوس که آنچه

آن گونه که شما در مقاله تان بدان پرداخته اید، نگاهمان را فقط معطوف به دو قشر اصلی بدنه آموزش و پرورش، یعنی معلمان و دانش آموزان کنیم، باز هم خیلی حرف ها برای گفتن داریم که در این مختصر نمی گنجد؛ ولی به طور خلاصه به بعضی از آن ها اشاره می کنم.

چرا معلمان ما کمتر مطالعه

می کنند و حتی در موضوع

تخصصی مورد تدریسشان هم

تحقیق و مطالعه روزآمد و وافی به

مقصود ندارند؟

واقعیت این است که امروزه اصلی ترین و مهم ترین دغدغه معلمان، معیشت و حل گره های اقتصادی خانواده است. وقتی معلم می بیند که آهنگ رشد هزینه های زندگی روزمره اش به مراتب سریع تر از آهنگ کند افزایش درآمد و حقوق ناچیزش است، طبعاً دچار عارضه «نگرانی از آینده» می شود و دیگر نمی توان از او انتظار داشت به فکر مطالعه و افزودن بر دانش شخصی اش باشد. مشکل اصلی و روزمره او اقتصاد خانواده است که شوخی هم سرش نمی شود و نمی توان آن را امروز و فردا کرد. مگر چند تن از معلمان ما می توانند مانند زنده یاد استاد پرویز شهریاری (که من در این مقاله

یار و همکار گرامی جناب آقای حشمتی - سردبیر محترم ماهنامه رشد معلم - یادداشتتان را در شماره ویژه آبان ماه ۹۳ با عنوان «من یار مهربانم، اما...» خواندم و البته متأثر شدم. تصور می کنم بتوانم تا حدی پاسخگوی فراخوان انتهایی آن باشم؛ هر چند باید بگویم «نسخه سبزی» که معجزه آسا باشد ندارم!

شوریکخانه این نسخه سبز در دست کسانی است که کوتاه دستی ما در قبال ایشان واضح است.

کمیود سطح مطالعه (سرانه مطالعه چند ثانیه ای در شبانه روز!) در بین جوانان و نوجوانان ما و به طور کلی آحاد جامعه - که گاهی در این زمینه آمارهای دهشتناکی هم ارائه می شود - به یقین حکایت از نوعی بیماری مهلک اجتماعی دارد که آثار و عوارض ویرانگر آن هم اینک آشکار است و در آینده به شکل بدتری خود را نشان خواهد داد. برای درمان بیماری، بدیهی است ابتدا باید عامل یا عوامل بیماری را شناخت و سپس به درمان اقدام کرد. چه عواملی باعث پایین آمدن سطح مطالعه در میان ما ایرانیان شده اند؟ اگر

البته به جایی نرسید فریاد او بود. گفتار درباره آثار مخرب کنکور چنان گسترده است که خود مقاله‌ای جداگانه می‌طلبد، اما با توجه به موضوع نوشته ما، فقط درباره تأثیر مخرب آن بر این مقوله، می‌توان به‌طور خلاصه گفت: دانش‌آموزی که از بدو ورود به دبستان با نواهای مختلف از جانب اولیای آموزش و پرورش، پدر و مادر و سایر بستگان می‌شنود که: «از حالا باید به فکر کنکور باشی!»، یا با نسخه‌های گوناگون مؤسسات رنگارنگی روبه‌رو می‌شود که هر یک می‌خواهند با دستاویز قرار دادن نکته و تست و کنکور و پررنگ کردن این دغدغه، اقتصاد خود را به فرجام برسانند، از همان آغاز بالندگی، که زمان آشنایی با کتاب و انس با آن است، دچار نگرانی کنکور، ورود به دانشگاه (کدام دانشگاه؟ از کدام نوع؟ تهران یا شهرستان؟! و روش‌های تست‌زنی و تندخوانی می‌شود و در محاصره انواع کتاب‌ها و نرم‌افزارهای آموزشی و کمک‌آموزشی قرار می‌گیرد، مجالی برای مطالعه غیردرسی نمی‌یابد و در مواردی حتی با ممانعت اولیای خانه و مدرسه نیز مواجه می‌شود.

در این سال‌ها، پرخورد مسئولان امر با این پدیده هم کاملاً انفعالی و محافظه‌کارانه بوده است. وعده حذف کنکور تا سال n را بارها شنیده‌ایم و همه با تکرار این وعده، با خنده‌ای تلخ از کنار آن گذشته‌ایم. نکته جالب آنکه بعضی از دلسوزان عرصه آموزش و فرهنگ که از اصلاح ناامید شده‌اند، چاره را در خوش‌بینی محض دیده و آرزوی خود را در قالب واقعیت ریخته‌اند و مدعی می‌شوند که مسئله کنکور دیگر از آن تب و تاب اولیه افتاده است. دلیل این امر را هم خالی ماندن تعداد زیادی از صندلی‌های بعضی از دانشگاه‌ها می‌دانند!

چگونه در شرایطی که دانش‌آموزان سال‌ها قبل از آنکه کنکور بدهند، تست و تست‌زنی را تمرین می‌کنند و مؤسساتی هم با سوءاستفاده از این دغدغه چرخ اقتصادی‌شان را می‌چرخانند، می‌توان گفت مسئله کنکور (لاید خودبه‌خود!) حل شده است! خیر، چنین نیست و خوش‌بینی هم دردی را دوا نمی‌کند. تا وقتی که در بر همین پاشنه می‌چرخد، اصلاً نمی‌توان انتظار داشت که دانش‌آموزان ما به سمت مطالعه و تحقیق و پرورش قوای خلاقه بروند.

ب. نبود توازن بین پیشرفت فناوری و هجوم بی‌رویه ابزارهای الکترونیکی به بازار مصرف، و فرهنگ عمومی جامعه (جوانان و نوجوانان) عامل مهم دیگری است که کتاب‌ها و نشریات و خواندنی‌ها را از نوجوانان و جوانان ما گرفته است. ورود وسیع و بی‌حساب دست‌افزارهای رایانه‌ای همچون موبایل، تبلت و رایانه به جامعه و ریشه دواندن آن‌ها در خانواده‌ها (چنانچه وجود آن‌ها مانند نان شب واجب و ضروری شده است)، بدون ایجاد فرهنگ برای استفاده مناسب از آن‌هاست.

جاذبه وسیع این ابزارها که غالباً هم به بازی‌های رایانه‌ای خلاصه شده‌اند و به شکل اعتیادآوری ساعت‌ها وقت جوانان را می‌گیرند و برعکس کتاب (که یار مهربان است) اعصاب و روان آن‌ها را هم به بازی می‌گیرند، باعث خستگی مفرط آن‌ها شده و دیگر جایی برای مطالعه (که می‌تواند آرامش‌بخش هم باشد) باقی نمی‌گذارد. این‌ها که گفتیم، خلاصه‌ای اندک از شرح درد بود و اما نسخه سبز!

البته از ابتدا گفتیم که نسخه سبز در دست دیگران است، اما این‌ها که می‌نویسم نیز می‌تواند راه‌هایی برای تسکین درد باشد.

۱. باید به همه درمندان و دلسوزان عرصه فرهنگ فراخوانی داد تا همگان دست به قلم ببرند و مصرانه از مسئولان بخواهند که مسئله حذف کنکور را جدی بگیرند و یک‌بار برای همیشه آن را درمان کنند و از دادن وعده‌های بی‌فرجام بپرهیزند. نشریات و ازجمله مجله‌های مرتبط با موضوع، مانند مجله رشد معلم، باید به این موضوع بپردازند و از صاحب‌نظران بخواهند راهکارهای خود را برای این مشکل مطرح کنند. ممکن است پرسیده شود مگر راهی هم وجود دارد؟ به‌هر حال، باید برای انتخاب دانش‌آموزان برتر برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها آزمونی برگزار شود. در پاسخ باید گفت، به یقین راه‌حلی بهتر از این هست و می‌توان و باید از این وضعیت که این همه آثار زیانبار دارد، جلوگیری کرد، اما برای یافتن بهترین راه‌حل‌ها باید به اصحاب فرهنگ اعتماد کرد و از آنان راهکار خواست. استاد شهریار گاه به طنز می‌گفت: «چگونه است که در این مملکت برای هر موضوع پیش پا افتاده‌ای، مثلاً برای «درخت آلبالو» می‌توان سمینار

و همایش ترتیب داد، ولی برای موضوعی به اهمیت کنکور و معضلات ناشی از آن نمی‌توان این کار را کرد؟»

۲. باید با حزم و احتیاط و تأمل، نحوه مواجهه والدین و اولیای مدارس با پدیده رواج بازی‌های رایانه‌ای را آموزش داد. یکی از راهکارها آن است که والدین به جای مقابله مستقیم، بکوشند ساعات انجام این سرگرمی‌ها را محدود و مدیریت کنند.

۳. ادبیات و فرهنگ، اگرچه ریشه‌های ملی و میهنی عمیقی دارند، اما در عین حال مقوله‌هایی جهانی و فراملیتی نیز هستند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، جوانان ما می‌خواهند بدانند ادبیات در کشورهای دیگر چه وضعی دارد؟ چه رمان‌ها و آثاری جوایز بین‌المللی می‌گیرند و چه کسانی نوبل ادبیات دریافت می‌کنند و...

بستن عرصه‌های عمومی به روی این آثار، تنها باعث گریز جوانان و نوجوانان از کتاب‌خوانی در حوزه ملی و بی‌اعتمادی آن‌ها به مسئولان حوزه فرهنگ می‌شود. ضمن اینکه در میان آثار کلاسیک جهان، آثار ماندگاری همچون داستان‌های **هانس کریستین آندرسن** که در کتاب‌های درسی دوران تحصیل ما دیده می‌شدند وجود دارد که علاوه بر افزایش اشتیاق و انگیزه جوانان برای مطالعه در شکل‌گیری شخصیت و فرهیختگی آنان نیز بسیار مؤثرند.

پایان سخن را به کلامی از زنده‌یاد شهریار می‌آرایم که بی‌مناسبت با بحثمان نیست:

«دانش‌آموز ما نمی‌تواند و حق ندارد وقت خود را برای مطالعه کتاب‌هایی مانند **سرگذشت حرکت، زندگی‌نامه ریاضی‌دانان** یا **رمان باد و باران** هدر بدهد. او باید تمامی وقت خود را برای آشنایی با روش‌های **تست زدن** صرف کند.»

این وضع، علاوه بر زیان‌های جنبی، دانش‌آموزان ما را نه تنها از مطالعه باز می‌دارد، که از درک عمیق و درست موضوع‌های درسی هم دور می‌کند. من خود در کلاس‌های ریاضی دبیرستان شادم که هروقت خواسته‌ام موضوعی را از ریشه بررسی کنم یا گوشه‌ای از تاریخ ریاضیات را بازگویم، با تشویش و نگرانی دانش‌آموزانی مواجه شده‌ام که می‌گویند: «آقا این‌ها به درد تست زدن و کنکور نمی‌خورد!»



احمد مختاریان

در ارتباط با مقام مدیر مدرسه، این مطالب را می‌توان بررسی کرد:
جایگاه مدیر؛ مسئولیت‌ها؛ شرح وظایف و اختیارات؛ چگونگی انتخاب و انتصاب.

جایگاه مدیر

با مراجعه به ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی مدارس می‌توان جایگاه مدیر مدرسه را به این شرح تبیین کرد:
مدیر مدرسه نماینده آموزش و پرورش منطقه است. این نمایندگی علاوه بر آنکه جایگاه بلند مدیر را روشن می‌سازد، به مسئولیت‌های وی نیز ارزش خاصی می‌بخشد، به‌طوری‌که وی مسئول حسن اجرای فعالیت‌های آموزشی، پرورشی، مالی و اداری مدرسه است. مسئولیت کلیه امور مدرسه بر عهده اوست و باید براساس مقررات و با همه توان برای تحقق اهداف مصوب دوره تحصیلی که مدیریت آن را بر عهده دارد، بکوشد. این تلاش باید به‌گونه‌ای باشد که نتیجه ارزیابی عملکرد سال تحصیلی، بیانگر ارتقا و رشد کیفی و مطلوب دانش‌آموزان در ابعاد گوناگون باشد. مدیر مدرسه از نظر سلسله‌مراتب در مرتبه پنجم اولویت قرار دارد، زیرا اگر شورای عالی را بالاترین مقام در نظر بگیریم و وزارت آموزش و پرورش را مقام دوم و اداره کل استان را مقام سوم و منطقه آموزش و پرورش را مقام چهارم، آنگاه مدیر مدرسه پنجمین مقام در نظام اداری آموزش و پرورش خواهد بود.

از آگاهی‌های ضروری برای هر یک از اشخاصی که در یک سازمان به کار مشغول می‌شوند، آشنایی با ارکان آن سازمان و شرح وظایف آن‌هاست. این آگاهی موجب می‌شود هر یک از کارکنان، با شناخت جایگاه خود در آن سازمان، توانایی‌های خود را به‌گونه‌ای سامان‌دهی کنند که علاوه بر انجام هر چه بهتر وظایف خود، باعث افزایش قدرت دستیابی سازمان به اهداف خود شوند. همچنین روابط میان کارکنان از سامان بهتری برخوردار خواهد شد و از بروز خطا در سازمان عمل‌کننده جلوگیری می‌شود. ساختار هر سازمان یا به‌وسیله قوه مقننه، یا هیئت دولت یا اساس‌نامه آن سازمان معین می‌شود. از آنجا که در نظام آموزشی ایران دو گونه مدرسه وجود دارد، تصویر سازمانی نیز به دو شکل دیده می‌شود. مدارس دولتی تابع ساختار تشکیلاتی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش هستند و مدارس غیردولتی تابع اساس‌نامه خود. در این نوشتار، فقط به تصویر تشکیلاتی مدارس دولتی که نتیجه مصوبه جلسه ۶۵۲ مورخ ۱۳۷۹/۵/۲۰ شورای عالی آموزش و پرورش است، می‌پردازیم.
براساس این مصوبه که با نام «آیین‌نامه اجرایی مدارس» شناخته می‌شود، مدرسه پنج رکن به این شرح دارد:
مدیر مدرسه؛ شورای مدرسه؛ انجمن اولیا و مربیان؛ شورای معلمان؛ شورای دانش‌آموزی.
در این مقاله، به رکن اول مدرسه، یعنی «مدیر مدرسه»، می‌پردازیم.

مسئولیت‌های مدیر

براساس آنچه درباره جایگاه مدیر گفته شد، مسئولیت‌های مدیر عبارت خواهد بود از:

۱. اعمال نمایندگی منطقه آموزش و پرورش محل خدمت در حسن اجرای فعالیت‌های کارکنان مدرسه در زمینه‌های آموزشی، پرورشی، مالی و اداری. انجام فعالیت‌های آموزشی و پرورشی بر عهده معلمان و مربیان است و انجام امور مالی و اداری بر عهده مدیر و معاونان او، (برحسب مورد)، خواهد بود.
۲. مسئولیت کلیه امور و رخدادهایی که محل وقوع آن‌ها مدرسه است، بر عهده مدیر است و وی در برابر آن‌ها پاسخگو خواهد بود. رخدادهای می‌تواند مربوط به ساختمان و لوازم و تجهیزات مدرسه یا کارکنان و دانش‌آموزان باشد.
۳. تحقق اهداف مصوب دوره تحصیلی تحت مدیریت بر عهده مدیر مدرسه است. تحقق اهداف با برنامه‌ریزی مناسب، استفاده از مشارکت کارکنان، دانش‌آموزان و اولیای آنان و بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های داخل و خارج از مدرسه امکان‌پذیر خواهد بود. پس مدیر مدرسه علاوه بر اینکه باید از اهداف مصوب آگاهی داشته باشد، می‌تواند از راه‌های گفته شده این مسئولیت را اعمال کند، به گونه‌ای که بتواند در ارزیابی عملکرد سالیانه، رشد و ارتقای کیفی دانش‌آموزان را مشاهده کرد.
- یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های همه مدیران اجرایی - در هر سطحی که باشند - این است که باید مراقبت کنند تا هر تصمیم و دستور، یا نهی و مخالفتشان، علاوه بر منطبق بودن با قانون و مقررات، با قوانین عادی و مقررات مصوب و ابلاغ‌شده مغایرت نداشته باشد.

شرح وظایف و اختیارات مدیر

وظایف و اختیارات مدیر در راستای مسئولیت‌های پیش گفته را می‌توان به این شرح برشمرد:

۱. تنظیم برنامه سالانه مدرسه با مشارکت کارکنان و اولیای دانش‌آموزان. انجام این وظیفه مستلزم داشتن ارتباط قوی و نزدیک با کارکنان و اولیای دانش‌آموزان در جهت دریافت نظرات آنان است. این ارتباط از راه‌های متفاوت مانند ارسال پرسش‌نامه و برقراری نشست‌های مختلف امکان‌پذیر خواهد بود. مدیر باید قبل از شروع سال تحصیلی، برنامه سالانه مدرسه را با کمک گرفتن از کارکنان مدرسه و اولیای دانش‌آموزان، تهیه و تنظیم کند.
۲. کسب نظر از اعضای شورای مدرسه درباره برنامه سالانه. این بدان معناست که مدیر مدرسه برنامه تهیه شده را در جلسات شورای مدرسه مطرح می‌کند و اعضای شورا پس از بررسی و ارائه پیشنهادهای یا انتقادهای برنامه سالانه نهایی را تصویب می‌کنند.
۳. تأمین شرایط لازم برای اجرای برنامه سالانه مدرسه. برنامه مدرسه شامل دو بخش مالی و غیرمالی است. مدیر مجاز است اعتبارات مالی لازم را از طریق منابع مالی دولتی، مشارکت‌های مردمی (اعم از کمک‌های اولیا و خیرین) و نیز تقویت منابع درآمدی مدرسه، تأمین کند. در زمینه بخش غیرمالی روش‌های

متعددی همچون سخنرانی یا کمک گرفتن از متخصصان ذی‌ربط و... وجود دارد که مدیران با استفاده از آن‌ها زمینه مناسب برای اجرای برنامه سالانه را فراهم می‌کنند و به اجرای آن همت می‌گمارند.

۴. آشنایی با وظایف و اختیارات خود و دیگر کارکنان. این نکته از وظایف بسیار مهم مدیر است. پس باید، و منطقی است که، هر مدیر مدرسه، همواره یک نسخه از شرح وظایف به‌روز شده از سوی آموزش و پرورش را در دسترس داشته باشد.

۵. ابلاغ شرح وظایف و اختیارات کارکنان (معلمان و کارکنان) در بدو سال تحصیلی و اعلام تغییرات به‌عمل آمده در آن، از سوی آموزش و پرورش، نسبت به گذشته. متأسفانه این رفتار بنیادین اداری و سازمانی اغلب مورد بی‌توجهی مدیران قرار می‌گیرد؛ ظاهراً ایشان فرض می‌کنند که خود و کارکنان مدرسه از وظایف خود اطلاع دارند، در حالی که آنان باید دائماً این فرض را بازبینی کنند. پرسش از کارکنان درباره میزان اطلاع آن‌ها از وظایف و اختیاراتشان، علاوه بر اینکه اهانت به ایشان نخواهد بود، در ارتقای کیفی فعالیت مدرسه و کارکنان نیز مؤثر است. هرچه اطلاعات افراد از شرح وظایف و اختیارات و مسئولیت خود بیشتر باشد، از اعتبار و جایگاه شخصیتی سازمانی بیشتری برخوردار خواهند شد.

۶. نظارت بر حسن اجرای وظایف کارکنان. این نظارت، علاوه بر نظارت محسوس، می‌تواند در قالب راهنمایی و ارشاد ایشان نیز صورت گیرد.

۷. تشکیل منظم و برنامه‌ریزی شده شورای مدرسه، شورای معلمان، و شورای دانش‌آموزی و انجمن اولیا و مربیان و نظارت بر حسن اجرای وظایف آن‌ها.

۸. نظارت بر چگونگی ثبت و نگهداری سوابق و صورت‌جلسات شوراهای مذکور و انجمن اولیا و مربیان.

۹. دعوت از اشخاص. بدان معنی که فقط مدیر مدرسه مجاز به هرگونه دعوت از اشخاص به مدرسه است. مثلاً معلمان نمی‌توانند خودشان اولیای دانش‌آموزان را به مدرسه احضار یا دعوت کنند.

۱۰. عضویت در شورای مدرسه و انجمن اولیا و مربیان.

۱۱. ریاست شورای مدرسه و شورای معلمان.

۱۲. پی‌گیری امور مربوط به ثبت‌نام دانش‌آموزان.

۱۳. تهیه گزارش عملکرد کارکنان، در صورت لزوم.

۱۴. ابلاغ بخش‌نامه‌ها به کارکنان ذی‌ربط و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها.

۱۵. امضای کلیه اسناد آموزشی، مالی و اداری مدرسه و، در صورت لزوم، به تأیید رساندن آن‌ها در اداره آموزش و پرورش شهرستان، ناحیه یا منطقه.

در پایان یادآوری این نکته ضروری است که مدیر در موقعیتی واقع شده که باید از همه جزئیات حوزه مدیریت خود مطلع باشد و در عین حال از دخالت مستقیم در آن‌ها بپرهیزد تا بتواند به بهترین شکل ممکن به مسئولیت برنامه‌ریزی و نظارت و اتخاذ مناسب‌ترین تصمیمات بپردازد.

پندهای آبی

معلمان و کمبود آب

سعیده باقری
عکاس: رضا بهرامی



مصرف بی‌رویه آب از نظر دین، اخلاق و جامعه

جمعیتی معادل نهصد هزار نفر به مرحله اجرا درآمد و دو خط لوله فولادی به قطر ۴۰ اینچ و با ظرفیت ۲۴۲ هزار مترمکعب در شبانه‌روز برای انتقال آب از آبگیر بیلقان به اولین تصفیه‌خانه تهران، در جلالیه، که امروز در خیابان حجاب واقع شده است، در نظر گرفته شد و در سال ۱۳۳۴ به بهره‌برداری رسید. معلمان درس مطالعات اجتماعی می‌توانند با درگیر کردن ذهن دانش‌آموزان با موضوع آب و منابع آبی محدود کشورمان، به عمیق‌تر شدن نگرش دانش‌آموزان و حتی خانواده‌هایشان در زمینه اهمیت دادن به استفاده صحیح از آب کمک کنند. برای این کار می‌توانند دانش‌آموزان را به گفت‌وگو با مسن‌ترین فرد خانواده‌شان در رابطه با نحوه تأمین آب سالم در دوران کودکی ایشان ترغیب کنند. حتی می‌توان در این زمینه آنان را

فکر می‌کنید چند سال از مجهز شدن شهرها و روستاهای ما به لوله‌کشی آب و دسترسی مردم به آب تصفیه شده می‌گذرد؟ جالب است بدانید که در بسیاری از روستاها این امکان در همین سال‌های اخیر محقق شده است. حتی در شهرهای بزرگ هم هنوز بزرگ‌ترهای خانواده‌ها زمانی را که امکان استفاده از آب لوله‌کشی نبود به یاد دارند. نسل‌های گذشته ما ناچار بودند با مشکلات بسیار زیاد ناشی از فقدان آب سالم بسازند و از آب سالمی که در اختیار داشتند با دقت و صرفه‌جویی فراوان استفاده کنند.

طبق اطلاعات سایت سازمان آب تهران: «در سال ۱۳۲۹ طرح اولیه لوله‌کشی آب تهران برای

به منابع مکتوب از جمله زندگی‌نامه‌های مشاهیر معاصر، منابع دیداری همچون فیلم‌های مرتبط با زندگی واقعی افراد در گذشته و منابع مستندتر ارجاع داد، مانند مقالات، کتاب‌ها و فیلم‌های مستند نقاطی از کشور که در آن‌ها مردم هنوز هم با کمبود آب دست و پنجه نرم می‌کنند. برای چنین پژوهش‌هایی لازم است دانش‌آموزان طیف وسیعی

از آموخته‌های کتاب‌های درسی خود را به کار بندند. این کاربرد علمی، علاوه بر ایجاد گرایش به استفاده صحیح از منابع، به عمیق‌تر شدن آموخته‌های آن‌ها نیز کمک می‌کند. جنبه دیگر استفاده بی‌رویه از آب به اخلاق و دین برمی‌گردد. در منابع غنی ادبیات فارسی و نیز متون دینی، و از همه مهم‌تر مصحف شریف، بارها



به اهمیت نعمت‌هایی که خداوند در اختیار ما قرار داده و لزوم شکر این نعمت‌ها از طریق استفاده به‌جا و مناسب اشاره شده است. این اشارات آن‌قدر پرتکرار است که متأسفانه گاهی بازگویی آن‌ها کارایی خود را از دست می‌دهد. به‌نظر می‌رسد، همراه کردن این اشارات با اقدامات عملی در کلاس درس می‌تواند توجه دانش‌آموزان را به این مفاهیم جلب کند. به‌طور مثال، می‌توان وضو گرفتن با حداقل آب ممکن را در کلاس درس آموزش داد و از دانش‌آموزان خواست این روش را در وضوخانه مدرسه تمرین و ترویج کنند. به این ترتیب، خود افراد به‌طور عملی با این واقعیت روبه‌رو می‌شوند که با باز گذاشتن شیر آب هنگام وضو گرفتن، در حالی که به گمان خود اطاعت خداوند را به‌جا می‌آورند، در واقع امر دیگری را که به‌همان نسبت

اهمیت دارد، مغفول گذاشته‌اند. دانش‌آموزان وقتی در یک مورد با این واقعیت روبه‌رو شوند، خودبه‌خود در مواقع دیگر نیز توجه‌شان به میزان قابل توجه آب و منابع دیگری که به‌طور روزمره هدر می‌دهند جلب می‌شود. در ادامه فعالیت قبل، می‌توان از خودشان خواست موارد دیگری را که در آن با بی‌توجهی اسراف می‌کنند بیان کنند و راه صرفه‌جویی به‌شکل مناسب در هر زمینه را پیشنهاد دهند. هر دانش‌آموزی که با این مقوله به‌طور جدی درگیر شود، یک خانواده را به‌سوی استفاده صحیح از منابع هدایت خواهد کرد. به این ترتیب، خودتان حساب کنید با چنین فعالیت‌های ساده‌ای در کلاس درس، چه مقدار باقیات الصالحات از خود به‌جا خواهید گذاشت!

علائق طرز تفکر

صدوره اولاد



نه تنها بهداشت روانی فرد، بلکه میزان بهره‌وری او را نیز کم می‌کند، باید درصدد شناخت علائم و راهکارهای مقابله با آن باشیم.

نشانه‌های شایع فرسودگی شغلی

شاخص‌های هیجانی

- ★ احساس درماندگی و ناتوانی
- ★ بی‌علاقه شدن نسبت به شغل
- ★ احساس افسردگی
- ★ ملالت کردن خود و دیگران
- ★ احساس بی‌په‌ودگی

شاخص‌های نگرشی

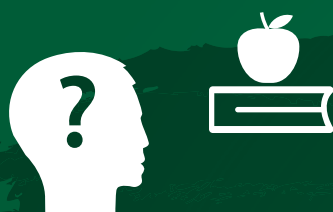
- ★ بدبینی و بی‌اعتمادی
- ★ گله‌مندی و منفی‌بافی
- ★ احساس نبود پیشرفت در زندگی

شاخص‌های رفتاری

- ★ محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی
- ★ کناره‌جویی از دیگران و احساس بیگانگی
- ★ به‌وجود آمدن مشکلات جدید با همکاران و حتی خانواده
- ★ پرخاشگری (افزایش تحریک‌پذیری)
- ★ نبود تمرکز کافی در انجام وظایف شغلی
- ★ کاهش عملکرد (فرد نمی‌تواند از تمام انرژی و استعداد خود استفاده کند)

فرسودگی شغلی از آن اتفاقاتی است که ممکن است همه‌ی شاغلان با آن روبه‌رو شوند. در واقع، فرسودگی شغلی مفهومی مطلق نیست بلکه نشانه‌های آن می‌تواند در دوره‌ای کوتاه ظاهر شود و از بین برود. آگاهی از ویژگی‌های این مرحله می‌تواند به راحت‌تر گذر کردن از آن کمک کند. مطالعات نشان می‌دهد بیشتر افرادی که دچار فرسودگی شغلی می‌شوند، کمال‌طلب هستند و به‌طور افراطی درگیر شغلشان می‌شوند. از طرف دیگر، اهدافی غیرواقعی برای خود مجسم می‌کنند. این گونه افراد، معمولاً رقابت‌جو و اهل پیشرفت‌اند و ممکن است به‌طور هم‌زمان چندین کار را پیگیری کنند. غالباً نیز شتاب‌زده عمل می‌کنند و به فوریت‌های زمانی حساس‌اند. در واقع، این نشانه‌ها هشدار برای درگیر شدن با فرسودگی شغلی است. در این میان، شاید معلمان نیز از بعضی وجوه در معرض آسیب باشند. انگیزه‌ناکافی دانش‌آموزان برای تحصیل و انجام تکالیف درسی، بی‌انضباطی‌های رفتاری شاگردان، فرصت‌های شغلی محدود، کمبود امکانات آموزشی، شلوغی و حجم کلاس‌ها، کافی نبودن امکانات و تسهیلات آموزشی و غیرآموزشی در کلاس، فشارهای مقطعی در برهه‌های خاص (مثلاً نزدیکی به زمان امتحانات نهایی یا کنکور و...)، تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و نیاز به سازگاری و انطباق برنامه‌های علمی و درسی با شرایط به‌سرعت در حال تغییر جامعه، همگی می‌توانند زمینه‌های فرسودگی شغلی را در معلمان فراهم کنند. از آنجا که فرسودگی شغلی





بیشتر افرادی
که دچار
فرسودگی
شغلی می‌شوند،
کمال‌طلب
هستند و
به‌طور افراطی
درگیر شغلشان
می‌شوند

چگونه می‌توانیم به خود کمک کنیم

مدیریت بر خود و تصدیق خود

رتبی شما بر خود مدیریت می‌کنید، قدرت شخصی خود را افزایش می‌دهید. از طرف دیگر، وقتی برای خود پاداش در نظر بگیرید و خودتان را از درون تأیید کنید، منبع آرامشی را در دست گرفته‌اید که عوامل بیرونی کمترین تأثیر را بر شما خواهند داشت. بیشتر ما به تصدیق و تأییدی وابسته هستیم که دیگران خصوصاً مدیران، انجام دهد؛ غافل از اینکه با این تفکر، این منبع آرامش درونی را خاموش و تخریب کرده‌ایم.

مدیریت استرس

اضطراب یا استرس در طولانی مدت موجب فرسودگی می‌شود، بنابراین، شرایط و زمینه‌های به‌وجود آمدن آن در فضای شغلی‌تان را شناسایی و سعی کنید با آن‌ها مواجه شوید. به این معنی که از آن‌ها فرار نکنید، بلکه راه‌حل فائق آمدن بر آن‌ها را بیابید.

تغییر نگرش

در کل، کسانی که خوش‌بین هستند و همیشه نسبت به خود، دیگران و فضای شغلی‌شان خودگویی‌های مثبت دارند، کمتر دچار افسردگی شغلی می‌شوند.

تشکیل نظام حمایتی

نظام حمایتی قوی متشکل از خانواده، دوستان و همکاران، می‌تواند در حمایت کردن شما از آثار منفی فرسودگی و استرس مفید باشد. افرادی که از چنین نظامی برخوردار باشند، سلامتی و طول عمر بیشتری دارند. توسعه روابط دوستانه و صمیمانه با اطرافیان، فرد را از نظر روانی سالم‌تر

شاخص‌های سازمانی

- ★ افزایش غیبت از کار
- ★ رسیدگی کمتر به وظایف شغلی و کاهش کارایی
- ★ ترک شغل

شاخص‌های بدنی

- ★ اختلال در خواب
- ★ اختلال در گوارش
- ★ سردرد
- ★ دردهای عضلانی
- ★ کاهش یا افزایش وزن

علل ایجاد فرسودگی

- شیوه‌های غلط مدیریت و رهبری
- بهره‌نگرفتن از تمام توان افراد در انجام وظایف شغلی
- مبهم بودن نقش فرد در سازمان و انتظارات و توقعات کاری از او
- ناراضی بودن افراد از سازمان یا شغل خود
- فقدان امکانات و فرصت‌های لازم برای رشد و ارتقای افراد در سازمان
- قرار گرفتن افراد در شرایط کاری که لازم است در زمانی محدود کاری بیش از حد توان انجام دهند
- هماهنگ نبودن میزان پرداخت حقوق و مزایا با میزان کاری که افراد انجام می‌دهند
- نامناسب بودن نظام ارزیابی عملکرد شغلی افراد و جایگزینی رابطه به‌جای ضابطه
- فقدان امکانات مناسب و اثربخش آموزش برای کارکنان
- شرایط سخت و طاقت‌فرسای کاری
- نبود بازخورد مثبت و پاداش‌دهنده



**وقتی برای خود
پاداش در نظر
بگیرید و خودتان
را از درون
تأیید کنید،
منبع آرامشی
را در دست
گرفته‌اید که
عوامل بیرونی
کمترین تأثیر را
بر شما
خواهند داشت**



نگه می‌دارد. در مجموع، وقتی می‌توانید در شرایط دشوار روی کمک افرادی خاص حساب کنید، احساس کنترل و قدرت بیشتری خواهید داشت.

افزایش مهارت‌های خود

همه شاغلان علاوه بر مهارت‌های خاص شغل خود، نیازمند داشتن مهارت‌هایی هستند که به آن‌ها کمک می‌کند بیشتر به خود و محیط‌شان تسلط داشته باشند و در شرایط سخت کمتر آسیب ببینند. مثل مهارت کنترل خشم (دانش‌آموزان به دلایل مختلف ممکن است شما را برآشفته کنند)، یا مهارت تفکیک مسائل خانه از مسائل مدرسه، و یا انعطاف‌پذیری در پذیرش افراد.

استفاده از زبان قوی و محکم

افراد وقتی رو به سمتی می‌روند که قربانی فرسودگی شغلی می‌شوند، تمایل دارند گرفتار افکار درمانده‌ساز بیشتری شوند. وقتی به خود بگویید درمانده هستید، مبارزه با فرسودگی را مشکل‌تر می‌کنید. باید افکار خود را کنترل کنید. باید یک فکر سودمند را جایگزین فکر درمانده کنید. مثلاً به جای جمله «آه، همه چیز را خراب کردم» بهتر است بگویید «شتباه کردم، اما تجربه‌ای شد و آموختم». هر دو فکر توصیف‌های درستی هستند، اما اولی حس درماندگی تولید می‌کند و دومی حس قدرت و اعتماد به نفس.

توجه به رفاه جسمی و روحی خود

به اندازه کافی استراحت کنید و به تغذیه و تحرک خود توجه داشته باشید. تمدد اعصاب بدن را تقویت می‌کند و عملکرد فرد را بهبود می‌بخشد. در این راستا می‌توانید از روش‌های مختلف آرمیدگی (ریلکسیشن) نیز استفاده کنید.

روبه‌رو شدن با واقعیت

بعضی افراد در شغل خود آرمان‌های دست‌نیافتنی دارند و همین موضوع زمینه‌ساز فرسودگی برای آن‌ها خواهد بود. باید

محدودیت‌های موجود را شناسایی و با آگاهی از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود از انجام کارهایی که توان جسمی و ذهنی لازم را برای آن‌ها نداریم، اجتناب کنیم.

دنبال کردن اهداف خود

گاهی اوقات نرسیدن به هدفی خاص موجب استرس و در طولانی مدت فرسودگی خواهد شد. اگر اهداف شغلی‌تان واقع‌بینانه هستند، با مدیریت زمان کارهای ریز و درشتی را که باید به انجام برسانید، انجام دهید و تمام کنید. مادامی که کار تکمیل نشده‌ای دارید، بخش زیادی از انرژی ذهنی شما درگیر آن خواهد شد و شادابی شما را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

خوشحال کردن خود

همیشه اگر بدانید چه چیزی حال شما را خوب می‌کند، در مواقعی که دچار بحران یا فشار کاری هستید، پرداختن به آن می‌تواند سطح انگیزه شما را تغییر دهد. گاهی یک تغییر کوچک می‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد.

فرسودگی رخوت روح و روان انسان است که انگیزه، یعنی همان نیرویی را که موجب حرکت انسان می‌شود، نشانه می‌گیرد. اگر باور داشته باشیم که نیرومند هستیم و توانایی تأثیر مثبت بر اتفاقاتی را که رخ می‌دهند داریم، اوضاع به گونه دیگری تغییر خواهد کرد. داشتن انگیزه و روحیه قوی، برای معلمان عزیز که نقش جان‌بخشی به روح و روان انسان‌ها را بر عهده دارند، اهمیت ویژه‌ای دارد، پس همواره مراقب احساسات خود در محیط کارتان باشید.



دنیای فاصله‌ها

سامی خانی تمبی
دبیر منطقه ۱۳ تهران

در حالی که توی مبل فرو رفته بودم و روزنامه را ورق می‌زدم، احساس آرامش خاصی داشتم. ناگهان در باز شد و پسر نوجوانم در چارچوب در ظاهر شد. سلام نصفه‌نیمه‌ای به من داد و به سمت اتاقش رفت. بدون اینکه فرصت جواب سلام او را داشته باشم، خواستم بایستد و به سمت من برگردد.

- این واقعاً همان شلواری که مادرت تازگی برایت خریده؟! چطور می‌پوشی که هنوز هیچی نشده سر زانوهاش نخ کش شده؟ پاچه‌هاش هم که تکه و پاره شده؟! اصلاً چرا جوراب پات نیست؟ مگر نداری؟

پسرم لبخندی! نه البته، ریشخندی، به من زد و راهش را به سمت اتاقش کج کرد و رفت! از آن طرف، همسرم هم که متوجه ماجرا شده بود، در حالی که لب‌هایش را می‌گزید، سری تکان داد و طوری وانمود کرد که انکار من هر را از بر تشخیص نمی‌دهم. حاج و واج مانده بودم نکند من خطایی کرده‌ام و خودم نمی‌دانم. بعد هم گفت: «آن قدر مشغول خودت و کارهای خودت هستی که از دنیای این بیجه و مدهای امروزی خبر نداری!» با خودم گفتم: «این هم شد حرف؟ این هم شد مد؟»

پنجم آبان سالگرد تولد پسرم بود. از یک ماه قبل همسرم، مانند ساعت زنگ‌دار، هشدار می‌داد که مبادا هدیه تولد پسرمان را فراموش کنم! اما من که فکر می‌کردم هنوز خیلی زود است و زمان زیادی تا روز تولد پسرم باقی مانده است زیاد عجله نمی‌کردم. با این حال در این چند روز سر راه بازگشت از محل کارم، فروشگاه‌های مسیر را نگاه می‌انداختم که شاید هدیه مناسبی نظرم را جلب کند. احساس می‌کردم می‌توانم با یک

صحنه اول

صحنه دوم



جفت کتانی یا یک کیف جدید مدرسه یا چیزهایی از این قبیل، شادش کنم؛ اما آخرین باری که با یک ساعت‌فروش دوره‌گرد برخورد کردم، احساس کردم شاید ساعت مچی هم گزینه خوبی برای هدیه تولدش باشد.

انتخاب‌های من در بالاترین سقف به ۵۰ هزار تومان نمی‌رسید. حتی زمانی که به یک گوشی تلفن همراه معمولی کمی بالاتر از این قیمت برخوردم، هر چه با خودم کلنجار رفتم، دلم راضی نشد آن را بخرم. برای اینکه از همسرم کمک بگیرم، شب پس از شام، انتخاب‌هایم را با او در میان گذاشتم. فکر می‌کنید چه شد؟! اول که کلی به من خندید. بعد هم با کج‌خلقی میز شام را ترک کرد. نه تنها جمع کردن میز غذا و شستن ظروف آن به گردن من افتاد، بلکه بابت افکار و انتخاب‌های عهد دقینوسم هم مورد شماتت او قرار گرفتم. بعد از این اوقات تلخی تازه فهمیدم انتخاب پسر برای سالروز تولدش یک دستگاه «آی‌پد» با ضامنه آن است که نوع چینی آن که تعریف چندان هم ندارد، در بازار حدود ۸۰۰ هزار تومان آب می‌خورد! بعد از اینکه از کیش و مات خارج شدم، به خودم گفتم ۸۰۰ هزار تومان را که فهمیدم یعنی چقدر، ولی آی‌پد یعنی چه؟

اوایل مهرماه، مانند همه سال‌های گذشته، سعی می‌کردم انتظاراتم را به‌عنوان معلم برای دانش‌آموزانم شرح دهم. همچنین، برای اینکه انتظارات مرا فراموش نکنند، از آن‌ها خواستم همه موارد را مو به مو داخل جلد کتابشان خوش خط و مرتب بنویسند. مواردی مانند اینکه باید مرتب و اتوکشیده باشند؛ با آمادگی و مطالعه قبلی سر کلاس حاضر شوند؛ هر روز برای پرسش کلاسی آماده باشند و اینکه به‌عنوان کار فوق برنامه باید تحقیق ارائه دهند.

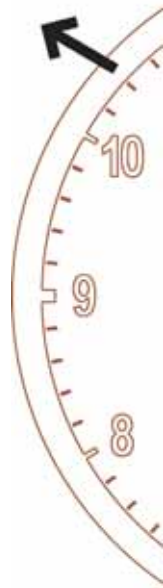
حسابی سر منبر رفته بودم و چانه‌ام گرم شده بود که یکی از بچه‌ها حرفم را قطع کرد و گفت: «آقا اجازه!»

نگاه خیرم‌ای به او انداختم تا بفهمد که نباید حرفم را قطع می‌کرد. بعد هم گفتم بفرما! دانش‌آموزم گفت: «آقا ببخشید می‌تونیم به جای اینکه تحقیقمون رو روی کاغذ بنویسیم، اون رو در قالب «پاورپوینت» به همراه عکس و نمودار ارائه بدیم.» در حالی که احساس می‌کردم حال‌م دگرگون شده و گوش‌هایم داغ و کف دست‌هایم عرق کرده، ادامه داد: «آقا من یک «تبلت» دارم با «سیستم عامل اندروید» که معمولاً برای انجام چنین کارهایی از آن استفاده می‌کنم. تازه قابل نمایش برای بچه‌ها هم هست.»

دستم را به دیوار گرفتم تا به خاطر سرگیجه زمین نخورم. عرق تمام صورتم را گرفته بود و چشمانم به دانش‌آموزانی خیره شده بود که به من زل زده بودند و انتظار جواب داشتند. به خودم گفتم: «این چیزهایی که این می‌گه یعنی چه؟!»

مهرماه





من معمولاً از برادرزاده‌ام انتقاد و او را به خاطر رفتارهایش سرزنش می‌کردم. نشستن بیش از حد او پشت کامپیوتر (که البته به من می‌گفتند تمام کارهایش را با کامپیوتر و اینترنت انجام می‌دهد) موهای بلند، لباس‌های آن‌چنانی و گوشه‌گیری‌اش باعث شده بود از نزدیک شدن پسر (که تازه داشت نه سالش می‌شد) به او جلوگیری کنم. مخصوصاً که هر روز می‌دیدم نقل مجلس بچه‌های این دوره، تلفن همراه، چت کردن و کانکت شدن توی اینترنت و دوستی‌های اینترنتی و... است. من که نمی‌دانستم چت کردن و کانکت شدن یعنی چه، ولی حدس می‌زدم حتماً باید مثل «دوستی اینترنتی» چیز خوبی نباشد. به همین خاطر، از نزدیک شدن پسر به کامپیوتر هم وحشت داشتم، چه رسد به اینترنت!

البته، از شما چه پنهان، با اصرار همسر و با تمام بدبینی، که گفتم، پسر را در کلاس‌های کامپیوتر مدرسه‌شان نام‌نویسی کرده بودم، اما از ته دل خدا می‌کردم که این چیزهای بد! را به او آموزش ندهند. در این بین مجبور شدیم یک کامپیوتر هم برای او بخریم.

مدت‌ها از کلاس کامپیوتر رفتن پسر می‌گذشت. یک روز ظهر در حالی که نسخه دست‌نویس مقاله‌ام را دست گرفته بودم تا با مراجعه به یک دفتر خدمات پستی آن را برای مجله رشد معلم پست کنم، پسر پرسید: «بابا کجا می‌روی؟». گفتم: «کار دارم، می‌روم مقاله‌ام را برای مجله پست کنم»، با تعجب شیطنت‌آمیز پرسید: «چرا پست؟»

- گفتم پس چی؟ گفت: «مگه مجله رشد نشانی ای‌میل یا سایت برای ارسال کامنت نداره؟»

من که خسته بودم و چیزی هم از حرف‌هایش سرم نمی‌شد، بدون جواب راهم را پیش گرفتم تا به زندگی‌ام برسم. اما او جلوی چارچوب در ایستاد و جلویم را گرفت و گفت: «مجله رشد داری؟» گفتم: آره، تو کتابخونه پر است.

مقاله را از دستم کشید و رفت پشت کامپیوتر شروع کرد به تایپ کردن آن. بعد از حدود دو ساعت، با «اینترنت» مقاله را، به قول خودش، به نشانی پست الکترونیکی مجله‌ای که از کتابخانه برداشته بود، ارسال کرد. بعدش هم گفت: «تمام شد.»

من که مانده بودم قضیه از چه قرار است و این اصطلاحاتی که به کار برد یعنی چه، با تعجب پرسیدم: تمام شد؟ و او گفت: «تمام!»

آنچه مرا بر آن داشت با استفاده از این زبان به بیان مطالب فوق‌بپردازم، معرفی گوشه‌ای از دنیای امروز بچه‌ها بود، دنیایی که گاه به سبب برخی تعصبات و ناآگاهی‌ها، برای ما غریبه می‌نماید. ما که به‌عنوان بزرگ‌تر، معمولاً انتظار داریم بچه‌ها، اعم از فرزندان یا دانش‌آموزانمان، مطیع و گوش به فرمان ما باشند، باید بدانیم که شرط اول متابعت و پیروی بچه‌ها از ما، داشتن **احساس مشترک** با آن‌هاست؛ نه اینکه از دنیای آن‌ها بی‌خبر باشیم و مجبورشان کنیم در دنیای ما زندگی کنند؛ گرچه این بدان معنا هم نیست که هرچه در دنیای آن‌هاست، بپذیریم. باید سعی کنیم در کنار آن‌ها زندگی کنیم و از علاقه‌ها و خواسته‌هایشان بیشتر بدانیم تا بتوانیم به روش خود آن‌ها زندگی‌شان را بهبود بخشیم و از خطرات و آسیب‌ها مصونشان بداریم.

شرط دوم متابعت آن‌ها از ما، داشتن **زبان مشترک** با آن‌هاست. آن‌ها باید بدانند که ما زبان‌شان را می‌فهمیم. از آن‌ها عقب‌تر نیستیم و کلمات و عبارات آن‌ها در دنیای ما نیز به همان زبان ترجمه می‌شود. شرط سوم متابعت، **به‌روز بودن** ماست. به دور خود دیواری نسازیم که آن‌ها احساس کنند ما به دنیای گذشته تعلق داریم، یا عقایدمان پوسیده و نخ‌نما شده است، و زبان‌شان را نمی‌فهمیم و بنابراین واپس‌گرایانه فکر می‌کنیم و بعضاً جلوی پیشرفت آن‌ها را می‌گیریم.

روی آوردن ما به تربیت دستوری و تربیت هشدار، و به قول خودشان «گیر دادن»، نه تنها در این جریان کمکی به ما نمی‌کند، بلکه شنا کردن برخلاف جریان رودخانه است. خسته می‌شویم و این خستگی باعث می‌شود آرام به حاشیه کشانده شویم و جریان رودخانه را به حال خود رها کنیم.

ما باید مانند جریانی نفوذی، البته دلسوزانه و صادقانه، عمل کنیم. در دنیای بچه‌ها رخنه کنیم. عواطف، احساسات و افکار آن‌ها را بشناسیم. با آن‌ها همراهی و با ابزارهای خودشان به آن‌ها کمک کنیم. با زبان منطق خودشان سخن بگوییم و برای انجام همه این کارها، تا آنجا که می‌توانیم، به آن‌ها نزدیک شویم. باید این امید و اعتماد را به آن‌ها بدهیم که می‌توانیم با شناختی که از دنیایشان داریم، بهترین کمک برای آنان باشیم. ان شاء الله

ایب ریاضی دان

غلامحسین مصاحب

جعفر ربانی

تصویر گر: علی شفیع آبادی

سالگی دیپلم بگیرد و با معدل بالای ۱۹ در سراسر ایران شاگرد اول شود. از این رو، از دست وزیر فرهنگ وقت، تدین، «مدال درجه اول علمی» دریافت کرد. وی سپس تحصیلات خود را در دارالمعلمین عالی در رشته ریاضی ادامه داد بعداً به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و طی چند سال در سمت‌های رئیس کل تعلیمات عالی، مدیر کل فنی و سرانجام معاون فنی وزارت فرهنگ خدمت کرد. در همان سال‌ها نیز نخستین مجله ریاضی را با نام «مجله ریاضیات عالی و مقدماتی» منتشر کرد و تا ۱۱ شماره ادامه داد. مصاحب پس از دریافت مدرک لیسانس ریاضی در ایران، به فرانسه و سپس انگلستان رفت و مدرک دکترای خود را از دانشگاه کمبریج دریافت کرد (۱۳۲۷). در انگلستان، او شاگرد برتر اندر اسل بود. سپس به ایران آمد و در دانش‌سرای عالی به تدریس ریاضی مشغول شد.

به نظر نگارنده، اگر به مصاحب لقب «علامه» هم داده شود پربیراه نیست. زیرا او نه تنها ریاضی‌دان برجسته‌ای بود و به زبان‌های فارسی، عربی، فرانسوی و انگلیسی در حد کمال مسلط بود، و به زبان‌های آلمانی و روسی نیز در حد استفاده از متون علمی آشنایی داشت، بلکه در علوم معقول و منقول و علوم عربی هم تبحر داشت، به طوری که از برادرش، محمود مصاحب، نقل شده است که وی در علوم حوزوی تا آنجا پیش رفته بود که از سوی یکی از مراجع، به دریافت درجه اجتهاد مفتخر شده بود. پس بی‌جهت نیست که قرعه تألیف نخستین دایره المعارف فارسی به شیوه نوین به نام او درآمد. در ادامه، به دو عرصه از زندگی علمی مصاحب اشاره می‌کنیم: یکی ریاضیات و دیگری دایره المعارف نویسی.

معلمان بزرگ فقط کسانی نیستند که به کلاس و مدرسه و پرورش مستقیم شاگردان خوب مشغول اند. معلمانی نیز وجود دارند که اگر چه چندان کلاس‌داری نکرده‌اند، اما یک‌تنه جریانی را در علم، آموزش، مدیریت آموزشگاهی و به طور کلی در تعلیم و تربیت به وجود آورده‌اند و از این رهگذر در پرورش و آموزش هزاران دانش‌آموز، دانشجو یا معلم و استاد سهیم شده‌اند و بدین طریق تأثیری بزرگ بر جامعه خود نهاده‌اند. شادروان دکتر غلامحسین مصاحب را باید یکی از این گونه معلمان انگشت‌شمار ایران به حساب آورد؛ مردی که البته در دارالمعلمین درس خواند و معلم شد و به وزارت معارف (فرهنگ) هم وارد شد و چند سالی نیز در سطوح عالی این وزارت، مسئولیت‌هایی از جمله ریاست تعلیمات عالی را به عهده داشت، ولی سرانجام ترجیح داد آن کار را فرو نهد و به سوی تحصیلات عالی در رشته ریاضی برود. نوشتن درباره مصاحب در این فضای محدود به هیچ وجه حق مطلب را درباره او ادا نمی‌کند؛

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای

چند گنجد، قسمت یک روزه‌ای (مولوی)

با این حال، محض یادکرد این دانشمند بزرگ ایران، نگارنده لازم دید وی را به عنوان آخرین معلم در شماره‌های سال جاری مجله، به همکاران عزیز معرفی کند.

غلامحسین مصاحب از پدری طبیب و مادری فرهیخته و شاعر در تهران متولد شد (۱۲۹۸ ه.ش). نیاکان او اصلاً اهل نائین بودند و یکی از اجداد او به نام «ملا مصاحب» شاعر بود و در عصر شاه‌عباس صفوی می‌زیست. یکی دیگر از افراد خاندان او یعنی عبرت (مصاحبی) نائینی، نیز شاعر معاصر بود. استعداد وافر غلامحسین سبب شد بتواند در ۱۶



**استعداد وافر
غلامحسین
سبب شد بتواند
در ۱۶ سالگی
دیپلم بگیرد و با
معدل بالای ۱۹
در سراسر ایران
شاگرد اول شود**

دایرةالمعارف فارسی

«دایرةالمعارف فارسی مصاحب» که به همین نام در سه مجلد در قطع بزرگ چاپ شده، شاهکاری است

در دایرةالمعارف نویسی به روش نوین. پیشنهاد این کار عظیم را شادروان **همایون صنعتی زاده**، رئیس انتشارات فرانکلین، به مصاحب داد و هرگونه پشتیبانی مالی و تدارکاتی را نیز از این کار به عمل آورد. صنعتی زاده اساس این کار را ترجمه «دایرةالمعارف کلمبیا» در نظر گرفته بود، ولی مصاحب با جلب همکاری افرادی فرهیخته و دانشمند و با تلاشی شبانه روزی، اثری پدید آورد که به کلی با کتاب موردنظر فرق داشت و در واقع یک دایرةالمعارف تألیفی ایرانی بود که بیشترین مدخل های آن مدخل های ایرانی اسلامی بودند. مقدمه جلد اول دایرةالمعارف به قلم مصاحب چنین آغاز می شود:

«سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا

کتابی که اینک تقدیم فارسی زبانان می شود، جلد اول (۱-س) یک دایرةالمعارف عمومی است که نخستین دایرةالمعارف فارسی به معنی حقیقی کلمه می باشد و به اسلوب دایرةالمعارف های جدید و معتبر مغرب زمین تدوین شده است.»

خوشبختانه جامعه علمی ایران قدر و منزلت مصاحب را به خوبی درک کرده و بزرگان دانش و ادب در مقاطع زمانی متفاوت در بزرگداشت او کوشیده اند. از جمله در میزگردی که در دهه ۶۰ در نشریه کیهان فرهنگی برگزار شد، شخصیت های ممتازی چون احمد آرام، عباس زریاب خویی، محمود مصاحب (برادر)، ترانه مصاحب (دختر)، محمدهادی شفيعی ها، ضياء موحد، حسین معصومی همدانی، علیرضا حیدری، و ابراهیم اسرافیلیان و اکبر حسنی (دو شاگرد او در مؤسسه)، درباره خدمات مصاحب سخن گفتند. همچنین، در سال ۱۳۸۸ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی مجلس بزرگداشت باشکوهی، همراه با کتاب «زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر مصاحب»، برگزار کرد. کتاب مزبور به لحاظ درج آثار آن شادروان و نیز نوشته های کسانی چون مهدی محقق، عباس حرّی، ایرج افشار، نجف دریابندری، هوشنگ دولت آبادی، علی اشرف صادقی و نوش آفرین انصاری، یادنامه ای ممتاز به شمار می رود.

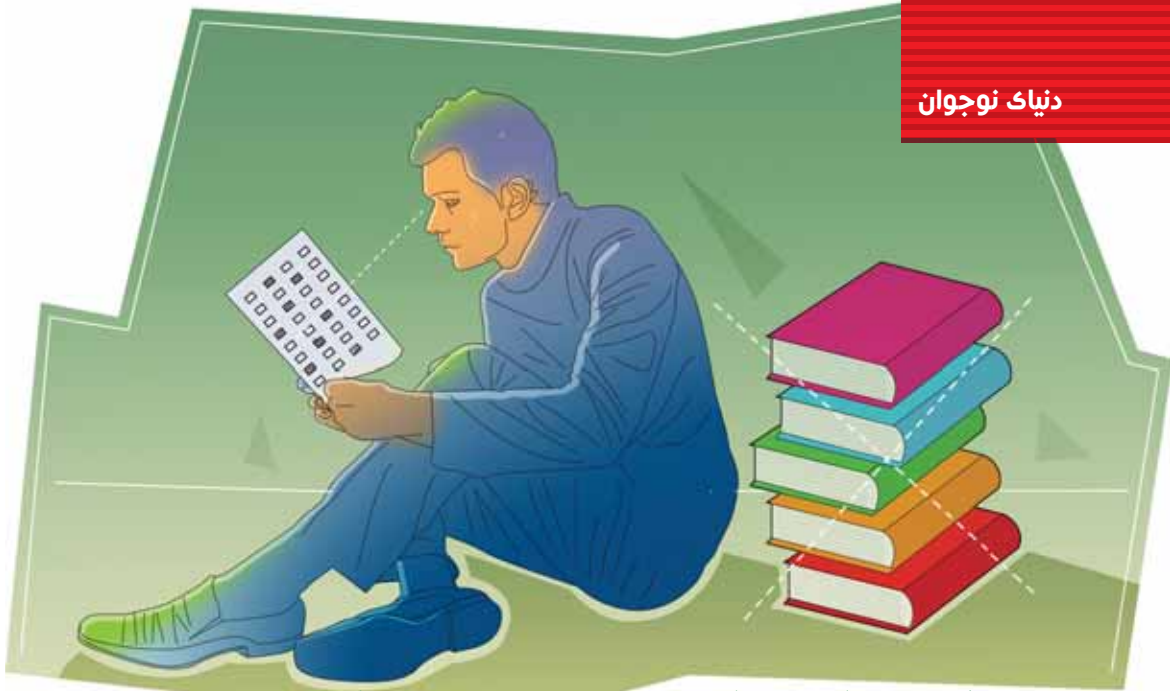
استاد دکتر غلامحسین مصاحب، در ۲۱ مهرماه ۱۳۵۸، در حالی که مشغول تصحیح نمونه چاپی مجلد دوم تئوری مقدماتی اعداد بود و آخرین صفحه آن را نیز تصحیح کرده بود، به مرگی ناگهانی در گذشت. روانش شاد باد.



ریاضیات

مصاحب را به درستی پدر ریاضیات جدید در ایران خوانده اند، چه وی برای نخستین بار نه تنها مفاهیم و اصول این علم، بلکه بخش بزرگی از آن را به ایران آورد و در دانش سرای عالی، که خود استاد آن بود، تدریس کرد. در ادامه نیز «مؤسسه عالی ریاضیات مصاحب» را بنیاد نهاد که با پذیرش دانشجویان نخبه و دستچین در آن، طی چند سال، حدود ۷۰ استاد ریاضی برجسته تحویل دانشگاه های ایران داد. دستاورد تألیفی مصاحب در این رشته نیز اعجاب انگیز است. وی کتاب «مدخل منطق صورت» را در ۷۰۰ صفحه (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴) و دو مجلد، و کتاب «آنالیز ریاضی، تئوری مقدماتی اعداد» را به ترتیب در ۱۳۹۵ صفحه و ۱۸۰۲ صفحه، در سال های ۱۳۵۳ تا ۵۸ منتشر کرد. این دو کتاب هنوز در نوع خود از منابع دانشگاهی منحصر به فرد به شمار می روند. ناگفته نگذاریم که مصاحب در احداث سد کرج نیز سهمی مهم به عهده دارد؛ وی، قبل از پرداختن به دایرةالمعارف، معاون فنی ساخت سد کرج بود.

مصاحب را به درستی پدر ریاضیات جدید در ایران خوانده اند، چه وی برای نخستین بار نه تنها مفاهیم و اصول این علم، بلکه بخش بزرگی از آن را به ایران آورد و در دانش سرای عالی، که خود استاد آن بود، تدریس کرد



اشتباهات امتحانی

ریحانه ایزدی

درس خواندن لذت بیشتری می‌بردید. مواردی که در پی می‌آید، همه خطاهای آمادگی برای آزمون را دربرنمی‌گیرد، ولی امیدواریم همین موارد هم در آموزش مهارت درس خواندن به دانش‌آموزان مفید باشد. خطاهای ده‌گانه موردنظر عبارت‌اند از:

۱) نداشتن برنامه مطالعاتی شخصی

اگر دانش‌آموزان برای اینکه چه چیز را و چه زمانی مطالعه کنند، برنامه‌ریزی نکنند و برای آن وقت نگذارند، در صف افراد غیرآماده قرار می‌گیرند. آن‌ها ساعات محدودی را در اختیار دارند، بنابراین، باید برای خود برنامه‌ریزی زمانی داشته باشند و برای مطالعه درس‌ها و در عین حال خواب، استراحت و تفریح، زمان کافی در نظر بگیرند. وقتی برنامه تنظیم شد، باید به آن پای‌بند باشند.

کلید هر برنامه مطالعاتی خوب، آمادگی همیشگی برای امتحان به‌عنوان یک فرایند مداوم است نه فعالیتی کوتاه و شدید در انتهای نیم‌سال. لازم است در طول ترم حداقل یک بار در هفته تمام یادداشت‌ها، خلاصه‌برداری‌ها و نکات مهم را مرور کنند. این کار تضمین می‌کند که نکات مهم را، در هنگام امتحان، در ذهن خود آماده و تازه داشته باشند. برای تهیه هر برنامه مطالعاتی شخصی، باید ملاحظات را در نظر گرفت:

گذشته از فشارها و خستگی‌های جسمانی ایام امتحانات، دانش‌آموزان تحت تأثیر فشارهای روانی نیز هستند. زیرا آنان غالباً و به‌درستی بر این باورند که حاصل تمام تلاش‌هایشان برای یادگیری، با امتحان ارزیابی می‌شود؛ لذا امتحان را نقطه‌ای بحرانی برای اثبات شایستگی‌شان می‌دانند.

در این مقاله قصد داریم درباره اشتباهاتی سخن بگوییم که دانش‌آموزان در هنگام آماده‌سازی خود برای امتحانات مرتکب می‌شوند. امید است از این طریق، و در واقع از طریق شما همکاران و خوانندگان مجله، بتوانیم مهارت‌های مؤثرتر آمادگی برای امتحان را به آن‌ها بیاموزیم و کمکشان کنیم تا از یک‌سو اضطراب قبل از امتحان را در خود مدیریت کنند و از سوی دیگر با کسب موفقیت در امتحانات، از فشار روانی حاصل از احساس ناتوانی و نداشتن شایستگی رهایی یابند.

ده خطای دانش‌آموزان در آمادگی برای امتحان

شاید به یاد می‌آوردید که وقتی دانش‌آموز بودید، به‌خاطر نداشتن مهارت‌های مؤثر در مطالعه درس‌ها مجبور بودید به‌طور طاقت‌فرسا تلاش کنید و برای آماده‌سازی خود برای امتحانات دست به آزمون و خطا بزنید. چه‌بسا اگر آن زمان معلم دلسوزی پیدا می‌شد و شما را راهنمایی می‌کرد، دیگر امتحان برایتان یک کابوس نبود و شما هم از

کلید هر برنامه مطالعاتی خوب، آمادگی همیشگی برای امتحان، به‌عنوان یک فرایند مداوم، است نه فعالیتی کوتاه و شدید در انتهای نیم‌سال

اولویت‌بندی

لازم است بچه‌ها ابتدا مهم‌ترین مطالب را مشخص و مطالعه کنند. مثلاً باید حساب کنند از امروز تا شروع امتحانات، با متوسط روزی ۳ تا ۴ ساعت مطالعه، چه میزان زمان در اختیار دارند تا از این زمان عاقلانه استفاده کنند. اگر چه فرمول ثابت و محکمی برای چگونگی تقسیم وقت وجود ندارد، اما بازخورد معلمان و نتایج امتحانات کلاسی، نشانه‌های واضحی به‌دست خواهد داد که کدام موضوعات نیازمند بیشترین توجه هستند.

عقب ماندن از برنامه‌ریزی

چگونگی نگاه دانش‌آموزان به برنامه مطالعاتی‌شان، به اندازه طراحی خود برنامه مطالعاتی اهمیت دارد. زندگی جریبان دارد و روزهایی خواهد آمد که فرد نمی‌تواند طبق برنامه مطالعاتی پیش برود. پس سرزنش کردن خود به‌خاطر پیروی نکردن از برنامه کمکی نمی‌کند، بلکه فقط به پیشرفت مطالعه صدمه می‌زند. در عوض، باید پیش‌بینی لازم برای چنین روزهایی هم صورت بگیرد و برنامه انعطاف‌پذیری داشته باشد.

تکیه بر مطالعه منفعلانه

مطالعه دو شکل است: منفعل و فعال. در روش منفعل، مواد درسی را که به فرد می‌دهند باید بخواند. مثل خواندن از روی یک مطلب. اما کارهایی که خود دانش‌آموز انجام می‌دهد مانند یادداشت‌برداری، حل نمونه سؤال، مرور فلش کارت و... از روش‌های مطالعه فعال هستند. دانش‌آموزان باید مطمئن شوند میزان مطالعه فعال آن‌ها بیشتر از مطالعه منفعلشان است.

استفاده نکردن از شیوه‌های مؤثر

برای اینکه یادگیری مؤثر باشد سبک‌ها و روش‌های متفاوتی وجود دارند و هر کس به سبک خود می‌تواند بهترین یادگیری را داشته باشد. مشکل اینجاست که بسیاری از دانش‌آموزان با این سبک‌ها آشنا نیستند و بیشتر اوقات سبک نامناسب و غیرمؤثری را برای خود برمی‌گزینند. معلمان می‌توانند با مطالعه کتاب‌هایی درباره «سبک‌های یادگیری» و انتقال آموخته‌ها به دانش‌آموزان خود، آن‌ها را به انتخاب سبک یادگیری دلخواه خود رهنمون شوند.

تمرکز بر نقاط قوت به‌جای

نقاط ضعف

ما دوست داریم روی چیزهایی زمان بگذاریم که به آن‌ها علاقه داریم، همه ما تقویت و پاداشی را که در پی خوب انجام دادن کاری نصیبمان می‌شود، دوست داریم. وقتی خودمان در حال مطالعه هستیم، تمایل داریم با بیشتر کار کردن در زمینه‌هایی که خوب بلدیم، آن تقویت مثبت را دریافت کنیم. این شیوه سبب می‌شود کمتر فکر کنیم و به سؤال‌ها راحت‌تر پاسخ دهیم. در نتیجه «اعتمادبه‌نفس کاذب» ما افزایش می‌یابد!

دانش‌آموزان اگر این موضوع را بدانند، با کار کردن روی تمام حوزه‌های مهم در هر بخش از درس، می‌توانند به ارزیابی واقعی نقاط قوت و ضعفشان بپردازند. این کار کمک می‌کند با تمرکز روی بخش‌های مهمی که در آن‌ها به کمک بیشتری نیاز دارند، نمره بهتری کسب کنند. همچنین، انجام یک نمونه آزمون در شروع مطالعه، به آن‌ها کمک می‌کند ارزیابی دقیق‌تری از بخش‌هایی که به کار بیشتری نیاز دارد، به‌دست آورند. این کار همچنین کمک می‌کند برنامه مطالعاتی شخصی‌تری طراحی کنند.

بحث نکردن درباره موضوعات

درسی با دیگران

اگر درباره آنچه در حال آموختنش هستیم، با دیگران گفت‌وگو و مباحثه کنیم، درک بسیار بهتری از آن مطلب به‌دست خواهیم آورد. این کار به ما کمک خواهد کرد ارتباطی بین مباحث بیابیم، چشم‌انداز جدیدی کسب کنیم و مطالب را بهتر بفهمیم.

استراحت ندادن به خود

یکی از اشتباهاتی که دانش‌آموزان بسیار باانگیزه انجام می‌دهند، فشار بیش از حدی است که برای مطالعه به خود می‌آورند. باید به آن‌ها یادآوری کرد که این کار مثل ورزش کردن نادرست است. اگر کسی هر روز با حداکثر توان ورزش کند، به‌جای توان‌افزایی، به فرسایش و افت بدنی مبتلا خواهد شد. بدن انسان برای استراحت و تجدید قوا، پس از تمرین، به فرصت نیاز دارد تا در قوای بدنی و تناسب اندام پیشرفت کند.

مطالعه برای امتحان تمرین ذهنی سنگینی است. از این‌رو دانش‌آموزان باید به ذهنشان هم فرصتی برای استراحت و تجدید قوا بدهند. گاهی دانش‌آموزان از درس خواندن خسته می‌شوند اما تا می‌خواهند استراحت کنند، به‌خاطر مطالعه نکردن، احساس

اگر بعد از هر

نیم یا یک

ساعت مطالعه،

استراحت کوتاهی

داشته باشیم،

مطالب را بهتر

به‌خاطر

خواهیم سپرد



**معلمان می توانند
با مطالعه
کتاب‌هایی درباره
«سبک‌های
یادگیری» و
انتقال آموخته‌ها
به دانش‌آموزان
خود، آن‌ها را
به انتخاب
سبک یادگیری
دلخواه خود
رهنمون شوند**

بالا ترین ظرفیت خود ضروری است.

۸ سخت مطالعه کردن به جای هوشمندانه مطالعه کردن

برای هر دانش‌آموز، همیشه چندین عنوان درس مطالعه کردنی وجود دارد. دانش‌آموزی که بخواهد تمام مطالب همه کتاب‌ها را بخواند، زمان و انرژی زیادی را تلف خواهد کرد. برای کسب موفقیت در تحصیل، تلاش شرط لازمی است، اما هرگز کافی نیست. کلید موفقیت، تلاش هوشمندانه است.

از دانش‌آموزان پرسید آیا مثلاً مطالعه مقدمه همه فصل‌ها مهم است؟ آیا مجبورند تمام مثال‌های یک فصل را بخوانند، در حالی که قبلاً آن فصل را به‌طور کامل یاد گرفته‌اند؟ بعضی دانش‌آموزان با وجود مطالعه زیاد، نتایج خوبی که نشان‌دهنده تلاش زیادشان باشد، نمی‌گیرند. این می‌تواند حاکی از مطالعه غیرهوشمندانه باشد. به دانش‌آموزان بیاموزید، با تمرکز بر موضوعات مهم و مطالبی که در آن ضعف دارند، وقتشان را عاقلانه صرف کنند.

۹ تمرین نکردن به اندازه کافی

در زمان تحصیل ما، به‌دست آوردن نمونه‌های سؤالات امتحانی کار سختی بود. اما امروزه به لطف حضور مؤسسات بسیار زیاد آموزشی که به انتشار کتاب‌های کمک درسی مشغول‌اند، این کار اصلاً سخت نیست. جواب دادن به نمونه‌های سؤالات امتحانی، فرصت بی‌نظیری برای تمرین است، چرا که معمولاً ساختار مشابهی با آنچه در امتحان می‌آید دارند.

۱۰ ترس از اشتباه کردن

اشتباه کردن یکی از لوازم یادگیری است. این مفهوم یکی از بنیادی‌ترین آموزه‌هایی است که دانش‌آموزان باید یاد بگیرند. بسیاری از دانش‌آموزان به‌هنگام مرور، تقلب می‌کنند و یادداشت‌هایشان را به‌کار می‌گیرند تا اشتباه نکنند. اگرچه با این کار احتمالاً به‌بیشتر نمونه سؤالات پاسخ درست می‌دهند، اما فرصت ارزشمند بررسی آنچه را نمی‌دانند، چرایی آن و چگونگی اصلاح آن را از دست خواهند داد. به دانش‌آموزان بیاموزید که هر کسی اشتباه می‌کند، اما درس گرفتن از اشتباهات خیلی مهم است. باید از اشتباهاتمان درس بگیریم و دلیل اشتباه را بیابیم تا دوباره آن را تکرار نکنیم.

گناه می‌کنند. خود این احساس باعث استرس و اضطراب بیشتر می‌شود. بعد از این فاصله که در واقع استراحتی هم در آن صورت نگرفته است نیز اصلاً احساس آرامش ندارند. در حالی که اگر برای استراحت روزها یا زمان‌هایی درون برنامه مطالعاتی‌شان بگنجانند، واقعاً می‌توانند در فواصل استراحتشان که مطالعه نمی‌کنند، آرامش داشته باشند و اجازه دهند ذهنشان آرام و فارغ از استرس شود. این کار همچنین این فایده را دارد که به ذهن اجازه می‌دهد مطالبی را که قبلاً مطالعه شده است جذب کند.

استراحت‌های کوچک در خلال مطالعه، ذهن را برای یادگیری بیشتر فریب می‌دهد. بچه‌ها علاوه بر داشتن یک یا دو روز استراحت در هفته، به برنامه‌ریزی زنگ تفریح‌هایی در خلال مطالعه‌شان نیز نیاز دارند. مطالعات نشان می‌دهد، اگر بعد از هر نیم یا یک ساعت مطالعه، استراحت کوتاهی داشته باشیم، مطالب را بهتر به‌خاطر خواهیم سپرد.

ذهن انسان همچنین تکالیف ناتمام را بهتر از تکالیف کامل شده به یاد می‌آورد، چرا که ذهن اصولاً برای تفکر درباره تکلیفی ناتمام، نسبت به تکلیف کامل، زمان بیشتری صرف می‌کند. بنابراین، دانش‌آموزان می‌توانند از این شیوه کار مغز استفاده کنند تا بهتر درس‌ها را به‌خاطر بسپارند. می‌توانند وقتی برنامه مطالعاتی‌شان را طراحی می‌کنند، برای هر ۳۰ تا ۶۰ دقیقه مطالعه، استراحتی ۵ تا ۱۰ دقیقه‌ای قرار دهند و همچنین سعی کنند قبل از هر استراحت، مطلب را نیمه‌کاره رها کنند.

۷ نداشتن خواب کافی و منظم

اجتناب از این اشتباه بسیار ساده است. دانش‌آموزان باید هر شب در هفته‌های منتهی به امتحان، هفت ساعت کامل بخوابند تا در روز امتحان کاملاً پرنرژی باشند. گاهی به‌نظر می‌رسد راه حل داشتن زمان بیشتر برای مطالعه، کمتر خوابیدن است؛ اما این درست نیست. خواب در خلال کل برنامه امتحانی مهم است، چرا که چند روز طول می‌کشد تا سازوکار شبانه‌روزی بدن (که روی چرخه خواب، آزادسازی هورمون‌ها و دیگر کارکردهای بدن تأثیر دارد) تنظیم شود. پس این باور که فقط باید همان شب امتحان خواب خوبی داشته باشیم، اشتباه است.

عقل سالم در بدن سالم است. پس ورزش منظم، خواب کافی، غذای سالم و آرامش، همگی برای قادر ساختن دانش‌آموز به‌منظور دستیابی به



کلید موفقیت در آموزش و پرورش اندونزی

دکتر نیره شاه محمدی



صلاحیت آموزشی

بر اساس این دسته از صلاحیت‌ها، لازم است معلم:
 < توانایی درک سبک یادگیری، ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، عاطفی، اخلاقی و معنوی دانش‌آموزان خود را داشته باشد.

< از میزان آمادگی‌های جسمی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، عاطفی و فکری دانش‌آموزان برای یادگیری و استفاده درست از منابع، آگاه باشد.
 < داده‌های جمع‌آوری شده در مورد ویژگی‌های هر یک از دانش‌آموزان را تجزیه و تحلیل و از نتایج آن‌ها برای انتخاب روش‌های تدریس مرتبط استفاده کند.

< از روش‌های متناسب با نیازهای رشدی و نگرش دانش‌آموزان بهره گیرد.

< راهبردهای انگیزشی متناسب با رشد شناختی دانش‌آموزان را به کار برد.

< ناتوانی‌های فیزیکی، فکری و عاطفی دانش‌آموزان خود را شناسایی و در صورت لزوم آن‌ها را به افراد ذی‌صلاح گزارش کند.

< استعدادها و دانش‌آموزان خود را بشناسد.

< عوامل و روش‌هایی را که در دانش‌آموزان دارای مشکل روحی ایجاد انگیزه می‌کنند، شناسایی کند.

یکی از سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اساسی نظام آموزشی در کشور اندونزی، دستیابی کلیه شهروندان به تعلیم و تربیت است. در جهت تحقق این امر، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های آموزشی این کشور، توسعه و تربیت منابع انسانی کارآمد در نظر گرفته شده است، زیرا این کار به تحول و توسعه اقتصاد کشور می‌انجامد. در این میان، معلمان، به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گروه از منابع انسانی، مسئولیت تربیت منابع انسانی آینده را به عهده دارند و کیفیت آموزش و پرورش را تضمین می‌کنند. از این رو، تربیت معلمان با صلاحیت و کارآمد جزو اهداف و اولویت‌های نظام آموزشی کشور اندونزی محسوب می‌شود. در اندونزی، معلم با صلاحیت فردی است که بر مبنای «قانون معلمان» این کشور چهار دسته شایستگی اصلی را داشته باشد. این چهار دسته عبارت‌اند از صلاحیت‌های آموزشی، فردی، حرفه‌ای و اجتماعی.

< بند ۱۳ از راهبردهای کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز به توسعه مستمر شایستگی‌ها و توانمندی‌های اعتقادی، تربیتی، علمی و حرفه‌ای فرهنگیان اشاره دارد.



**معلمان، به عنوان
مهم‌ترین و
تأثیرگذارترین
گروه از منابع
انسانی، مسئولیت
تربیت منابع
انسانی آینده
را به عهده
دارند و کیفیت
آموزش و پرورش
را تضمین می‌کنند**

➤ دانش‌آموزان دارای مشکلات روحی و روانی را راهنمایی کند.

➤ در آموزش‌هایی که در طراحی فعالیت‌های خاص برای دانش‌آموزان با استعداد و دانش‌آموزان معلول، به آن‌ها کمک می‌کند، شرکت کند.

➤ ضرورت توجه به آموزش معلمان در راهکار ۴-۱۵ از هدف عملیاتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز اشاره شده است، این راهکار بر دانش‌افزایی مستمر معلمان در حین خدمت و ارتقای شأن و منزلت فرهنگی و اجتماعی آن‌ها تأکید دارد.

➤ مشکلات خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان را بشناسد.

➤ خانواده، جامعه و زمینه‌های فرهنگی دانش‌آموزان را درک کند.

➤ شرایط دانش‌آموزان خود را تجزیه و تحلیل کند و فرایند یاددهی‌یادگیری را با آن‌ها تطبیق دهد.

➤ خانواده و زمینه اجتماعی دانش‌آموزان را ارزیابی کند.

➤ مشکلات دانش‌آموزان خود را درک کند.

➤ توانایی تسهیل رشد توانایی‌های بالقوه دانش‌آموزان را داشته باشد. برای این کار لازم است: توانایی‌های بالقوه دانش‌آموزان را بررسی و بازشناسی کند، برنامه توانمندسازی و رشد توانایی‌های بالقوه دانش‌آموزان را طراحی کند، به کار گیرد و ارزیابی کند، برنامه‌ها و منابع موجود را برای رشد توانایی‌های بالقوه دانش‌آموزان بهینه‌سازی کند.

➤ با نگاهی به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران درمی‌یابیم که راهکار ۱-۱ بر متناسب‌سازی حجم و محتوای کتاب‌های درسی و ساعات و روزهای آموزشی با توانمندی‌ها و ویژگی‌های دانش‌آموزان تأکید دارد.

➤ با نظریه‌ها و اصول یادگیری آشنا باشد و بتواند فرایند یادگیری مرتبط آن‌ها را توسعه بخشد. برای این کار، مبانی فلسفه یادگیری را بررسی و به کار گیرد، نظریه‌ها و اصول طراحی برنامه آموزشی برای یادگیرندگان را ارزیابی و به کار گیرد، مدل‌های مختلف آموزش و یادگیری نوآورانه را در طراحی درس‌ها به کار گیرد و ارزیابی کند، از انواع رویکردها و روش‌های راهبردی در طراحی درس استفاده کند.

➤ از برنامه‌های درسی که دانش‌آموزان را به مشارکت در فرایند یادگیری تشویق می‌کنند، استفاده کند. برای این کار لازم است برنامه‌های درسی خلاق و متنوع تولید و آن‌ها را تحلیل کند، موضوعات مناسب برای درس‌ها انتخاب کند و از

طیف وسیعی از رسانه‌های آموزشی مناسب برای طراحی درس موقعیت‌محور استفاده کند.

➤ بند ۳-۳ از اصول حاکم بر برنامه‌های درسی در سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران نیز تأکید دارد که برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه دانش‌آموز در فرایند یاددهی‌یادگیری و تربیت‌پذیری توجه کند و زمینه تقویت و توسعه روحیه پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و کارآفرینی را در وی فراهم سازد.

➤ فرایند یادگیری را با کیفیت بالا طراحی و اجرا کند. برای این کار لازم است از انواع مدل‌های درسی و اصول و نظریه‌های آموزشی برای آموزش به دانش‌آموزان استفاده کند و مدل‌های مختلف ارائه درس‌ها را برای استفاده دانش‌آموزان ارزیابی کند.

➤ مهارت‌های آموزشی مناسب را به کار برد، فعالیت‌های یادگیری را به گونه‌ای طراحی کند که به انگیزه دانش‌آموزان بیفزاید. همچنین روش‌های تدریس را با توجه به ویژگی‌های دانش‌آموزان طراحی کند.

➤ در دوره‌های آموزشی که به شناخت بیشتر درس‌ها و شیوه‌های مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یادگیری می‌انجامد، شرکت کند.

➤ از مدل‌های ارائه درس‌ها به شیوه فعال، خلاق، مؤثر و سرگرم‌کننده استفاده کند.

➤ از مدرسه به عنوان یک آزمایشگاه درس برای به حداکثر رساندن یادگیری دانش‌آموزان استفاده کند.

➤ با توجه به اهمیت محیط یادگیری، هدف‌های عملیاتی ۶ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز بر تنوع‌بخشی به محیط‌های یادگیری در فرایند تعلیم و تربیت رسمی عمومی اشاره دارد.

➤ برای یادگیری فردی، با توجه به نیازهای دانش‌آموزان، راهنمایی‌هایی ارائه دهد.

➤ یادگیری دانش‌آموزان خود را به گونه‌ای مدیریت کند که در به حداکثر رساندن توانایی‌هایشان به آن‌ها کمک کند.

➤ توانایی ارزیابی فرایندها و نتایج یادگیری را داشته باشد. برای این کار از نظریه‌های آموزشی، فرایندها، روش‌های ارزیابی آموزش و شیوه‌های استفاده از نتایج یادگیری برای بهبود یادگیری دانش‌آموزان آگاهی داشته باشد، ابزارهای متفاوتی چون ابزارهای ارزشیابی را تهیه و از آن‌ها در طرح درس خود به منظور دستیابی به اهداف آموزشی استفاده کند و به منظور تعیین میزان آموخته‌های دانش‌آموزان در فرایند تدریس خود از ارزشیابی بهره گیرد.



صلاحیت فردی

بر اساس این دسته از صلاحیت‌ها لازم است معلم:

- فردی مقاوم، سازگار، بالغ، عاقل و قابل احترام باشد. نتایج یادگیری را ارزشیابی و انتقادات و پیشنهادهای لازم را در زمینه آن‌ها ارائه دهد، به‌طور مداوم در تلاش برای بهبود توانمندی‌ها و رشد حرفه‌ای خود باشد، اعمال خود را ارزیابی و از قوانین اطاعت کند، خودکنترلی را تمرین و به‌طور منطقی به حل و فصل مشکلات خود بپردازد، و مسئولیت اعمال خود را بپذیرد.

- به‌عنوان الگو و عضوی برجسته از جامعه خدمت کند.

- انگیزه خود را بالا ببرد و نگرش معقولانه‌ای نسبت به اطراف خود داشته باشد.

- خودانگیزه باشد و ایمان عمیق به خدا داشته باشد.

- برای دانش‌آموزان الگو باشد.

- با نگاهی به بند ۷ از فصل دوم بیانیه ارزش‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران درمی‌یابیم که بند مذکور نیز به نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی تأکید دارد.

- عملکرد خود را ارزیابی کند.

- نقاط قوت و ضعف خود و کارش را ارزیابی کند.

- انتقادات و پیشنهادات دانش‌آموزان را بپذیرد.

صلاحیت حرفه‌ای

بر اساس این دسته از صلاحیت‌ها لازم است معلم:

- به‌طور مستمر خود را از نظر حرفه‌ای رشد دهد.
- برای ارتقای دانش، مهارت‌ها و شخصیت خود از منابع آموزشی متنوعی بهره گیرد.

- در فعالیت‌های مختلفی که به رشد حرفه‌ای او کمک می‌کند، شرکت کند.

- بر موضوع درس و روش‌های تدریس آن تسلط داشته باشد.

- محتوای موضوع تدریس را بررسی کند و آن را بفهمد.

- از روش‌های مناسب برای آموزش موضوعات درسی استفاده کند.

صلاحیت اجتماعی

بر اساس این دسته از صلاحیت‌ها لازم است معلم:

- توانایی برقراری ارتباط مؤثر با والدین

دانش‌آموزان یا سرپرستان آن‌ها، همکاران و دیگر اعضای جامعه را داشته باشد.

- راهکار ۴-۴ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز بر افزایش میزان مشارکت خانواده‌ها در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدرسه تأکید دارد.

- اصول برقراری ارتباط مؤثر و شفاف را بداند.

- به‌طور مؤثر و واضح با دیگران ارتباط برقرار کند.

- مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان خود را ارزیابی کند.

- به توسعه مدرسه و جامعه کمک کند.

- برای گسترش آموزش‌های مدرسه‌ای برنامه‌های متعدد تهیه کند.

- در سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی برنامه‌های مختلف در سطح مدرسه و جامعه مشارکت کند.

- به توسعه آموزش و پرورش در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی کمک کند.

- مشکلات آموزشی را در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی شناسایی و تجزیه و تحلیل کند و راه‌حل‌هایی برای برطرف کردن آن‌ها ارائه دهد.

- برنامه‌های آموزشی مناسب در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی طراحی کند.

- توانایی به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات برای برقراری ارتباط با دانش‌آموزان و توسعه فردی خود را داشته باشد.

- ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات را ارزیابی کند.

- بند ۷ از راهبردهای کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بر بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی تأکید کرده است.

با عنایت به آنچه ذکر شد، یکی از اساسی‌ترین تغییرات نظام آموزشی در اندونزی به حرفه معلمی مربوط می‌شود، زیرا دست‌اندرکاران نظام آموزشی معتقدند راهکارهایی آموزشی که معلم در فرایند یاددهی-یادگیری به کار می‌برد، اساسی‌ترین و مهم‌ترین نقش را در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارند. یادگیری فعال، پویا و خلاق، مستلزم دگرگونی در روش‌ها، نگرش‌ها و راهبردهای آموزش در کلاس است و این امر محقق نمی‌شود، مگر از طریق جذب و تربیت معلمان توانمند. از این‌رو، توانمندسازی معلمان برای ایفای نقش جدید خود در دنیای پرشتاب امروز، اهمیت و ضرورت خود را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

* منابع

1. MONE (2010). Draft of Guidelines for Continuous Professional Development for Teachers. Indonesia: Ministry of National Education.
2. MONE (2008). Teacher Certification in Indonesia. Indonesia: Ministry of National Education.

جوش مربانی

فرشته سراج
دبیر زبان انگلیسی سمنان

دیدار در خانه بعد از بیست سال

اولین بار با تردید به این موضوع نگاه کردم. به نظرم غیرعملی می‌آمد. نمی‌شد بچه‌ها و استادان را گرد هم آورد. اما ایمان دوست عزیزم خانم **محترم زواره‌ای** به عملی بودن این موضوع، مرا واداشت بخشی از خلق این داستان به یادماندنی را بپذیرم. او مسئول شد بچه‌ها را پیدا کند و من مسئول یافتن استادان و تدارکات اجرایی شدن این آرزو در سمنان، محلی که دوران تربیت معلم را در آن گذرانده بودیم، شدم. محترم با کمک تعداد معدودی از بچه‌ها که هنوز با آن‌ها در ارتباط بود، توانست حدود ۹۰ نفر از بچه‌ها را پیدا کند و چنین تصمیمی را به آن‌ها اطلاع دهد. باور کردنی نبود، انگار این رویا آرزوی همه آن‌ها بود! همه بچه‌ها با شور و شوقی وصف‌ناشدنی این دعوت را پذیرفتند. و اما خودم که با قدم‌های مردد شروع کرده بودم، هر چه پیش می‌رفتم، گام‌هایم استوارتر شد. اول از همه برایم استادان مهم بودند. از آنجا که در سمنان بودم، می‌توانستم آن‌ها را پیدا کنم. جالب بود که شماره تماس هیچ‌کدام از آن‌ها را نداشتم و هر یک را به گونه‌ای یافتیم. اول تلفنی موضوع را به آن‌ها خبر دادم. عکس‌العمل هر کدام به نوبه خود بسیار جالب و شیرین بود. بعضی باورش نمی‌شد که ما چنین برنامه‌ای داریم، بعضی دیگر بسیار هیجان‌زده و خوشحال می‌شدند که واقعاً حتی بعد از بیست سال، دانشجویانشان چنین قدر شناسند. موضوع مشترک بین همه عکس‌العمل‌ها حس زیبایی بود که در من به‌عنوان کسی که مسئول اطلاع‌رسانی به آن‌ها بودم، نوری از امید و شوری در دل به وجود آورد که می‌دیدم این کار آن قدر بزرگ و ارزشمند بوده که همه بدون استثنا، از استادان تا

بی‌شک آنان که دوره تربیت معلم را سپری کرده‌اند و حداقل دو سال از عمرشان را در یکی از مراکز تربیت معلم گذرانده‌اند، به خوبی حلاوت خاص این دوره را، که فقط تجربه کردنی است، چشیده‌اند. لحظه لحظه تربیت معلم برای تربیت معلمی‌ها خاطره است و به نوعی درس زندگی. از استادان نازنین و گرانقدرش گرفته، که شور معلمی را نه در کتاب و کلاس بلکه در خون و شخصیتشان می‌شد یافت، تا کارکنان آموزش و دفتر و ریاست که دقت نظر و وسواس خاصی در تربیت معلمانی داشتند که به آن‌ها سپرده شده بودند. در هر صورت، ۷۳۰ برگ از زندگی افرادی چون ما به آزمودن چنین تجربیاتی گذشت. مرور این خاطرات شیرین، و گاه تلخ، این رویا را به وجود می‌آورد که ای کاش می‌شد به آن سال‌ها برگشت و حس و حال آن ایام را زنده کرد! به یقین، تحقق چنین رویاهایی کمی دور از ذهن و دشوار می‌نماید. اما اگر شیرینی‌های آن ماندگار باشد و لحظه لحظه‌هایش زنده، تو را به این سو می‌کشاند که آستین همت بالا بزنی و هرطور شده این رویا را به واقعیت تبدیل کنی.

مادانجویان رشته زبان انگلیسی مرکز تربیت معلم «الزهرای سمنان» در سال‌های ۷۴-۱۳۷۱ بعد از بیست سال، و بعد از ۷۳۰۰ روز، این واقعیت را خلق کردیم و بدون هیچ اغراق و غلوی، صحنه‌هایی زیبا و به یادماندنی برای یکدیگر ساختیم. خلق این قصه قشنگ با این موضوع شروع شد که دوست عزیزی به خود جرئت داد و این دل‌خواسته را مطرح کرد که ای کاش می‌شد بتوانیم دوستان و استادان آن دوران را ببینیم. خلاصه اینکه «ای کاش می‌شد یک روز را دوباره با هم باشیم».

مسئولان تربیت‌معلم و دانشجویان، از آن به گرمی استقبال کرده‌اند. در بین این همه شیرینی باید بگویم دو موضوع تلخ وجود داشت و آن هم اینکه ما دو نفر از استادان را از دست داده بودیم؛ استادان **صابریان** و خانم **عبدوس**. آنچه این موضوع را تلخ‌تر می‌کرد، خاطرات خوب و درس‌های تأثیرگذاری بود که ما با این دو عزیز داشتیم.

بعد از هماهنگی با استادان، نوبت به این رسیده بود که جایی را برای گردهمایی در نظر بگیریم. با همکاری تمام دوستان و بعد از ارزیابی‌ها و مشورت‌های گوناگون، محل دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی، به عنوان مکان همایش در نظر گرفته شد. نکته بسیار مهم و کلیدی که بی‌شک در برپایی این گردهمایی خاطره‌انگیز نقش داشت، استقبال، همراهی و همکاری ریاست محترم دانشگاه، آقای **حیدری‌لقب** بود، که اگر همراهی ایشان بابت در اختیار قرار دادن تمامی فضای مورد نیاز ما نبود، بی‌گمان نمی‌توانستیم این داستان را واقعی کنیم.

خلاصه تدارکات مهمانی با زنجیره همیاری تک‌تک افرادی که در بالا ذکر کردم، تکمیل و عملی شد. روز موعود، ۴ تیر ۱۳۹۳، در حال رسیدن بود. استادان، مهمانان، دوستان و یاران قدیمی همه دعوت شده بودند و هزینه‌ها از طرف خود مهمان‌ها تأمین شده بود. فضا و مکان هم آماده بود. لحظه‌شماری می‌کردیم تا زمان دیدار فرا برسد. از ساعت ۸ صبح با دیگر دوستان میزبان در محل دانشگاه حاضر شدیم و منتظر مهمانان. اولین مهمان ساعت ۸:۳۰ وارد شد و پس از او، دوستان و یاران قدیمی یکی‌یکی از راه رسیدند. آنچه بسیار زیبا و دیدنی بود، عکس‌العمل‌های مهمانان در مواجه شدن با همدیگر بود. خنده، اشک، هیجان، تعجب، دست دادن‌ها و بوسیدن‌ها این لحظه‌های دیدار گوارا را پر کرد.

دلم می‌خواهد از ورود تک‌تک استادان حرف بزنم؛ از اینکه به یکباره صدای دست و سوت فضای سالن را پر می‌کرد و هنوز آرام نشده، دوباره صدای دست و سوت بلند می‌شد. هر بار با ورود هر استاد، این صحنه تکرار می‌شد. هیجان، شور و شغف دوستان تماشایی و وجدبرانگیز بود.

با اندکی تأخیر برنامه را شروع کردیم. بعضی‌ها هم در حین اجرا به ما پیوستند؛ هر چند که دو نفر از استادان تشریف نیاوردند.

بعد از دیدن استادان، پای صحبت‌هایشان نشستیم...

اگرچه زمان کوتاه بود، اما انگار کلاس‌های

دریشان برایمان زنده شد. مانند همان بیست سال پیش، ما شاگرد شدیم و آن‌ها معلم. جالب بود که آن‌ها اصلاً باورشان نمی‌شد شاگردانی، حتی پس از سال‌ها، آن هم در این دنیای شلوغ، استادان خود را به یاد داشته باشند و حاضر باشند رنج سفر و دیگر مسائل را به جان بخرند و ببینند که هم از معلمان خود قدردانی کنند و هم دوستان خود را ببینند. می‌گفتند، این کار ما حسی از خودباوری و ایمانی راسخ‌تر به شغل معلمی برایشان ساخته بود و حس کرده بودند که به واقع معلمی شغل انبیاست. هرچند از نظر من، این قدردانی از طرف خداوند بود و ما تنها وسیله‌ای بودیم که خودمان هم آن را باور نمی‌کردیم. ارزشمندی و خلوص نیت تک‌تک استادان باعث شده بود خداوند ما را ابزاری در دست زمان قرار دهد تا توجه خود را به آن‌ها نشان دهد.

نمی‌دانم چگونه برایتان بگویم که وقتی استادان روی صحنه می‌آمدند و پشت میکرفون صحبت می‌کردند، چه حس پاک و نابی حکم‌فرما می‌شد! به گمانم تک‌تک مهمانان دلشان می‌خواست زمان بایستد یا نگذرد تا بدون محدودیت با معلمانان حرف بزنیم و باز هم از آن‌ها راهنمایی بخواهیم. زمان اجرای برنامه چنان تند و سریع سپری شد که در همان آغازش به پایان رسید. برنامه با خداحافظی شیرینی رسماً تمام شد. با این دو بیت شعر همدیگر را به خدای مهربانی‌ها و خالق دوستی و عشق سپردیم:

خدای اطلسی‌ها با تو باشد

پناه بی‌کسی‌ها با تو باشد

تمام لحظه‌های خوب یک عمر

به جز دلواپسی‌ها با تو باشد

البته بعد از خواندن نماز جماعت و صرف ناهار، عده‌ای تا چند ساعت ماندند و عکس و شماره گرفتند و خودمانی‌تر صحبت کردند، اما این دقایق هم تمام شد و دوباره خداحافظی بود و جدایی.

ساعت ۱۹، همه آن شور و نشاطی که از ساعت ۸ صبح آغاز شده بود، همه آمدن‌ها، هیجان‌ها، ذوق‌زدگی‌ها و همه تلاش‌های یک ماهه ما به پایان رسید، اما بی‌شک این برگ زرین در دفتر خاطرات زندگی تک‌تک ما ثبت قلبی و ماندگار شد. آری، همه چیز تمام شد، اما نوری از مهربانی، عشق و دوستی، بر صفحه روزگار ماند. در آخر بر خود واجب می‌دانم که از تمام دوستان و یاران قدیمی صمیمانه تشکر کنم؛ خصوصاً خانم محترم زوارای، که فکر اولیه این همایش و بسیاری از هماهنگی‌ها و یافتن‌ها با ایشان بود.

خلیج فارس مال ماست

لیلا حسین پور

آموزگار ناحیه ۳ تبریز

اوایل اردیبهشت ماه بود، بعد از چند ماه آموزش نظامی وظیفه داشتیم خودم را به ناوگان نیروی A دریایی جمهوری اسلامی ایران در آب‌های نیلگون خلیج همیشه فارس معرفی کنیم. از شمال غرب ایران با عشق بی‌نهایت به طرف جنوب ایران رفتیم و خودم را معرفی کردم. صبح اولین روز خدمت همه روی عرشه کشتی حاضر شدیم. برنامه صبحگاهی اجرا شد. ناخدا برای خوشامدگویی و تشریح برنامه‌های ناوگان به عرشه آمد. پشت تریبون رفت و شروع به صحبت کرد تا رسید به کلمه خلیج فارس! من ناخودآگاه از ته دل با صدای بلند فریاد زدم «خلیج فارس مال ماست». یکدفعه به خودم آمدم و دیدم همه به من نگاه می‌کنند. فهمیدم نظم برنامه را به هم زده‌ام (نظم نظامی چیز دیگری است) با اشاره ارشد برای تنبیه از صف خارج شدم. کنار صفا ایستادم. برنامه که تمام شد، ناخدا مرا خواست. در زدم، اجازه خواستم و وارد اتاق شدم. احترام نظامی کردم و ایستادم. ناخدا زیرچشمی نگاهی کرد و پرسید: «بچه کجایی؟»

گفتم: «آذربایجان!»

ناخدا گفت: «من مردم منطقه شما را خیلی دوست دارم. مردمی باغیرت و باایمان هستند. همیشه مایه افتخار ایران هستید، اما چه چیزی باعث شد امروز نظم صبحگاه را به هم بزنید؟»

گفتم: «قربان خیلی شرمندهام، ببخشید. شاید موضوع بچگانه و خنده‌دار باشد، اما دست خودم نبود. وقتی شما بین صحبت‌هایتان به کلمه خلیج فارس اشاره کردید، یکدفعه برگشتم به کلاس اول ابتدایی! قربان جسارت نباشد، احساس کردم معلم کلاس اولم جلویم ایستاده است. وقتی شما کلمه خلیج فارس را به زبان آوردید، طبق عادت آن دوران که می‌گفتم «خلیج فارس مال ماست»، من هم این عبارت را تکرار کردم. ناخودآگاه بود، خیلی عذر می‌خواهم! شرمنده نیستم که این جمله را با صدای بلند گفتم. من به عشق همین جمله که برایم زیبایی خاصی دارد به اینجا رسیده‌ام. خیلی سخت بود، اما لذتش بیشتر بود. باز هم از اینکه نظم مراسم صبحگاهی را به هم زدم معذرت می‌خواهم، ببخشید.»

ناخدا گفت: «برو وسایل و برنامه‌هایت را تحویل بگیر.»

خداحافظی و احترام نظامی کردم و از اتاق ناخدا بیرون آمدم. مأموریت ما شروع شد. کشتی به راه افتاد. چند روز گذشت. از اینکه هر روز صبح را روی عرشه کشتی با پرچم ایران عزیزم در آب‌های نیلگون خلیج فارس شروع می‌کردم، خیلی لذت می‌بردم. هر روز بعد از تمام شدن برنامه‌ها و شروع اوقات فراغت، هر کس یک‌جوری زمان خود را سپری می‌کرد. یک روز که رادیو را روشن کردم، گوینده، دوازدهم اردیبهشت، سالروز شهادت استاد بزرگوار مطهری و روز معلم را تبریک گفت! حالی پیدا کردم. دلم لرزید. اشک در چشمانم حلقه زد و با صدای بلند فریاد زدم: «بله، خانم معلم، خلیج فارس مال ماست!»

امیر از پشت مرا متوجه خودم کرد و با اشاره انگشت بالای عرشه را نشانم داد. ناخدا آنجا بود و از بالا نگاهم می‌کرد. گفتم: «بیا بالا.»

به کابینش رفتم و احترام کردم. پرسید: «علی امروز چه روزی است.»





گفتم: «قربان روز معلم»

گفت: «قرار بود ماجرای را برایم تعریف کنی؟»

گفتم: «قربان من کلاس اول که بودم، معلممان یادمان داده بود که هر روز ده دقیقه قرآن و بعد دست به سینه سرود ملی می‌خواندیم و بعدش هم در حق همه، بخصوص سربازان، دعا می‌کردیم. معلم ما می‌گفت: سربازان کشور ما انسان‌های شجاعی هستند که از مرزها و آب‌های کشورمان حفاظت می‌کنند. او به کلمهٔ خلیج فارس خیلی حساس بود. می‌گفت: کشورهای عربی با همراهی دشمنان ما سعی دارند نام خلیج فارس را با نامی جعلی عوض کنند، اما ما این اجازه را به آن‌ها نمی‌دهیم. در آخر هم با همدیگر فریاد می‌زدیم: خلیج فارس مال ماست!»

ناخدا گفت: «آفرین بر معلمان سرزمین ما. الان روی آب‌های خلیج فارس، تو، به‌عنوان یک سرباز حافظ این آب‌ها، دوست داری چه هدیه‌ای به معلمت بدهی؟»

گفتم: «اگر شما اجازه بدهید فکری دارم!»

ناخدا گفت: «برو ببینم چه می‌کنی. به یاد معلمان، همهٔ بچه‌ها را روی عرشهٔ کشتی جمع کردم. ماجرا را برای آن‌ها هم تعریف کردم و خواستم همه، به احترام روز معلم، صف‌های نظامی را مرتب کنند. در این هنگام متوجه شدم ناخدا هم آمده است.»

گفتم: «قربان دوست دارم روز معلم را با احترام نظامی به همهٔ معلمان تبریک بگویم و در آخر هم جملهٔ زیبای معلم را تکرار کنیم!»

فرمانده جلو ایستاد و گفت: «به احترام همهٔ معلمان ایران عزیز خبر..... دار!»

همه با هم روی آب‌های نیلگون خلیج همیشه فارس فریاد زدیم: روز معلم مبارک! فریاد بلندترمان این بود: خلیج فارس مال ماست!

سکوت زیبا و حیرت‌آوری بعد از فریاد غرش گونهٔ سربازان بر عرشهٔ کشتی و در میان خلیج فارس حاکم شد. سکوتی که هم افتخارآمیز بود و هم اشک را در چهره‌مان جاری ساخت. یک‌بار دیگر ثابت کردیم که: خلیج فارس همیشه خلیج فارس می‌ماند و ایرانیان به هیچ بنی‌بشری اجازه نمی‌دهند نام خلیج فارس را تغییر دهد. زنده‌باد یاد و خاطرهٔ همهٔ معلمان کلاس اول ابتدایی و زنده‌باد یاد و خاطرهٔ تمام جوانمردانی که برای دفاع از آب و خاک سرزمین عزیزمان جنگیدند و شربت شهادت نوشیدند؛ مخصوصاً مردان مردی که با خون سرخ خویش آب‌های نیلگون خلیج فارس را رنگین کردند. روحشان شاد و راهشان ماندگار.





↑ نمای خانه موزه پروفیسور حسابی



→ لوازم فیلم برداری، عکاسی و دستگاه چاپ عکس



→ اولین عینک پروفیسور حسابی

↓ سنگ قبر خروس منزل پروفیسور حسابی، ترجمه متن از فرانسه: اینجا آرامیده است «جی جی»، خواننده باشکوه، رفیق خانه



→ سردر خانه موزه پروفیسور حسابی



← نشانی: تهران، سرپل تجریش، خیابان مقصودییک، خیابان دکتر حسابی، شماره ۴۷

← شماره های تماس: ۰۲۲۰۲۰۰۶ و ۰۲۱-۲۲۲۳۱۶۷۶

← وبگاه: www.hessaby.com/moozeh.htm

لحظه های

در خانه پروفیسور محمود حسابی

شیوا پروین

عکاس: داود زرین گام

خانه موزه شادروان پروفیسور محمود حسابی در شمیران، باغی است که طراوتش را از درگاه علم و معرفت و دانش و روشنایی وام گرفته است. قبل از ورود به خانه کتیبه ای کاشیکاری شده مزین به این کلام سعدی ذهن و زبان تو را به اعماق زبان و ادبیات فارسی می برد:

به جان زنده دلان سعدیا که ملک وجود
نیزد آنکه دلی را ز خود بیازاری
شکوه و شرافت انسان در هر گوشه از خانه
استاد چشم را به تماشا می خواند. هر چه در این
موزه جای گرفته است، قصه ای دارد شنیدنی؛ در
گوشه ای سینی شمع های تولد استاد را می بینی
که استاد رسم نداشت در سالگرد تولدش آن ها را
به خاموشی بکشد و عمرشان را کوتاه سازد.
در قفسه ای تیرکمان دست ساز ایرج، پسر استاد،
که خود می گوید درس حرمت نگهداشتن جان
پرندگان را از پدر آموخته است.

هیچ جانی در این خانه ضایع نگشت. هیچ نامی
فراموش نشد. حتی خروس خانه را یادبودی است
که از معرفت استاد در احترام نهادن به «بانگ»
او، در سحرهایی که به آواز خروس چشم بر صبح
گشوده است، حکایت دارد.

قاب های افتخار از نشان ها و مدال ها دیوار پوش
موزه شده اند. اشتیاق بی پایان استاد حسابی به
یادگیری و مطالعه، حتی در آخرین ساعات حیات،
گواه محکمی است بر «دانشی مرد» بودن آن مرد!
حتی خلوتگاه استاد با دوستانش در آلاچیق
سبز خانه از ابتکارات او بی بهره نمانده است.

و سرانجام در گوشه ای نیز ساعت جیبی
قدرشناس استاد را می بینی که، در همان ساعات
و دقایقی که ضربان قلب استاد از تپیدن بازماند و
ماند و همچنان مانده است.

رمز جدول را، به همراه نام و نام خانوادگی و شماره تماس خود،
به این نشانی بفرستید:
moallem@roshdmag.ir

طراح: غلامحسین باغبان

برای ارسال جواب هر شماره از جدول، تا پایان ماه بعد فرصت دارید.

لازم به ذکر است، اسامی برندگان هشت شماره جدول امسال (۹۴-۱۳۹۳)، در مجله مهرماه سال تحصیلی (۹۵-۱۳۹۴) اعلام می شود.

رمز	کلید موفقیت دانش آموزان در امتحانات	موجب یادگیری بیشتر و تعمیق آن می شوند.	از ارکان مدرسه مناسبیت سالروز شهادت استاد مرتضی مطهری	استان حوزه علمیه	فراوان	قدرت و نفوذ، دم و دستگاه	مناسبت غرور آفرین ۱۰ اردیبهشت	مقصد نهایی از ارائه تکالیف به دانش آموزان
۱		۲۳	رود اروپا	مغرور	شادی	۲۵		
۲	صدا		شوق بسیار	سرفت	سنگ زیرین آسیا در کاشاکش دهر	۱		
۳	تردید		صدای گفت و گوی آهسته		آخرین نازی	۵		
۴			کهنه و پوسیده		نیرنگ	۲۰		
۵	مرغ سعادت		درآمد		شهری افسانه ای	۴		
۶	پروچ کج داستانی		می دهند و رسوا می کنند		روزنامه ها	۲		
۷	روز قبل		فرشته		F	۱۱		
۸	هموار		تخم مرغ لاتین		ضمیر مخاطب	۶		
۹			زمان پیمودن ره صد ساله!		اثر چربی	۲۴		
۱۰			شهر ترکمنستان		اسوه معلمان کشورمان	۱۵		
۱۱	یار سیگار		گیاه رنگریزی		دوشیزه به انگلیسی	۲۸		
۱۲	نام زنانه		به دنیا آوردن		ماه قمری	۳۰		
۱۳			ترکیب های شیمیایی با فرمول مشابه و خواص مختلف		بستگی	۹		
۱۴			تاب و توان		محافظ عکس	۲۷		
۱۵			۱۹		از آن سو فعل گذشته است	۲۱		
۱۶	فیزیکدان ایتالیایی		قیمت		تابع	۲۲		
۱۷	روز جشن		میوه گر مسیری		ناستوار			
۱۸			لوله تنفسی		مخترع تلفن			
۱۹			از ارکان مدرسه		بداخلاق			
۲۰	سوره بیستم اندک		خالص		خشکسالی			
۲۱			کشور «پهرو»		کشور خجسته			
۲۲					محصول برزیل			
۲۳					پسوند نسبت			
۲۴					تقویت رادیویی			
۲۵					حرف عصایی			
۲۶								
۲۷								
۲۸								
۲۹								
۳۰								
۳۱	شهر پیامبر (ص)		تابلویی از «داوینچی»					
۳۲	تنه درخت							

نشانی مجله رشد معلم:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶

تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲

پیام‌نگار: moallem@roshdmag.ir

ب‌ا همراهان

دفتر مجله رشد معلم مشتاقانه منتظر آثار ارسالی مخاطبان عزیز است. شما عزیزان می‌توانید آثار خود را از طریق پیام‌نگار مجله و پست به دست ما برسانید.

اسامی دوستانی که امسال آثارشان را برای ما فرستاده‌اند، به این شرح است:

فیروزه آراسته، زینب آقازاده، مرتضی آقائی، فرشته آل حسینی، بهروز ایرملوی، سیروس ابراهیم‌پور، اقدس ابراهیم‌زاده، حکیمه خاتون ابراهیمی، نبی‌الله ابراهیمی، مریم احدی، آرام احمدپور، زهرا احمدزاده‌ا‌هری، محمد احمدوند، عزیزه احمدی، وحید احمدی، هادی احمدی، محمد احمدی خورشیدی، وحید احمدی عیسی‌آبادی، عبدالله اخباری، حمیدرضا اداوی، افشار ارجمند، نیما ارزانی، فاطمه اسدی، محمدجعفر اسدی‌برازجانی، حسن اسفندیار، فاطمه اسکندری، پروین اسلامی، صغری اسلامی‌اصل، ابوالقاسم اسماعیلی‌ارمی، فاطمه اشرفی‌فاضل، نامدار اعتمادی، مهری اعظم، نسیم اکبری، نگار اکبری‌پاکرو، زهرا اکبری‌جور، عظیم اکبری‌رستم‌آبادی، علی‌اکبر امامی، مجید امیری، احمد اندوز، عالیہ ایزدی، فریده ایمانی، لیلا بابایی، محدثه بادرستان، حسین باقری، رجبعلی باقری، زهرا باقریان، فریدون باقریان، فاطمه شهرزاد بخشایش، محسن برزگر، محمدحسن برزگر، اعظم بریانی، علی بنی‌اسدی، معصومه بنائی، هوشنگ بهداروند، جاسم بهرامیان، کلثوم بهروزی، سعید بیات، فاطمه پاشانجاتی، عقیل پورخلیلی، رقیه پیله‌ور، حسین پناهی، حسین پیریایی، فاطمه تفاخری، علی تقیان‌ورزنده، محمداحسان تقی‌زاده، اشرف تقی، شهناز تنها، فرزانه پارسایی، اعظم توکلی، سیدرضا تولایی‌زاده، عباسعلی جاویدان، حبیب‌الله جعفری‌زاد، صدیقه جلالی، منصوره جمالی، وحید حاج‌سعیدی، صدیقه حاجی‌حسینی، زینب حاجی‌زاده‌رستمی، کبری حاجی‌میرادخانی، علی حسن طاهری، منیژه حسینی‌پورفلاح‌بهدانی، حسام حسینی، فاطمه حسین‌پور، مریم حسین‌پور، سیدحسین حسینی، سیدغلامرضا حسینی، سیدقاسم حسینی، سیدمحمدحسن حسینی، عبدالغفور حسینی، حسین حجازی، لیلا حسین‌پور، هانیه حیدرنیا، صغری حق‌دوست، سیدمهدی خاتمی‌شال، سامی خانی‌تمبی، مریم خجسته‌نیا، احمد خدایگان، جعفر خرازی، ناصر خضری‌پناه، مصیب خلخال، فرحناز خورانی‌کریمی، فرزاد خوش‌کلام، مهرداد خوشنام‌وند، بهروز داداشی‌اومالی، مرتضی دادگراصل، ربابه دمیرچی، مژگان ربیعی، قدیرعلی رجبی، شہلا رحمان‌پناه، نرگس‌سادات رحمن‌پور، صلاح رشیدی، حسن رضاترابی، رابعه رستگار، حمیدرضا رضازاده‌بهادران، عزیزالله رضایی، منیره رضایی، منیژه رضایی‌فر، مینا زارع‌دار، فردین زارعی، مهدی زارعی، زهرا زاهدی‌فر، معصومه زمانخانی، اشرف زهره‌وند، رضا زواقی، فاطمه زیارتی‌علوی، سعیده ذبیحی، سعید ساحلی، فرشته ساریخانی، کلثوم ساعی‌اومالی، سعدی سامی، لیلا سرخمود، داریوش سرعتی‌زاده، علی سعیدی، مرضیه سعیدی، مریم سلحشور، مژگان سلطانی، داوود سلمانزاده‌ممقانی، آزاده سلیمانی، لیلا سلیمانی‌سروستانی، مرضیه سمائی‌صحنه‌سرائی، رقیه سیاوش، میرمحمد سیدکلان، آزاده شادمان‌منفرد، آرزو شاکری، غلام شفیع، شیوا شکرانی، فیروزه شمسی‌هاچه‌سو، علیرضا شمشیری، فاطمه شهابتی، حسن شهبازی، حامد شیدائی، لیلا صافی، روناک صالح‌پور، منصور صالحیان، علی صحبتلو، مهدی صداقت‌پیشه، بهیاد صدیق‌پور، حمیده صدیقی، مهناز صفایی، محمود صفری، کاوه صیدمرادی، گل‌افروز ضمانت، ابراهیم طاهری‌نمیل، ماریا طبری، زینب طوطیان، سپیده ظریف احمدزاده، غلامحسین ظفری، عادل ظفری‌نژاد، معصومه عبادتی‌آبندانسری، سمیه عباسیان، زهره عباسی، محمدرضا عباسی، کریم عباسی‌اول، آریتا عبدالهی، زینب عبدی، مریم عبدی، احمد عزیزی، افسانه عسگری، رضا و محمد علائی، راضیه عزیززاده‌مقدم، حمیرا علی‌نژاد، اصغر عیسی‌پور، جواد غفاری، فاطمه غلام‌پور، روح‌الله غلام‌پورسدهی، امیر غلامی، سهیلا غلامی، نوشین غلامی، علیرضا غلامی‌بادی، سهیلا غلامی‌هردهشتی، اعظم فاضلی، محمد فتحی، محمدباقر فخرعلی، زهره فرخ‌نبار، فرامرز فرهادی، بتول فیروزکوهی، ولی‌الله قائدرحمتی، فرحناز قاسمیان، مرتضی قاسمی، فیروزه قریشی، مهین‌سادات قریشی، رقیه قیاسی، ژیلدا کاردان‌حلوایی، سمیه کاظمی، مهرناز و مرضیه کالمرزی‌مقدم، افسانه کامکار، علیرضا کامور، رحیمه کردکتولی، نسیم کرمانچی، هیوا کریمی‌پور، فرهاد کریمی، جبار کشاورز، هاجر کلبادی‌نژاد، حمید کمرزین، هادی کوشا، شعله کیا، فرزاد و مجتبی کیانی، شہلا گاله، فاطمه گنجی، معصومه لایموت، مهین لیدای، محمدفایق مجیدی‌دهگلان، رضا محبی، اکرم محسنی، جعفرصادق محمدزاده، حسین محمدیان، یوسف محمدی، رشید محمدی‌لیتکوهی، معصومه محمدی‌نجف‌آبادی، نوشین‌سادات محمودپور، محبوبه محمودی، اقدس محمودی‌فیض‌آباد، فرحناز مختاری، عدنان مرادی، رقیه مرادی‌برزل‌آباد، معصومه مرتضوی، سعید مرسلی، صدف مرواریدی، رویا مسعودی، حسین مشایخ‌امیری، اعظم معدنی، رحیمه منصوری، صدیقه منصورزاده، نجمه مؤمنی، فریبا مؤیدنیا، سیده‌فاطمه موسوی، سیدابوالفضل موسوی، سحر موسی‌نژاد، ندا مهدوی‌غروی، محمدرضا میرزایی، رضا میرعرب‌رضی، فاطمه نادری، لیلا نبهانی، هما نجفی، سیده‌عاطفه نجفی‌پور، فاطمه نصیری، مجتبی نظام‌آبادی، حسین علی نظری، نصرالله نوروزی، ذبیح‌الله نوریان، فارسی‌ماهرز نوری‌زاده، فاطمه نیکبخت، اکرم نیکپور، محمد نیکوبی، طاهره ورامینی، خدیجه وکیلی، مهدی ولی‌نژاد، نیلوفر هادوی، سعید هاشمی، صدیقه‌سادات هاشمی، فاطمه‌سادات هاشمی، مریم هاشمی‌شهرکی، نیره هراتی، مهدی همتی، انسیه‌سادات یزدانی، مجتبی یزدانی، محبوبه یعقوبی‌خانقاهی، علی یوسفی، زینب یونسی.



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و نه شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

• رشد آموزش ابتدایی • رشد تکنولوژی آموزشی

• رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

• رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول)

• رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم)

• رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و

ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش

تربیت بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش

جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک

• رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش زمین‌شناسی

• رشد آموزش فن و حرفه‌ای و کار دانش • رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

• تلفن و نمابر: ۸۸۲۰ ۱۳۷۸ - ۲۱



تیمز باید‌هاوشاید‌ها

غلامرضا لشکر بلوکی
معاون دفتر دوره اول متوسطه

مطالعات گسترده مؤید این نکته است که شرط دستیابی به موفقیت و ارتقای کیفیت نظام آموزشی، توجه به همه عوامل و جنبه‌های تأثیرگذار بر عملکرد دانش‌آموزان است که در قسمت‌های قبلی این مقاله، تحت عنوان عوامل درون و برون مدرسه‌ای، به‌طور مفصل در مورد آن‌ها بحث شد و همچنین تأکید شد که برای پرداختن به علت‌های ناکامی، نمی‌توان به مسائل در این موضوع نگاه تک‌بعدی و علت و معلولی داشت. براساس آنچه تاکنون به آن‌ها اشاره شد، توجه به چند نکته، به‌عنوان جمع‌بندی و سخن پایانی، ضروری به‌نظر می‌رسد:

۱) گرچه برای پیشرفت نظام آموزشی باید از تجربیات کشورهای موفق در این خصوص بهره گرفت، اما قبل از هرگونه اقدام عملی برای بهبود، لازم است به شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه و خانواده‌ها و همچنین ظرفیت‌های نظام آموزش و پرورش کشور نیز توجه جدی شود. لذا شایسته است عوامل دستیابی به موفقیت را در داخل خود کشور جست‌وجو کرد.

۲) در قسمت‌های قبلی این نوشتار اشاره شد که عوامل متعددی در ارتقای عملکرد دانش‌آموزان در درس‌های ریاضیات و علوم تجربی مؤثرند، اما در این بین نقش معلم (به‌دلیل نقش کمرنگ جامعه، نهادهای اجتماعی، خانواده‌ها و حتی دولت در کمک و حمایت از نظام آموزش و پرورش) بسیار پررنگ‌تر از سایر عوامل است. لذا تدریس اثربخش و مدیریت مؤثر کلاس درس، توسط معلمان، تا حدود زیادی می‌تواند کم‌کاری و نقص‌های پیش‌گفته را تعدیل یا جبران کند.



۳ با توجه به اینکه مطالعات تیمز دو دوره ابتدایی و متوسطه را دربرمی گیرد، ضروری است هر گونه سیاست گذاری، تصمیم گیری و پیش بینی و اجرایی کردن راهکارهای پیشرفت در این مقوله، با هماهنگی و هم افزایی این دو دوره پایه گذاری شود، و گرنه دستیابی به مقصود دور از انتظار خواهد بود.

۴ چنانچه اشاره شد، بخشی از عوامل موفقیت یا ناکامی در این زمینه را باید در خارج از آموزش و پرورش جست و جو کرد؛ نمی توان تمام عوامل کامیابی یا شکست را فقط به آموزش و پرورش نسبت داد.

۵ اینک که دست اندر کاران نظام تعلیم و تربیت کشور درصدد استقرار نظام آموزشی جدید (نظام آموزشی ۳-۳-۳) هستند و به تبع آن کتاب های درسی جدید برخی پایه ها نیز تدوین شده اند یا در حال تدوین هستند، شایسته است مؤلفان کتاب های جدید التالیف، به ملاحظات و الزامات این مطالعه نیز به طور ویژه توجه کنند.

۶ نقش مدارس و گروه های آموزشی در این زمینه بی بدیل است. مطالعه و اشراف آنان به فلسفه، اهداف و عملکرد دانش آموزان در مطالعات تیمز و پرلز و شناسایی و رفع مشکلات دانش آموزان در این دو حوزه می تواند به بهبود عملکرد دانش آموزان کمک شایانی کند. بحث و بررسی موضوع در شورای معلمان توسط مدیر یا یکی از دبیران ریاضی و علوم تجربی، در میان گذاشتن موضوع با اولیای دانش آموزان به کمک انجمن اولیا و مربیان، برگزاری جلسات هم اندیشی توسط مسئولان گروه های آموزشی یا سرگروه های درس های ریاضیات و علوم تجربی با حضور دبیران این دو درس، برای شناسایی مشکلات و ارائه راهکارهای بهبود، می تواند تا حد قابل ملاحظه ای به پیشرفت موضوع کمک کند.

۷ بیش از یک سال است که معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش، با هماهنگی مرکز ملی مطالعات تیمز و پرلز، مستقر در پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، به تشکیل جلسات منظم با حضور نمایندگان مطلع معاونت ها و دفاتر و کارشناسان ذیربط مبادرت می کند که حاصل آن تصویب چند راهکار از جمله آموزش معلمان، فرهنگ سازی و اطلاع رسانی، برگزاری آزمون مشابه تیمز (که قرار است تا پایان سال جاری برگزار گردد) و چند راهکار دیگر است که تحقق آن ها در حال پیگیری است. بهرحال لازم است از تمامی ظرفیت های موجود (انسانی، تجهیزاتی و مالی) استفاده شود تا در سال های آینده، عملکرد دانش آموزان ایرانی در مطالعات تیمز و پرلز به حد قابل قبولی برسد. این امر شدنی است؛ مشروط به اینکه عملگر باشیم و راهکارهای درست و مؤثر را شناسایی و عملیاتی کنیم.



برگ اشتراک مجله های رشد

نحوه اشتراک:

شما می توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

نام مجلات در خواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

میزان تحصیلات:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان:

شهرستان:

خیابان:

پلاک:

شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

اگر قبلاً مشترک مجله بوده اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضاء:

نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

اشتراک مجله: ۰۳۱-۷۷۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال
هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال